

۴۰

ماهنامه تخصصی حوزه انرژی

۸۴ صفحه

اردیبهشت ۱۳۹۹

قیمت ۳۰/۰۰۰ تومان

The World of Energy Magazine

دنیای انرژی

اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران

چشم انداز بخش پایین دستی صنعت نفت تا سال ۲۰۳۵

رمزگشایی از سیاه ترین دوران طلای سیاه

تاثیر کرونا بر فروش نفت و اقتصاد دنیا

استراتژی جدید وزارت نفت

صادرات در محاصره مصائب

قربانیان ابربحران ۲۰۲۰



COVID-19
CORONAVIRUS

تولید کننده انواع روغن پایه گروه I⁺ برای اولین بار در ایران



www.ravansazanoil.com

(مزیت رقابتی محصولات)

یکی از مهمترین نقاط مثبت محصولات این شرکت شاخص گران روی یا به اصطلاح مصرف کنندگان روغن پایه (VI) ، که حداقل پنج شماره از روغن های ورژن سایر شرکت ها بالاتر می باشد. از دیگر نقاط قوت این شرکت رنگ روشن و سولفور پایین می باشد که روغن بدون بو آن گواهی بر این مزیت دارد. مهمترین مزیت محصولات این شرکت پایین بودن عدد تبخیر روغن پایه است.

دفتر مرکزی: تهران خیابان بهشتی خیابان اندیشه خیابان اندیشه دوم شرقی پلاک ۲۵ تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۲۳۰۳۰

واحد تولیدی: قزوین جاده اشتهارد خیابان چرم سازی کارخانه روان سازان اطلس

09218033196

09383840326



شرکت پیمان روغن

تولید کننده انواع: روغن موتور، پایه، دنده، هیدرولیک و صنعتی

هیدروکربن های سبک و سنگین، گریس و ضد یخ



دفتر مرکزی: تهران - فلکه دوم صادقیه، ابتدای جناح، نبش کوچه عابدزاده، پلاک ۱۹ واحد ۴ و ۵
کارخانه: کیلومتر ۱۰ جاده اشهراد به بوئین زهرا شهرک چرم سازی انتهای خیابان چرم سازی شرکت پیمان روغن
تلفن: ۰۲۱۴۵۸۶۵ ۰۲۱۴۴۲۸۸۴۳۱ www.credit-oil.com Email: info@credit-oil.com

تولید ملی
اقتصاد ملی



کانسارهای افرا (سهامی خاص)

بزرگترین تولید کننده بنتونیت اکتیو و خاک رنگبر

- | | |
|-----------------|--------------------|
| محصولات | کاربرد |
| ● خاک رنگبر | ● روغن نباتی |
| ● بنتونیت اکتیو | ● پارافین و وازلین |
| ● کمک صافی | ● صنعت نفت |
| ● خاک ارت | ● تصفیه آب |

مالکیت ۲ معدن با ذخیره ۱۲ میلیون تن بنتونیت کلسیک
پروانه بهره برداری از وزارت صنعت، معدن و تجارت
تنها دارنده پروانه تولید و ساخت از وزارت بهداشت

صادرات به بیش از ۱۰ کشور



دفتر مرکزی: تهران، خیابان مطهری، خیابان سلیمان خاطر، پلاک ۱۳۰، واحد ۴۰۳
کارخانه: زنجان، سلطانیه، مجتمع صنعتی با هنر
www.akaco.ir
info@akaco.ir
تلفن: ۰۹۱۲۸۰۲۳۵۲۱
۸۸۳۱۳۸۱۸-۱۹
۸۸۳۱۰۵۹۷





« صاحب امتیاز: اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت و گاز و پتروشیمی ایران

« مدیرمسئول: دکتر سیدحمید حسینی

« سردبیر: امیر عباس امامی

« شورای سیاست گذاری: سیدحمید حسینی، سعید رفیعی فر، احمد صرامی، مرتضی فیروزی، رضا مدیر

« دبیر سرویس بخش انگلیسی: یوسف پورغفار

« همکاران این شماره: هادی ابراهیمی، مهسا معیری و هیئت تحریریه دنیای انرژی

« سازمان آگهی‌ها: سولماز فرهادی ۵-۸۸۵۰۸۲۵۱

« صفحه آرای: محمدسیدی

« چاپ و لیتوگرافی: رنگین گستر - ندای ایران

« طرح جلد و نظارت چاپ: کانون تبلیغاتی سیما تک نوین

« مقالات، یادداشتها و مصاحبه‌های ارائه شده در ماهنامه دنیای انرژی لزوماً مورد تایید اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی ایران نیست.

۲) اختصاص حداکثر دوازده صفحه مقالات و یادداشتها به زبان انگلیسی در هر شماره نیز با توجه به اینکه از منابع قابل قبول و شامل هزینه آبونمان تهیه می‌گردد به جذابیت این بخش افزوده است.

۳) استفاده از کاغذ مرغوب گلاسه، طراحی گرافیکی و صفحه آرای مناسب به اذعان خوانندگان محترم مقبول افتاده است.

۴) هیئت تحریریه به همراه شورای سیاست گذاری ماهنامه دنیای انرژی سعی خواهد نمود در سال کنونی با طرح مباحث مهم و چالشی در صنایع نفت، انرژی و فرآورده‌های نفتی ضمن طرح و بررسی مشکلات و موانع، راه‌حلهای ارائه شده را به صورت مقاله، یادداشت و میزگرد ارائه نماید. انتشار چهلمین شماره ماهنامه دنیای انرژی را به تمامی دست اندرکاران، هیئت تحریریه، شورای سیاست گذاری، هیئت رئیسه و اعضای اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی ایران و تمامی خوانندگان محترم تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم و امیدواریم ما را از نظرات، پیشنهادهای و انتقادات سازنده خود بهره مند سازید.

شماره جدید مجله در حالی منتشر میگردد که کرونا بیشترین آسیب را به صنعت نفت دنیا وارد نموده و این صنعت به مانند صنایع هواپیمایی، تورسیسم، هتلداری، صنعت مد و لاکچری، بدترین دوران خود را سپری میکند، کاهش ۷۰ درصدی قیمت نفت و فرآورده‌ها و سرگردان بودن میلیونها بشکه نفت بر روی تانکرهای غول پیکر، بازیگران نفت را به وحشت انداخته، علیرغم توافق کم سابقه، دیر هنگام و سه جانبه کشورهای عضو اپک، اپک پلاس و کشورهای نظیر امریکا، کانادا، نروژ، برزیل و... خارج کردن روزانه ۱۹/۵ میلیون بشکه از بازار نفت در ماههای می و جون هنوز شاهد تلاطم در قیمت هستیم. متأسفانه کشور عزیزمان ایران به عنوان بزرگترین دارنده ذخائر هیدروکربوری جهان در صورت ادامه این وضعیت، یکی از بزرگترین بازندگان این ماجرا خواهد بود، امیدوارم که با پایان یافتن تدریجی قرنطینه ۴/۵ میلیارد نفر از انسانها شاهد تداوم روند مثبت قیمت نفت در بازار بوده و اعضا اتحادیه نیز بتوانند در شرایط سخت تحریم و کرونا با صادرات فرآورده‌های نفتی در سال جهش تولید نقش خود را در تامین نیازهای ارزی کشور ایفا نمایند.

دنیای انرژی در مسیر سخت و پرتلاطم فعلی، چهلمین شماره خود را در حالی تقدیم می‌کند که با گرانی کاغذ و چاپ و خدمات چاپخانه‌ها مواجه بوده است. شورای سیاست گذاری با همکاران تحریریه، سعی نموده اند که در انتشار نشریه از موضوعات و محتوای کلیشه‌ای پرهیز نموده و رویکرد اصلی را به یادداشتها، مصاحبه‌ها، مقالات و تحلیل‌های حوزه نفت، انرژی و فرآورده‌های نفتی اختصاص دهند، از این رو ماهنامه دنیای انرژی توانسته است با اشتراک گذاری مطالب نشریه در کانالها، سایت‌ها و گروه‌های تخصصی حوزه نفت و انرژی، مرجعی قابل اطمینان و خواندنی در میان فعالان اقتصادی، مدیران نهادها و سازمانها و دانش پژوهان گردد.

از جمله محورهایی که در تهیه و انتشار دنیای انرژی مدنظر قرار داده ایم موارد ذیل قابل تامل خواهد بود:

۱) مقالات، یادداشتها و مصاحبه‌ها همگی تولیدی هیئت تحریریه دنیای انرژی بوده، بازنشر مقاله یا یادداشتی از منابع خبری نداشته و تنوعات موضوعات بسیاری نیز در هر شماره لحاظ شده است.

صادرات در محاصره مصایب

صفحه ۳۸



۱۰ چیز که حرفه‌ای‌ها باید دربارہ تصمیم‌توقف تولیدنفت و گاز بدانند

صفحه ۵۲



منافع عمومی اتحادیه‌اوپکس

صفحه ۴۹



آینده صادرات فرآورده‌های نفتی

صفحه ۵۶



بخش خصوصی کیمیای سعادت وزارت نفت

صفحه ۶۳



آینده روشن تر صادرات باراهکارهای مالی

صفحه ۸



نفت منفی پایان سلطه گری طلای سیاه

صفحه ۱۲



تأثیر تحولات قیمت نفت

صفحه ۲۲



کشورهای همسایه چه سیاستی در قبال تبادلات کالایی با ایران در پیش گرفتند؟

صفحه ۳۰

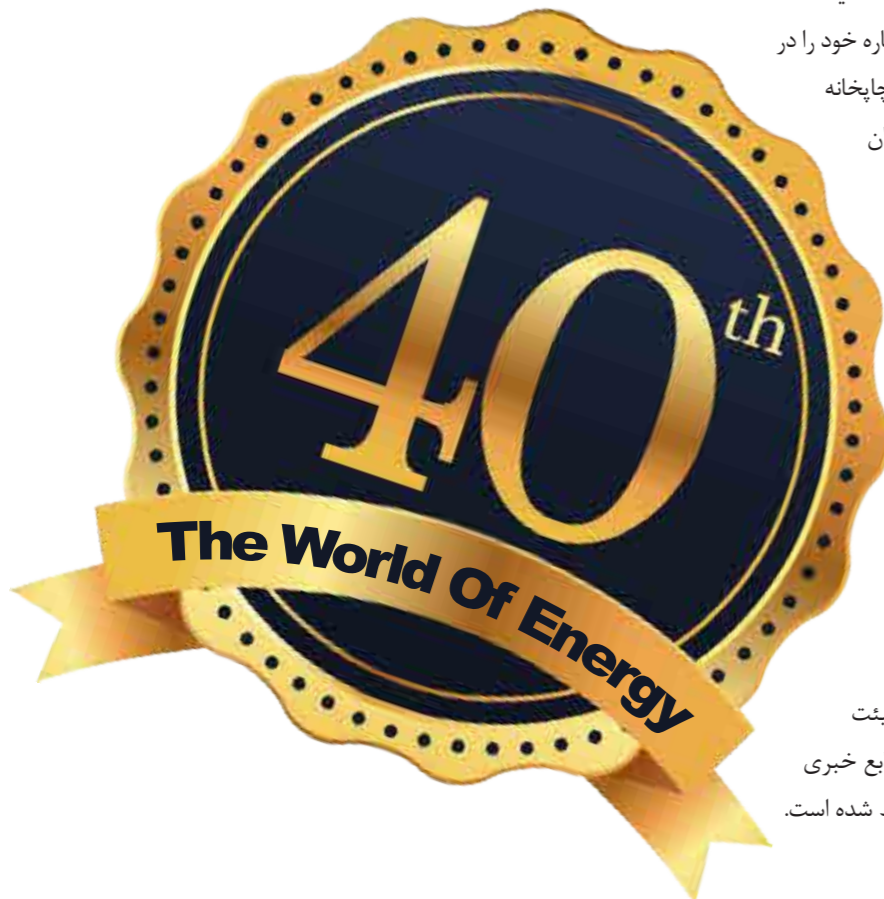


استراتژی جدید وزارت نفت

صفحه ۳۴



تهران - خیابان دکتر بهشتی، خیابان مفتوح شمالی، خیابان نقدی، پلاک ۱۰، طبقه اول



چشم انداز بخش پایین دستی صنعت نفت تا سال ۲۰۳۵



رضا مدیر قومی
تحلیل گر ارشد انرژی

طی ده سال آینده ترکیب تقاضای نفت با تغییرات عمده مواجه می شود و پالایشگران باید برای حفظ موضع رقابتی خود سرمایه گذاری لازم را انجام دهند و با تغییرات ضروری کنار بیایند. در گذشته صنعت جهانی پالایش نشان داده است که مهارت و انعطاف لازم برای مواجه

شدن برای هر گونه تغییر و تحولی را دارا است. طی چند دهه گذشته صنعت پالایش از نظر عملیاتی تغییرات عمده ای کرده تا بتواند هزینه ها را کاهش و سود خود را افزایش دهد و در عین حال از سرمایه گذاری برای ارتقاء پیچیدگی پالایشگاهی عقب نماند. در گذشته برهه های شوک آمیزی سپری شده که طی آن عملیات ضعیف تر پالایشگاهی تعطیل شده و یا آنکه با ورود رقبای جدید، بخشی از پالایشگاه از مدار خارج شده است. در این فرآیند استراتژی پالایشگران چند ملیتی بزرگ به نحوی بوده که بخشی از سیستم پایین دستی خود را تعطیل کرده یا فروخته اند و در مقابل تلاش کرده اند از پالایشگاه های مستقل (شرکت های نفتی بدون بخش بالا دستی) راه اندازی شود. ویژگی این پالایشگاههای مستقل آن بوده که انعطاف پذیری عملیاتی بیشتری از خود نشان داده اند، به طوری که با تمرکز بیشتری نیازهای بازار را پاسخگو بوده و در عین حال مشخصات فرآورده، مقررات و سایر ضوابط محدود کننده دولت ها در مورد محیط زیست و غیره را رعایت نمایند. همه این اقدامات سبب شده که سرمایه گذاری های اساسی (capital investments) این شرکت ها بیشتر و بیشتر گردد.

چالش ها و پاسخ های پالایشگاه ها

همه این تحولات سبب گردیده هر ساله پالایشگاه ها حسب مناطق مختلف با پدیده ها و چالش های جدیدی مواجه باشند و بر پویایی آنها افزوده گردد. در این تحولات، پالایشگران آمریکایی به واسطه دسترسی به خوراک و سوخت (گاز) ارزانتر و پیچیدگی پالایشگاهی خود که غالباً در ارتباط با مجتمع های پتروشیمی ایشان تعریف شده، تبدیل به صادرکننده ثابت فرآورده های نفتی به آمریکای جنوبی یعنی نزدیکترین مقصد به خود شده اند. پالایشگران اروپایی که در منطقه خود با کاهش تقاضا مواجه بوده اند نیز تبدیل به صادرکننده بنزین به ایالات متحده، آمریکای جنوبی و افریقا شده اند. چین هم سیستم پالایشی بیش از نیاز خود تدارک دیده و در فرآیند مقابله با هزینه های زیاد انرژی و فقدان خوراک داخلی برای بخش پایین دستی، مقداری فرآورده برای صادرات دارد.

پالایشگران جهانی از یک سو مشاهده کرده اند که تقاضای جهانی برای فرآورده های نفتی مستمراً افزایش پیدا کرده، ولی از سال ۲۰۰۰ به بعد تقاضا در بعضی بخش های اقتصادی نظیر بخش مسکونی و صنعتی و نیز مناطقی نظیر اروپا، ژاپن و استرالیا تقاضای فرآورده های نفتی ثابت در حال کاهش بوده است. از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ تقاضای فرآورده های نفتی حدود ۲۰ میلیون بشکه در روز افزایش داشته که بیشتر شامل بنزین و فرآورده های تقطیری (گازوئیل، نفت سفید و سوخت جت) بوده و این افزایش عمدتاً در کشورهای تازه صنعتی شده رخ داده و سهم کشورهای آمریکا و اروپا از این افزایش فقط یک میلیون بشکه بوده است. ضمناً طی دوره یاد شده، تقاضای خوراک پتروشیمی رشد

بیشتری داشته ولی مقدار افزایش آن خیلی کمتر از سوخت مورد نیاز برای حمل و نقل بوده که معادل چهار میلیون بشکه در روز بوده است. روند تغییر در دهه بعد از آن (۲۰۲۰-۲۰۱۰) سریع تر هم بوده است. در این دوره مصرف سوخت های حمل و نقل یک پرش نه میلیون بشکه ای داشته و خوراک پتروشیمی نیز با رشد بی سابقه سه درصد در سال به حدود چهار میلیون بشکه در روز بالغ گردید که بدین ترتیب مصرف آن از عرضه نفت خام جهانی به ۱۳ درصد رسید، حال آنکه سهم آن در سال ۱۹۹۰ فقط ۷ درصد بوده است. پیش بینی می شود این روند افزایشی ادامه یابد و سهم خوراک پتروشیمی افزایش بیشتری هم داشته باشد.

در پاسخ به این تحولات، بسیاری از پالایشگران مشخصات پالایشی خود را معطوف تولید فرآورده های پتروشیمی کرده اند. این تحول کم و بیش در حال پیشرفت است، هر چند که یک چالش بزرگ دیگر برخی از پالایشگران را با تردید مواجه کرده است. این چالش رشد بی سابقه تولید NGL است که عمدتاً از حوزه های شیل آمریکا تولید می شود و بدون ورود به سیستم پالایش نفت خام، تقاضا برای نفت خام و فرآورده های پالایشگاهی را کاهش می دهد.

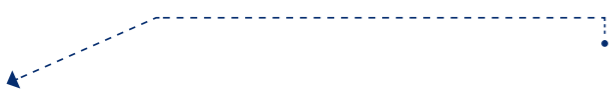
روند مصرف فرآورده های نفتی

از سال ۲۰۰۹ به بعد، تقاضای فرآورده های نفتی با رشد ۶/۱٪ در سال، به رقم ۱۰۲ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۹ بالغ گردید. در سطور گذشته اشاره گردید که سهم افزایش تقاضا در کشورهای صنعتی سابق طی سه دهه گذشته ناچیز بوده و فقط یک میلیون بشکه در روز بوده است. این کاهش تقاضا ناشی از صرفه جویی در مصرف انرژی، بهره گیری از فن آوری های جدید، بهبود کارایی در سیستم های مصرف کننده انرژی و مقررات زیست محیطی بوده که طی دهه آینده به ویژه از سال ۲۰۲۵ تا ۲۰۳۰ تشدید خواهد شد و موجبات کاهش مصرف انرژی در این مناطق را نیز فراهم خواهد آورد. لیکن با همه این اقدامات، نمی توان گفت تقاضای کشورهای صنعتی (سابق) به سطح رشد صفر درصد خواهد رسید. پیش بینی های فعلی حاکی از آن است که تقاضای جهانی در ۲۰۳۰ به ۱۱۴ میلیون بشکه در روز خواهد رسید که معادل یک درصد در سال می باشد. در این افزایش سهم خوراک پتروشیمی افزایش خواهد داشت و لذا می توان انتظار داشت مجتمع های پتروشیمی ایجاد شود. علاوه بر رشد تقاضا برای خوراک پتروشیمی، تقاضا برای سوخت های حمل و نقل نیز افزایش پیدا خواهند کرد. رشد تقاضای این بخش در ۱۵-۱۰ سال آینده در آمریکا، اروپا و ژاپن کاهش خواهد بود، لیکن در کشورهای در حال توسعه بویژه چین،

هند، آسیای جنوب شرقی، خاورمیانه و آفریقا افزایش خواهد داشت. در این دور، تقاضای سوخت های حمل و نقل سهمی در حدود ۵۰ درصد از تقاضای نفت را به خود اختصاص خواهد داد، که عمدتاً معطوف بنزین و دیزل و سوخت هواپیماهاست و بخش اعظم مقررات محدود کننده بین المللی دولت ها برای مسائل زیست محیطی کماکان متوجه این بخش می باشد. با توجه به این تغییر و تحولات در مناطق مصرف و شیفت آن به کشورهای در حال توسعه و نیز تغییر ترکیب مصرف و ویژگی های لازم برای فرآورده های جدید، پالایشگران جهانی باید آمادگی تغییر سیستم های خود و ایجاد پالایشگاه های جدید را داشته باشند.

رقابت از ناحیه سوخت های زیستی (بایوفیل)

در بخش حمل و نقل، سوخت های زیستی به عنوان گزینه ای از سوخت های پاک و تجدیدپذیر ظهور کرده اند. قبلاً کشورهای اروپایی و آمریکا برنامه سوخت های زیستی را به عنوان مکملی برای تقویت عرضه امنیت انرژی در نظر داشتند، ولی برنامه آن کماکان علی رغم رفع اولویت امنیت انرژی برای کشورهای غربی، ادامه یافته است. مهمترین سوخت زیستی مورد مصرف جهانی اتانول است که حجم آن ۷ درصد مصرف جهانی بنزین را تشکیل می دهد. سطح مصرف آن در آمریکای جنوبی زیاد است که به رغم ۳۶ درصد حجم بنزین مصرفی می رسد، و حال آن که در آمریکا این رقم حدود ۱۰ درصد است. چین و هند هم که در حال حاضر زیر ۵ درصد از این سوخت استفاده می کنند، درصدد هستند طی دهه آینده سهم آن را به ۱۰ درصد یا بیشتر افزایش دهند، هر



پیش بینی می شود طی ۵ سال آینده نصف رشد مصرف بنزین را اتانول بگیرد و برای ۵ سال بعد از آن، تمامی رشد نصیب اتانول شود. با این حساب، پالایشگران انگیزه ای برای سرمایه گذاری جدید برای تولید بنزین نخواهند داشت



مهاجرت پالایشگاه ها از کشورهای پیشرفته

در دروس اولیه مهندسی و مدیریت و نیز در مطالعات امکان سنجی تأسیسات صنعتی ذکر می شود که محل تأسیس یک کارخانه یا مجتمع صنعتی در درجه اول باید نزدیک به محل تأمین مواد اولیه و بازار مصرف آن باشد و همین عوامل در شکل گیری پالایشگاه های قدیمی ایالات متحده، اروپا و نیز پالایشگاه آبادان در جنوب کشورمان و نقاط دیگر دنیا نقش کلیدی داشته است. در درجه بعد پالایشگاه ها برای خنک کردن سیستم های خود به آب زیادی احتیاج دارند بنابراین عمده پالایشگاه ها در بنادر ایجاد شده اند که هم دسترسی به آب فراوان داشته باشند و هم بارگیری فرآورده های آنها برای حمل به مقصد سهل و اقتصادی باشد.

این عوامل کمابیش تا دهه ۱۹۹۰ میلادی برای ایجاد پالایشگاه ها رعایت شده است. از اوایل دهه ۱۹۹۰، به تدریج دینامیسم جدیدی بر صنعت نفت حاکم گردید که هم بخش بالادستی (اکتشاف، تولید و بهره برداری) و هم بخش پائین دستی (پالایشگاه ها، خطوط لوله و بخشی از صنایع پتروشیمی) را متناسب با آن متحول نمود. در این

چند که بعید است به این هدف برسند. به هر حال پالایشگران با این چالش عمده مواجه هستند که طی سال های آینده، حجم کلی بنزین مصرفی کاهش خواهد یافت و رقابت از ناحیه اتانول ادامه می یابد. پیش بینی می شود طی ۵ سال آینده نصف رشد مصرف بنزین را اتانول بگیرد و برای ۵ سال بعد از آن، تمامی رشد نصیب اتانول شود. با این حساب، پالایشگران انگیزه ای برای سرمایه گذاری جدید برای تولید بنزین نخواهند داشت، جزء آن که بخواهند دستگاه های تولید اکتان را افزایش دهند و یا آن که بنزین خیلی کم سولفور تولید کنند. اگر اتانول رقیب بنزین است، بایو دیزل نیز رقیب گازوئیل محسوب می شود، کما اینکه در ده سال گذشته این چالش را برای تقاضای دیزل و گازوئیل داشته، هر چند که شدت اتانول را نداشته است. طی دهه گذشته رشد سالانه مصرف بایو دیزل ۹ درصد بوده که سطح آن به رقم ۸۰۰ هزار بشکه در روز رسیده که معادل ۳/۵ درصد مصرف دیزل حمل و نقل جهانی است. پیش بینی می شود این رقم طی دهه آینده به ۶-۵ درصد برسد.

فرایند جدید، فروپاشی بلوک شرقی سابق و شوروی، انقلاب ایران و سپس جنگ تحمیلی و سایر تحولات ژئوپولیتیک نقش داشتند لیکن دو عامل اصلی این فرایند را تسریع کرد.

اولین عامل تغییر استراتژی کشورهای پیشرفته بوده که به واسطه تغییرات ساختاری و مسائل زیست محیطی به صنایع خدماتی پیشرفته (توریسم، بانکداری، بیمه، برندینگ و در مراحل بعدی IT و شرکتهای تکنولوژی نظیر گوگل و ماکروسافت) روی آوردند و تلاش کردند صنایع تولیدی را به کشورهای تازه صنعتی شده نظیر برزیل، چین، هند، کره جنوبی، مکزیک، کشورهای آسیای جنوب شرقی و غیره صادر کنند. پالایشگاه ها نیز در همین گروه از صنایع تولیدی طبقه بندی میشوند و نگهداری آنها بیش از مصرف داخلی در راستای این استراتژی نبود.

عامل دیگری که بدون ارتباط با عامل قبلی نیست، آن بود که به تدریج بخش پائین دستی صنعت نفت بویژه محل تأسیس پالایشگاه ها را تحت تأثیر قرار داد، افزایش مصرف فرآورده های نفتی در کشورهای در حال توسعه بود. در واقع این محرک سبب گردید ایجاد پالایشگاه ها در کشورهایی نظیر چین، هند، برزیل و نیز کشورهای خاورمیانه توجیه

اقتصادی پیدا کند چرا که مصرف فرآورده های نفتی نسبت به گذشته افزایش چشمگیری پیدا کرد. آمارها حاکی از آن است که بین سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹، حدود ۲۰ میلیون بشکه به ظرفیت پالایشی جهان افزوده شده که تقریباً ۸۰ درصد آن در کشورهای آسیایی بوده است. شگفت آور نیست که از این رقم، حدود ۱۲ میلیون بشکه سهم چین بوده، ضمن آن که سهم افزایش شرق و جنوب آسیا نیز نسبتاً زیاد بوده است. در مقابل این افزایش ها، سهم کشورهای صنعتی سابق نه تنها افزایش نداشته بلکه طی دو دهه گذشته حدود ۲ میلیون بشکه از ظرفیت پالایشی ژاپن و استرالیا کاسته شده یعنی پالایشگاه های خود را تعطیل کرده اند. در خاورمیانه نیز ظرفیت پالایشی طی دوره یاد شده حدود ۴ میلیون بشکه در روز افزایش یافته، حال آن که ایالات متحده و کانادا که از مناطق قدیمی و بزرگ تولید و مصرف نفت بوده اند، طی دو دهه گذشته فقط ۱/۶ میلیون بشکه به ظرفیت پالایشگاهی خود افزوده اند. همچنین در اروپا قریب ۳ میلیون بشکه در روز از ظرفیت پالایشی کاسته شده است. پیش بینی های میان مدت کماکان بر همین روند است، بدین ترتیب که تا سال ۲۰۲۵، چین در صدد است ظرفیت پالایشی خود را ۱/۲ میلیون بشکه دیگر اضافه کند و خاورمیانه نیز تا سال یاد شده حدود ۱/۷ میلیون بشکه ظرفیت پالایشی خود را بالا خواهد برد. آفریقا نیز که طی ۱۰ سال گذشته تحرک کمی داشته تا سال ۲۰۲۵ حدود یک میلیون بشکه به ظرفیت پالایشگاهی خود خواهد افزود. بیشتر این رقم سهم نیجریه و پالایشگاه عظیم دانگوته در این کشور است که قرار است از سال ۲۰۲۲ با ظرفیت ۶۵۰ هزار بشکه در روز به کار افتد. این پالایشگاه نیجریه را از نظر تأمین فرآورده های نفتی تقریباً خودکفا خواهد کرد و عرصه را برای پالایشگران اروپایی که صادرات فرآورده های پرسولفور خود را به این کشور روانه میکنند، تنگ خواهد کرد. این پالایشگاه ها نفت سنگین ترش (پرسولفور) اورال روسیه را تصفیه میکنند ولی به واسطه مقررات سوخت اتحادیه اروپا قادر به فروش آن در کشورهای اروپایی نیستند. آرامکو عربستان نیز طی ماه های آتی پالایشگاه ۴۰۰ هزار بشکه ای جیزان را افتتاح میکند و علاوه بر آن یک یونیت ۲۰۰ هزار بشکه ای تقطیر را به عنوان فاز دوم پالایشگاه رونگ سنگ راه اندازی میکند، در حالی که همین چند ماه پیش یعنی در اواخر سال ۲۰۱۹ فاز اول آن را که آن هم ۲۰۰ هزار بشکه بود، افتتاح کرد. کویت نیز با تأخیری طولانی در نظر دارد در سال ۲۰۲۱ یک پالایشگاه بزرگ ۶۱۵ هزار بشکه ای را راه اندازی نماید. اینها پروژه هایی هستند که بعد از افتتاح پالایشگاه دالیان چین که در سال ۲۰۱۹ افتتاح شد راه اندازی خواهند شد.



و آسیایی از زیر ساخت های لازم برای ارسال کالا به سراسر جهان است. نیاز به کالا های ایرانی و قیمت مناسب با زیر ساخت پنهان مالی لازمه صادرات موفق در شرایط کنونی است. نظام هماهنگ مالی بین المللی در گرو همکاری سازمان حسابرسی و بانک مرکزی و تمام بانک های تجاری داخلی است. در همین نظام مالی بسیاری از سرمایه گذاران خارجی هم می توانند اقدام به سرمایه گذاری ارزی در ایران نمایند.

راهکار زیر ساختی ارز مشترک آسیایی:

نیاز به چند جانبه گرایی در سیاست بین الملل امری بدیهی و پذیرفته شده است که برخی کشور ها با توسل به قدرت سیاسی خود دیگر کشورها را به محاق و فشار می کشند و باعث تحمیل هزینه های سنگین اقتصادی به کشورهای مخالف با سیاست های خود می شوند. اتحادیه اروپا ضمن درک درست از این موضوع با روشی درست کشورهای عضو اتحادیه را به سمت خروج از انحصار دلار حرکت داد و دلار را به حاشیه راند. اکنون یورو به عنوان ارز قوی تر از دلار در مبادلات بین المللی نقش ایفا می کند. این ارز در بیش از ۵۰ کشور دنیا رسماً پذیرفته شده و عملاً سایر کشورها هم به طور غیر رسمی آن را پذیرفته اند و مبادلات خود را بر آن مبنا انجام می دهند. آسیا به عنوان یک قاره کهن با فرهنگ های گوناگون هنوز نتوانسته به

فعال می نمایند و اثر تحریم را بجز هزینه کارمزد از بین خواهند برد. در حال حاضر کارائی نظام صرافی و قوانین بانک مرکزی مانع بزرگی برای صرافی ها و بانک هاست. از طرفی سازمان حسابرسی در حسابرسی دچار مشکلات حسابرسی است و استاندارد های موجود حسابرسی جوابگوی حسابرسی نیست. با پاک کردن مساله، صرافان با توجه به ریسک های مربوطه حسابرسی، بانک مرکزی صرافان را از این کار منع نموده اند. بانک ها ولی می توانند با ایجاد کارگزاران خارجی به دریافت خطوط ارزی در شرکت امین خارجی اقدام به ارائه خط ریالی به صادرکنندگان کنند. از طرفی بازگشت ارز و ایجاد حوض ارزی برای مصرف برای خرید کالاهای اساسی و تنظیم قیمت ارز، مشکل دیگری است که بانک مرکزی خود مانعی برای دور زدن تحریم عملاً ایجاد نموده است. در واقع کلاف سردرگم و پیچیده ای است که نظام و برنامه ریزی کارایی نداشته و صرفاً با ایجاد راهکار الزام به دریافت ارز به داخل هم هزینه تحریم را افزایش داده و هم ترمز هایی برای عدم افزایش قیمت ارز ایجاد نماید. راهکاری که به ذهن می رسد ایجاد شبکه امین های خارجی ایران در سراسر جهان در اکثر بانک های دنیا است. شرکای استراتژیک و افراد با تابعیت خارجی می توانند با ارائه وکالت یا سایر قراردادهای مسئولیت مالی بین المللی ایران را بپذیرند. ایجاد شبکه مالی بانکی بین المللی تعریف ارز مشترک جدید بین المللی

آینده روشن تر صادرات با راهکارهای مالی و بانکی



دکتر مهدی بنی منش
کارگزاری بانک دی

برای توسعه صادرات هرکشوری نیازمند دو رکن اساسی هستیم که عبارتند از: تولید محصول که ارکان تولید، قیمت عرضه، کیفیت، دانش فنی، مزیت رقابتی را شامل می گردد و صادرات و فروش محصول شامل زیرساخت های پس از تولید و قیمت گذاری که ارکان رقبا، زیرساخت حمل و نقل،

زیر ساخت قانونی و معافیت های داخلی، زیرساخت قانونی و معافیت های خارجی، کشش بازار خارجی، زیر ساخت مالی و بانکی، اعتبار و برند کشور تولید کننده و اعتبار و برند تولیدات را شامل می گردد صادرات و تولیدات هرکشور را اگر به دو مرحله قبل و پس از تولید محصول تقسیم نماییم کلمه صادرات از زمان بعد از تولید به ذهن متبادر می شود هرچند قیمت و سایرشرایط یک صادرات خوب متاثر از شرایط قبل از تولید محصول است. با فرض عالی بودن همه شرایط قبل از تولید محصول برای صادرات با رتبه خوب محصول مد نظر، نیازمند وجود زمینه های انتقال ارز و ارزش کالا به صاحب محصول می باشیم. در شرایط عادی در جهان کنونی زیر ساختی به نام نهاد بانک و مسیرهای نرم افزاری انتقال ارزش کالا برای بسیاری از کشورها وجود دارد و شرایط را تسهیل نموده است. در شرایط محاصره اقتصادی کشوری خاص دو راه در نگاه اول به نظر راهگشاست. اولین راه شکستن محاصره توسط قدرت سیاسی محاصره شونده به صورت نرم و یا سخت است. روش دوم ارائه راهکار هایی برای دورزدن و خروج پنهانی از محاصره موجود است. دراین مقاله به بررسی روش های پنهانی دور زدن محاصره می پردازیم: برای دور زدن محاصره و استفاده امکانات موجود مالی جهان، کشورهای محاصره شونده از روش های متنوعی استفاده می نمایند که با آشکار شدن این روش ها کارائی آنها به مخاطره می افتد. لذا دانش و فناوری بسیاری از روش های دور زدن

محاصره، با کارایی بالا و یا متوسط به طور مشترک میان محاصره شدگان با توجه به وسعت مکانی افراد حاضر در محاصره منتشر نمی شود ولی برخی سازمان های مرجع با استفاده از ایده های خاص و با پنهان کردن روش و تکنیک صرفاً مسئولیت انتقال ارز و ارزش را برعهده می گیرند که صرافی بانک های ایران از جمله این نهاد هاست. صرافان با استفاده از ایجاد فرآیندهای قانونی با استفاده از ظرفیت های موجود کشورها و هم رنگ شدن با رنگ کشورهای جهان اثر تحریم را نابود می سازند و به عبارتی دشمن را در موقعیتی قرار می دهند که گوئی برای جلوگیری از دور زدن محاصره اقتصادی باید کل جهان را تحریم نماید که امکان پذیر نیست. هرچه توسعه روش ها و فرآیند های هم رنگی با نظام مالی مردمی کشورهای جهان توسط تحریم شوندگان بیشتر شود اثر تحریم کم رنگ و کم رنگ و بی رنگ تر خواهد شد. اما هزینه تحریم هزینه ای اقتصادی است که امید است با منافع سیاسی برای تحریم شونده جبران شود. در زیر به یکی از این روش های هم رنگ شدن با سیستم مالی کشور خارجی اشاره می شود تا مثالی از توانمندی های موجود ارائه گردد: صادرکننده الف قصد دارد مبلغی پول از کشور مقصد بصورت نقد و یا ال سی مدت دار دریافت نماید. با توجه به اینکه ریسک تحریم در شرایط عدم نیاز به واردات ارز به کشور به حداقل می رسد دریافت و سرمایه گذاری ارز حاصل از صادرات در کشور های غیر از ایران منطقی تر به نظر می رسد. شاید این شبهه به نظر برسد که نتوان منابع را خرج زیرساخت ها برای توسعه کارخانجات در کشور نمود در حالی که صرفاً ارز در خارج نگه داری شده و پرداخت از خارج از ایران به خارج از ایران انجام خواهد شد بنابراین انتقال تکنولوژی ممکن خواهد بود. اما در مواردی که نیاز به اخذ اعتبارات ریالی ارزش صادرات به داخل از طرف صادرکننده باشد صرافی های بانکی با داشتن امین های خارجی اقدام به دریافت ارز صادرکننده نموده و اعتبار ریالی را در داخل



پدیده های نوظهور قرن: کروناویروس و سقوط قیمت نفت

♦ آیا سقوط قیمت نفت ادامه خواهد داشت؟

♦ مات شدن سلطان انرژی در صفحه شطرنج معادلات جهانی

♦ تاثیر تحولات قیمت نفت به آینده اقتصادی کشور

♦ قربانیان ابربحران ۲۰۲۰

♦ تاثیر کرونا بر فروش نفت و اقتصاد دنیا

♦ بازیگر اصلی سقوط قیمت نفت

بازگشت ارز و ایجاد حوض ارزی برای مصرف برای خرید کالاهای اساسی و تنظیم قیمت ارز، مشکل دیگری است که بانک مرکزی خود مانعی برای دور زدن تحریم عملاً ایجاد نموده است. در واقع کلاف سردرگم و پیچیده ای است که نظام و برنامه ریزی کارایی نداشته و صرفاً با ایجاد راهکار الزام به دریافت ارز به داخل هم هزینه تحریم را افزایش داده و هم ترمز هایی برای عدم افزایش قیمت ارز ایجاد نماید

که همه کشورهای عضو امضا نموده اند عمل نماید و در مواردی که کشوری به دلایل ضعف اقتصاد داخلی دچار مشکل بشود و یا فساد در آن کشور از نظر اقتصادی به وجود بیاید باعث بحران در نوسانات نرخ ارز مشترک در سایر کشورهای عضو و جهان نشود. ایجاد ارز مشترک آسیایی و تبادل با همه کشورهای جهان و عدم امکان تحریم اقتصادی یک کشور آسیایی توسط دولت های غیر آسیایی از جمله نتایج سودمند این طرح خواهد بود که با توجه به حاکمیت همه کشورهای آسیایی در این ارز مشترک، تحریم یک کشور آسیایی توسط کشورهای غیر آسیایی بی معنی خواهد بود. مراحل عملیاتی چنین طرحی شامل ایجاد شرایط ذیل خواهد بود:

۱. تشکیل کارگروه ویژه توسط نهاد ریاست جمهوری ۲. ارسال نامه وزارت خارجه به کشورها برای جلسه مشترک وزرای اقتصاد و روسای بانک های مرکزی کشورهای منتخب ۳. انعقاد پیمان مشترک برای تاسیس ارز مشترک ۴. تشکیل شورای قانون گذاری برای کشورهای منتخب با معرفی نمایندگان کشورها برای امضای حقوقی قرارداد بین المللی ۵. تشکیل صندوق مالی برای اجرای کار ۶. معرفی تیم هایی از هر کشور ۷. اجرای فرآیندهای نرم افزاری و سخت افزاری ۸. امضا و تصویب قانون مربوطه در شورای عالی قانون گذاری و نظارت آسیایی (کشورهای منتخب) برای ارز مشترک ۹. تدوین ساختار اجرای و تصویب آن در شورا ۱۰. اجرای ساختار و اعلام زمان رسمی رونمایی ارز مشترک ۱۱. شروع استفاده از ارز مشترک در تبادلات تجاری با برنامه ریزی درست و هماهنگ مالی و زیر ساختی برای کشور می توان هم اثر تحریم را به حداقل ممکن رساند و هم انتفاع بخش خصوصی را توسعه داد. کشور هم به سوی مسیرهای تعالی و بالندگی رشد و پیشرفت سریع تری خواهد داشت.

اتحاد فرهنگی واحدی دست یابد به همین دلیل است که هندوستان کشور ۷۲ ملت نمادی از انفکاک فرهنگی در آسیا به شمار می رود. در این راستا کشورهایی که از نظر اقتصادی رشد نموده اند توانسته اند جایگاه خود را به عنوان بازیگری تک رو در دنیا به اثبات برسانند. هند، چین و کره جنوبی و روسی و ژاپن از جمله این کشورهاست. مالزی، ترکیه و سایر کشورهای آسیایی هم به لزوم پیمان های پولی اذعان دارند. بطوری که تولد ارز دیجیتال از ژاپن شروع شد و در ترکیه هم پیمان پولی با دیگر کشورها منعقد شد. ضرورت حرکت به سمت ارز مشترک از طرف کشور های آسیایی بر اساس تجلی رفتارهایشان در انعقاد پیمان های پولی و یا تحرکات داخلی برای تولد ارزهایی با قابلیت به اشتراک گذاری و عدم انحصار در دست حکمرانان سنتی سیاسی جهان آشکار است. اما هنوز راهکار واحدی به علت عدم اتحاد فرهنگی در این قاره کهن شکل نگرفته است. موضوع ایجاد سیستم پول آسیایی شامل ورودی، جعبه فرآیند و خروجی است. ورودی این سیستم شامل در نظر گرفتن فرهنگ ها و شرایط داخلی سیاست، قانون و اقتصاد کشورها و بازیگران منفی و یا مثبت خارجی بر این کشورهاست، در جعبه فرآیند این سیستم سازوکاری باید در نظر گرفت که شامل این ویژگی ها باشد: سیستم مبتنی بر پشتوانه کالا و یا ذخایر معدنی کشورهای مبدا و یا طلا است که بر اساس ارزشی از یک سبد دارایی ۱۰۰ میلیارد یورویی است بطوری که تابع قیمت جهانی در نظر گرفته بشود. در این فرآیند می توان با ایجاد اتاق های تسویه ارز مشترک در ۵ کشور منتخب که از نظر اقتصادی قوی هستند با ایجاد ارز مجازی کار را آغاز نمود. سیستم ارسال پیام با امنیت بالا برای تبادل اطلاعات پیام های تراکنش ها از اتاق های پایایی به بانک های مرکزی برای ارسال به سیستم بانکی هر کشور گام دوم فرآیند است. هر کشور دارای کردیت مشخص ۱۰۰ میلیارد (ایشا) معادل ۱۰۰ میلیارد یورو می باشد که این اعتبار برای آغاز و به عنوان پشتوانه اولیه و سهام ممتاز هر کشور است. بعد از آغاز به هر کشور می توان ۱۰ تا ۱۰ برابر در هر دو سال افزایش سرمایه داد. پس از ۱۰ سال سرمایه هر کشور به ۵۰ برابر یعنی ۵۰۰۰ میلیارد (ایشا) هم قابل ارتقا می باشد و کشورهای منتخب ملزم به این افزایش سرمایه هستند که می تواند از طریق واگذاری معادن، طلا، نفت گاز و یا سایر کالاهای اولیه باشد. ایجاد بانک های منتخب تسویه در همه کشورهای آسیایی برای توسعه این ارز مشترک گام سوم ایجاد ارتباط تسویه در اتحادیه اروپا و آفریقا گام های بعدی خواهد بود. و بخش سوم که خروجی شامل معیارهایی از جمله جوابگوی جایگزینی با پول ملی کشورها داشته باشد و انتخاب توسط مصرف کنندگان با ارز داخلی امکان پذیر باشد و از طرفی هزینه ای برای کشور مبدا از نظر قوانین بانک مرکزی در راستای سیاست شفافیت ارزی و عدم نوسان ارزی وجود نداشته باشد. این ارز مشترک بتواند تحت کنترل حاکمیت کشور مبدا با پایبندی به مرامنامه و قوانینی





آیا سقوط قیمت نفت ادامه خواهد داشت؟



مریم علیزاده
دنیای انرژی

در حالی که بازارهای جهانی روزانه با بیش از ۳۰ میلیون بشکه نفت بدون تقاضا دست و پنجه نرم می کنند که به نظر می رسد بیشترین تاثیر ، روزگار بحرانی نفت، متوجه رئیس جمهور آمریکا است. شاید همگان این طور تصور کنند که بلاي شیوع یک ویروس میکروسکوپی سبب بروز اتفاقات نادر در بازار نفت شده اما دقیق تر که به موضوع می نگریم، بحران کنونی بازارهای جهانی طلای سیاه به عوامل متعددی بستگی دارد. اواخر سال گذشته میلادی بود که آمریکا اعلام خودکفایی در تولید نفت و پیوستن به جرگه صادر کنندگان این کامودیتی نمود اما غافل از اینکه به همان شدت که میادین شیل برای تولید نفت فعالیت می کنند، بازارهای جهانی با ضعف تقاضا روبرو هستند. در نتیجه این شد که شاهد هم افزایی تاثیر کمبود تقاضای نفت با شیوع ویروس کرونا در بازارهای جهانی بودیم. اما در مورد آسیب های وارده از سقوط قیمت نفت به سیاست آمریکا و همچنین روابط بین الملل این کشور با دکتر مرتضی فیروزی، کارشناس ارشد روابط بین الملل به گفتگو نشستیم.

بیم و امیدهای ترامپ برای پیروزی در انتخابات ۲۰۲۰

قبل از پدیده کرونا به جرات می شد اظهار نظر کرد که ترامپ برنده انتخابات پیش روی آمریکا است چراکه مردم این کشور در حالت طبیعی برای دور دوم نیز به رئیس جمهور فعلی خود رای می دهند مگر اینکه در زمان آن رئیس

جمهور بحران سیاسی و یا اقتصادی وسیعی رخ دهد. برای مثال در سال ۱۹۸۰ شاهد بودیم که به دلیل انقلاب اسلامی ایران و متعاقب آن اشغال سفارت آمریکا در تهران و انقلاب نیکاراگوئه و روی کار آمدن ساندنیست ها و تحقیر سیاست خارجی آمریکا ، کار تر نتوانست برای بار دوم به ریاست جمهوری دست یابد. همچنین در زمان ریاست جمهوری بوش پدر نیز به رغم پیروزی های بسیار بزرگ در عرصه سیاست خارجه (به عنوان مثال به یاد داشته باشیم اتحاد جماهیر شوروی در زمان جرج بوش پدر سقوط کرد) اما به دلیل بحران اقتصادی آمریکا، بوش پدر فقط یکبار به ریاست جمهوری رسید که بیل کلینتون جوان و فاقد تجربه در سیاست خارجی جایگزین او شد.

در این دور هم آمار رشد اقتصادی و کاهش نرخ بیکاری امریکا نشان از انتخاب مجدد ترامپ برای دور دوم ریاست جمهوری را می داد ، اما ناگهان کرونا صحنه بازی سیاسی آمریکا را تغییر داد و سرنوشت ترامپ به دست ویروس میکروسکوپی افتاده است. به اعتقاد این کارشناس ارشد روابط بین الملل، تا این جای کار نظرسنجی ها حاکی از آن است که ترامپ صحنه سیاست را باخته و رقیبش بایدن پیش افتاده است.

از سوی دیگر اما هنوز مشخص نیست که بحران کرونا چگونه پایان می پذیرد و ترامپ چطور می خواهد از پس رشد فزاینده نرخ بیکاری و بحران اقتصادی بر بیاید. ولی روزهای اخیر شاهد بودیم که اقدامات پوپولیستی ترامپ مجددا شکوفا شد. به عنوان مثال دستور داد هیچ مهاجر خارجی فعلا اجازه ورود به آمریکا را نخواهد داشت. البته در نهایت باید دید نتیجه آرای الکترا ل ایالات های

خاکستری آمریکا به نفع ترامپ خواهد بود یا خیر. به یاد داشته باشیم رئیس جمهور آمریکابر اساس رای مستقیم همه مردم آمریکا انتخاب نخواهد شد چراکه به عنوان مثال در دوره قبل هیلاری کلینتون در مجموع حدود ۳ میلیون از ترامپ بیشتر رای آورد.

در مورد کارت الکترا ل نیز باید گفت سرنوشت برخی از ایالت ها تقریباً از قبل تعیین شده است، مثلا در برخی ایالات مانند تگزاس قطعاً آرای الکترا ل به نفع جمهوری خواهان است و برخی ایالات مانند نیویورک و کالیفرنیا همواره طرفدار دموکرات ها هستند. حال باید دید اثرات کرونا چه تاثیری بر آرای ایالات خاکستری همچون فلوریدا یا آریزونا خواهد داشت که گاه طرفدار جمهوری خواهان هستند و گاه به سمت دموکرات ها متمایل می شوند.

تاثیر کرونا بر رای ایالات نفتی

همانطور که اشاره شد، ایالات نفتی همچون تگزاس در آمریکا همواره طرفدار حزب جمهوریخواه در این کشور هستند. از سوی دیگر این ایالات که سرمایه گذاری های سنگینی در صنعت شیل اویل داشته اند، اخیرا به واسطه سقوط قیمت نفت، آسیب های جدی را متحمل شده اند. حال باید دید که ترامپ همچون گذشته در میان ایالات نفتی محبوبیت خواهد داشت؟ چراکه برخی تحلیلگران بر این باورند که اگر قیمت نفت در محدوده ۲۰ الی ۳۰ دلار باقی بماند، بخش عظیمی از تولید نفت شیل از گردونه خارج خواهد شد.

بازهم نفت آمریکا قیمت های منفی را به خود خواهد دید؟

باید توجه داشت که در امریکا دو مدل معاملات نفت با فاصله حجمی زیاد انجام می شود، که یکی از معاملات معاملات فیزیکی نفتی است که در این بازار حد اکثر صحبت از ۱۳ میلیون بشکه نفت تولیدی در روز برای آمریکا در میان است و دیگری معاملات کاغذی یا بورسی هستند که می توانند تاده ها میلیون بشکه نفت معامله نمایند. البته نقاط ضعف موجود در معاملات کاغذی نفت در آمریکا سبب بروز حادثه منفی شدن قیمت نفت شد که به نظر می رسد آمریکایی ها متعاقب کرونا حتماً این نقیصه را برطرف خواهند کرد تا ماجرای روز ۱۹ آوریل دیگر تکرار نشود. به یاد داشته باشیم حادثه ۱۹ آوریل سبب سقوط قیمت نفت در اروپا و خاور میانه و آسیای جنوب شرقی نشد.

زیان ۲۰۰ میلیارد دلاری سرمایه گذاران خصوصی نفت آمریکا

در حال حاضر با سقوط آزاد قیمت نفت، ارزش نفت تقریباً برابر با ارزش زغال سنگ شده است. این در حالی است که شاخص وست تگزاس افت سنگین تری را نسبت به برنت متحمل شده و در افق نزدیک هیچ امیدواری برای بازگشت قیمت ها به محدوده فراتر از ۴۰ دلار وجود ندارد. از سوی دیگر باید توجه داشته باشید که چاه های نفت شیل مانند چاه های نفت در عربستان و یا ایران نیست و توانایی برداشت میلیون ها بشکه در روز را به صورت یکجا ندارند . نفت شیل

در حقیقت با حضور شرکت های کوچک خصوصی ولی متعدد به این سطح از تولید رسیده است. این شرکت ها بعضاً برای بهره برداری از نفت شیل وام های سنگین دریافت کرده اند که در حال حاضر توانایی بازپرداخت آن را ندارند و تاکنون بالغ بر ۲۰۰ میلیارد دلار زیان انباشته دارند و احتمال مصادره این شرکت های نفتی کوچک توسط بانک ها به دلیل اقساط معوق بسیار بالاست.

فروپاشی رویای صادرات نفت آمریکا با افول شیل اویل

از آنجاکه نفت شیل در روزهای اوج خود بالغ بر ۵ میلیون بشکه تولید را به ثبت رسانده بود، رویای ورود آمریکا به جرگه صادر کنندگان نفت در حال تحقق بود. اما در حال حاضر این صنعت با مشکلات مالی که در بالا ذکر شد دیگر توان ادامه تولید در حجم بالا را نخواهد داشت.

بعد از کرونا قطار اقتصاد دنیا بسیار کند به حرکت خواهد افتاد

اقتصاد دنیا را بعد از کرونا می توان به قطار قدیمی تشبیه کرد که به ناگهان متوقف شد اما برای حرکت مجدد نیاز به توان و انرژی بالایی داشته و به آهستگی این حرکت اتفاق خواهد افتاد. پس نمی توان انتظار داشت که با پایان یافتن بحران کرونا، اقتصاد دنیا نیز به سرعت ترمیم شود. برای مثال یکی از صنایع انرژی بر، صنعت گردشگری است که برای آن سوخت عظیمی برای هواپیماها، خودروهای سنگین و سبک و همچنین قطارها نیاز است، اما صنعت گردشگری زمانی رونق دارد که رشد اقتصادی داشته باشیم و افراد پول مازاد برای گردشگری داشته باشند. اما از آنجا که فعلا همه اقتصادها آسیب دیده اند

اواخر سال گذشته میلادی بود که آمریکا اعلام خود کفایی در تولید نفت و پیوستن به جرگه صادر کنندگان این کامودیتی نمود اما غافل از اینکه به همان شدت که میادین شیل برای تولید نفت فعالیت می کنند، بازارهای جهانی با ضعف تقاضا روبرو هستند. در نتیجه این شد که شاهد هم افزایی تاثیر کمبود تقاضای نفت با شیوع ویروس کرونا در بازارهای جهانی بودیم

لذا صنعت گردشگری بعد از کرونا خیلی کند و آهسته به روزهای اوج خود باز خواهد گشت. از این رو نمی توان انتظار داشت که یکی از مقاصد مصرف انرژی که همان صنعت گردشگری است بتواند دوباره همچون گذشته طلب سوخت کند.

عوامل موثر پشت پرده بر سقوط قیمت نفت

این درست است که کرونا کاتالیست سقوط آزاد قیمت نفت بود اما قطعاً سیاست دولت های بزرگ نفتی و همچنین مقامات اوپک و اوپک پلاس نیز در این ریزش دخیل بوده است. در آخرین اجلاس فوق العاده نفت اوپک قرار بود یک و نیم میلیون بشکه نفت از تولیدات کاهش یابد که بر طبق آن مصوبه اوپک ۱ میلیون بشکه نفت کم کند و اوپک پلاس ۵۰۰ هزار بشکه اما روس هابه عنوان لیدر اوپک پلاس این موضوع را نپذیرفتند و متعاقب آن عربستان و متحدینش از یک سو و روس ها و دیگر اعضای اوپک پلاس شروع به حد اکثر تولید نموده اند که ما ریزش شدید قیمت نفت را شاهد بودیم که اوج گیری کرونا و کاهش شدید مصرف فرآورده های نفتی سبب بریدن ترمز سقوط قیمت نفت شد.

درس عبرت روس ها از تجربه تلخ کاهش تولید اوپک

اما این تحلیلگر نفتی معتقد است که در مسئله کاهش تولید نفت، حق را باید هم به اوپک داد و هم به اوپک پلاس. اگر کمی به گذشته برگردیم می بینیم که اوپک در مسئله کاهش تولید نفت و از دست دادن سهم از بازار، تجربه تلخی

را در کارنامه خود داشته که روس ها از این تجربه به درستی درس گرفته بودند. زمانی بود که اوپک ۷۰ تا ۷۵ درصد تولید نفت دنیا را به دست داشت بود اما وقتی تولیدکنندگان جدید مانند نروژ و مکزیک و روسیه وارد صحنه تولید نفت می شدند که عضو اوپک نبودند، این اوپک بود که با برگزاری جلسات متعدد و عقب نشینی از سهم خود تلاش می کرد تا تعادل را به بازار نفت بازگرداند. به گونه ای که در این اواخر اوپک تنها ۳۰ درصد تولید نفت دنیا را در دست داشت. اما ۱۰ کشور عضو اوپک پلاس این موضوع را به درستی دریافتند که هرچه در تولید نفت کوتاه بیایند سهم از بازار تولید را مانند اوپک برای همیشه از دست خواهند داد. پس اگر قرار به کاهش تولید نفت است باید همه کشورهای تولیدکننده اعم از ۱۳ کشور اوپک ۱۰ کشور اوپک پلاس و ۴ کشور بیرون از این دواگان مانند امریکا و کانادا و برزیل و حتی قطر نیز بطور کامل در پیمان کاهش تولید مشارکت نمایند و از حداکثر ظرفیت تولید خود کوتاه بیایند نه اینکه اوپک و اوپک پلاس در تولید عقب نشینی کنند ولی امریکا و کانادا با تمام قوا به تولید ادامه دهند.

چالش اصلی ترامپ با صنعت شیل اوپل

درحالی ماصحبت از توافق همه کشورهای تولیدکننده نفت برای کاهش تولید می کنیم که امریکا نیز در این توافق اعلام آمادگی کرده اما مشکل ترامپ در جای دیگر است. در ایالات متحده، صنعت نفت کاملاً خصوصی بوده و اطاعت پذیری چندانی از حاکمیت ندارد. از سوی دیگر در انتخابات ریاست جمهوری که حزب جمهوری خواه اغلب حامیانش سرمایه داران نفتی هستند و



طرفداران ترامپ تا پیش از کرونا بودند حال به واسطه سقوط قیمت نفت چندان حمایتی از ترامپ نشان نمی دهند تا جایی که می بینیم زمانی که رئیس جمهور امریکا صحبت از کاهش تولید نفت این کشور می کند، قیمت نفت برای لحظه ای افزایش می یابد اما به دلیل عدم اطاعت شرکت های نفتی آمریکایی از صحبت های ترامپ مبنی بر کاهش تولید، باز هم قیمت نفت سقوط می کند، البته امریکا و کانادا برای ادامه ی حیات شیل اوپل که با هزینه ی بالا تولید می شود، گریزی ندارند جز با کاهش تولید نفت برای ادامه حیات شیل اوپل به همکاری اوپک و اوپک پلاس بپردازند.

بزرگترین اشتباه اوپک پلاس که منجر به عمیق تر شدن ریزش قیمت نفت شد

ولی درست زمانی که همه توقع داشتند با نهای شدن توافق بین اوپک و اوپک پلاس مبنی بر کاهش ۱۰ میلیون بشکه ای نفت و قول شفاهی آقای ترامپ بر کاهش نفت امریکا ما باز هم شاهد افت قیمت نفت بودیم، اشتباه اصلی در انتخاب زمان کاهش نفت بوده است انتخاب روز اول ماه می ۲۰۲۰ در شرایطی که کرونا اقتصاد جهان را دچار تنش شدید کرده بود و مازاد نفت، در بازار بسیار زیاد بود بهترین اقدام این بود که بعد از تصمیم گیری برای کاهش ۱۰ میلیونی تولید نفت حد اکثر در عرض ۳ روز این اقدام عملی می شد نه ۲۵ روز بعد (اول ماه می) خود این فاصله زمانی زیاد عرضه بیش از حد نفت در بازار گردید الان هم با توجه به حجم بالای نفت موجود در بازار و بحران کرونا باید در عدد ۱۰ میلیون تجدید نظر گردد

میزان ذخایر کشف شده هر کشور باید مبنای تعیین سهمیه در تولید نفت قرار گیرد

به عقیده این تحلیلگر مسایل نفتی، نظریه ای که کشورها بر اساس توان تولیدشان باید سهمیه در اوپک داشته باشند غلط است. در واقع این طرح به نفع شرکت های بزرگ نفتی است که می توانند با در اختیار داشتن تجهیزات به روز، تولید نفت در کشورهای دارای ذخایر نفتی را بالا ببرند. اما درست این است که سهمیه تولید بر مبنای میزان ذخایر کشف شده از هر کشور تعیین شود. این درحالی است که شاهد هستیم کشوری که منابع نفتی اندکی داشته اما توان استخراج بالایی دارد، از کشوری مانند ونزوئلا که بیشترین ذخایر نفتی دنیا را در اختیار دارد، سهمیه بالاتری در اوپک را به خود اختصاص داده است.

آینده نفت ایران در انتظار انتخابات نوامبر امریکا

آن طور که از روند قیمت نفت و البته تحریم های نفتی کشورمان بر می آید، تا انتخابات اول نوامبر ایالات متحده امریکا، تغییر خاصی در میزان فروش نفت ایران رخ نخواهد داد. البته با شیوع ویروس کرونا و افت نسبی محبوبیت ترامپ در امریکا، تا حدی فضا برای ایران مثبت قلمداد می شود، چرا که جو بایدن رقیب انتخاباتی ترامپ از تدوین کنندگان برجام بوده و در صورت موفقیت او در انتخابات آتی ریاست جمهوری امریکا، ورق تحریم ها برمیگردد. اما این موضوع منوط به آن است که ایران تا ماه نوامبر بتواند بدون فروش نفت روزگار سپری

شیوع ویروس کرونا و افت نسبی محبوبیت ترامپ در امریکا، تا حدی فضا برای ایران مثبت قلمداد می شود، چرا که جو بایدن رقیب انتخاباتی ترامپ از تدوین کنندگان برجام بوده و در صورت موفقیت او در انتخابات آتی ریاست جمهوری امریکا، ورق تحریم ها برمیگردد

کند. پس از آن است که می توان امیدوار بود کشورمان به جرگه صادرکنندگان نفت بازگردد. البته باید توجه داشت با روی کار آمدن جو بایدن و دموکرات ها هم به راحتی تحریم ها را نخواهند داشت در واقع نیازمند مذاکرات جدیدی میان ایران و امریکا چه به صورت دیپلماسی پنهان یا به صورت اشکارا خواهد بود اما در صورت روی کار آمدن مجدد ترامپ، زمانی خواهد رسید که ایران به مذاکره با ترامپ فکر کند چرا که ترامپ نشان داده که اهل مذاکره است البته وزیر امور خارجه و مشاوران ترامپ کاملاً مخالف هرگونه مذاکره با ایران هستند. در هر صورت با روی کار آمدن ترامپ، وضعیت برای فروش نفت ایران بسیار سخت خواهد بود.

کرونا نقطه عطف تاریخ خواهد بود

فیروزی در پاسخ به این سوال که آیا گزینه نظامی امریکا برای ایران همچنان روی میز است یا خیر گفت: با وجود کرونا و خودداری هایی که برای دولت ها پیش آمده، احتمال جنگ افروزی امریکا و مداخله مستقیم نظامی این کشور با ایران بسیار اندک است. ولی اگر با احتمال بسیار ضعیف، ایالات متحده از گزینه نظامی علیه ایران استفاده کند، باز هیچ تاثیری در قیمت نفت نخواهد داشت چرا که ایران در حال حاضر نفت قابل توجهی صادر نمی کند. اما شاید امریکا قصد آن را داشته باشد که عربستان را به جنگ با ایران تشویق کند که البته این موضوع نیز با توجه به رفتارهای ایران در منطقه، دور از ذهن است. در حقیقت باید گفت با بروز کرونا، جهان دچار دگرگونی شده و دنیای بعد از کرونا بسیار متفاوت خواهد بود.

حالی که کشورهایی چون روسیه ظرف ۳۰ سال گذشته و همچنین امریکا در دهه گذشته تولید خود را به ۱۰۰ درصد افزایش داده اند. بنابراین مسئول و مقصر اصلی افزایش تولید جهانی خارج از اوپک میباشد که جهت کاهش عرضه در سالیان گذشته و همچنین کاهش تقاضای بالای ۳۵ درصد به دلیل شیوع کرونا، فشار ناگهانی روی قیمت نفت آمده و کاهش ناگهانی قیمت را شاهد بوده ایم.

تاثیر اوپک بر افزایش قیمت نفت در حال و آینده چیست ؟

در صورت ادامه بحران شیوع کرونا با مازاد تولید وسیعی روبرو خواهیم بود و تولید کنندگان عمده به دلیل از دست ندادن سهم بازار و مشتریان، حاضرند قیمت‌ها را باز هم پائین بیاورند لذا بازار نفت بیش از پیش از کنترل تولیدکننده خارج و به بازار مصرف کننده ها تبدیل خواهد شد و در اینجاست که دیگر اوپک به تنهایی یا غولهای بزرگ نفتی تعیین کننده قیمت نفت نخواهد بود، علی رغم پیچیدگی ها و عوامل مختلف موثر بر بازار نفت با توجه به سیر گذشته بازار آینده بیشتر بازار مصرف کنندگان خواهد بود. البته باید در نظر داشت که بعضی از پالایشگاهها قبلا بر اساس مشخصات نفت خریداری شده، تنظیم شده اند و نمیتوانند تنها با تصمیمات سیاسی قیمت را طولانی مدت متاثر نمایند. اوپک به هیچ عنوان دیگر تاثیر دهه ۷۰ را نداشته و بازار امروز بازاری نیست که اوپک بتواند تأثیری در آن داشته باشد. تا کنون حدود ۱۰۰ میلیون بشکه در روز تقاضای بازار جهانی بوده که ۳۰ میلیون از آن سهم اوپک بوده است یعنی ۷۰ میلیون بشکه توسط سایر تولید کنندگان به بازار عرضه میشود بنابراین تاثیر اوپک به تنهایی با وجود ۳۵ میلیون مازاد تولید قابل توجه نیست و لذا اگر کاهش عرضه نفت باعث افزایش قیمت می گردد بایستی ایالات متحده امریکا و کانادا حتی برزیل و روسیه ظرفیتهای تولیدی را تا حدود زیادی پایین بیاورند که بتوانند قیمت‌ها را تثبیت کنند.

تاثیر کرونا بر اقتصاد ایران و منطقه چیست ؟

با توجه به اینکه هنوز شیوع کرونا کنترل نگردیده، در بسیاری از کشورها وضعیت کاهش تقاضا همچنان ادامه خواهد داشت. با در نظر داشتن این موضوع که درآمد یک سنت از نفت در اقتصاد موجود ایران مهم است با توجه به تجربیات گذشته و گذر از بحرانهای متعدد طی سالیان گذشته، وضعیت ایران در قیاس با سایر رقبای نفتی وضعیت بسیار بهتری است مثلا کشور عراق که ۹۵ درصد اقتصاد آن کشور به نفت وابسته است در شرایط کنونی همچنین سایر صادر کنندگان خلیج فارس آسیب بیشتری خواهد دید. ایران با توجه به تجربیاتی که در سالیان قبل دارد چه در زمان جنگ که هم تولید کم بوده و هم قیمت نفت به مراتب پایین بوده یا در زمان ملی شدن صنعت نفت حدود ۴ سال کلا درآمد نفتی نداشته است لذا با تمام دشواریهای زمان تحریم خواهد توانست شرایط را طوری مدیریت نماید که با گرفتاریهای کمتری روبرو گردد.

آیا کاهش قیمت نفت تنها متاثر از شیوع ویروس کرونا بوده است ؟

تاثیر کرونا بر فروش نفت و اقتصاد دنیا

میتوان گفت دلیل عمده و شروع کاهش قیمت نفت شیوع ویروس کرونا بوده که منجر به کاهش تولیدات صنایع پایین دستی نفت و همچنین کاهش بیش از ۲۰ درصد مسافرت‌های معمول بوده، اما شیوع ویروس کرونا تنها دلیل این روند کاهشی و رکود کنونی نبوده است. در بازار امروز دنیا تعیین کننده قیمت نفت،

تولید کننده نیست بلکه بازار مصرف کننده است و تولید کنندگان بزرگ بیش از آنکه به فکر افزایش یا نگهداشت قیمت نفت باشند به دنبال افزایش سهم بازار هستند که میتوان به عربستان، امریکا و روسیه به عنوان کشورهای که ظرف سالهای گذشته افزایش تولیدی از ۲۰ تا ۱۰۰٪ را داشته اند از دیگر عوامل عدم تاثیر قابل توجه اوپک مانند سالهای گذشته در دهه ۷۰ اشاره کرد. سقوط ۴۰ درصدی نفت " وست تگزاس اینترمدیت " رکود قابل توجهی برای کاهش قیمت پایه جهانی نفت جهانی را به همراه داشت که تاثیر آن در بازار خاورمیانه نیز چشمگیر بوده است به نحوی که سقوط قیمت نفت در یک روز در ۲۱ سال گذشته بی سابقه بوده است. این رکود بی سابقه قیمت سبب پایه نفتی اکثر حوزه های انرژی از جمله صادر کنندگان نفت خام و اوپک را هم تحت تاثیر خود قرار داده که باعث رکود در صنایع وابسته نفت و انرژی و کاهش رشد اقتصادی پس از شیوع بیماری کرونا گردیده است. تولید کنندگان نفت نه تنها برای ثبت سفارش ماه آینده پولی طلب نمیکند بلکه هزینه های ترابری نفت خام را هم به عهده خواهند گرفت. این کاهش قابل توجه قیمت به دلیل کاهش تقاضا در حدود ۳۰ میلیون بشکه در روز میباشد که نزدیک به ۳۰٪ بشکه های موجود در بازار مازاد هستند. در این میان جنگ نفتی ماه (فوریه) عربستان در روسیه و تصمیمات شتابنده ریاض در کاهش قیمت نفت در ماه مارس تاثیر گذار بوده است به نحوی که اثر پذیری بازار توسط اوپک را نیز کاهش داده است. اگرچه قبل از شروع شیوع ویروس کرونا کشور عربستان به دلیل سیاستهای افزایش عرضه مورد اتهام قرار گرفته ولی در نگاهی جامع میتوان دریافت که توان تولید عربستان سعودی در ۳۰ سال گذشته بیشتر از ۲۰ درصد افزایش نداشته است در



دکتر محمدحجتی پور
کارشناس نفت و انرژی

نفت منفی پا بیان سلطه گری طلای سیاه خواهد بود

است اما باید توجه داشت که منفی شدن مقطعی قیمت نفت به معنی پایان عمر سلطه گری طلای سیاه بر بازارهای انرژی نیست. چراکه در نظر بگیرید اگر معضل شیوع ویروس کرونا نبود، قطعاً شاهد سقوط بی سابقه قیمت نفت نبودیم. از سوی دیگر باید در نظر گرفت قرار نیست تا ابد اپیدمی کرونا ادامه یافته و دنیا را برای همیشه فلج کند. در نتیجه نمی توان این نسخه را برای نفت پیچید که دیگر عصر پادشاهی آن فرارسیده است. مطمئناً هر زمان که چالش کرونا برطرف شود، نیازهای بشر به کامودیتی ها به ویژه نفت بر سر جای خود خواهد ماند اما باید قبول کنیم که این بازگشت زمان بر خواهد بود. از سوی دیگر اما بزرگترین درس کرونایی که اقتصادهای نفتی باید از آن عبرت بگیرند، کاستن از سهم طلای سیاه در بودجه عمومی دولت ها است. دیگر زمان آن رسیده که به نفت نیز به چشم یک کالای استراتژیک اما پُریسک نگاه شود. در نتیجه نمی توان کل اقتصاد و معیشت کشورها را بر مسائل نفت گره زد.

در روزگار جدید، به جرات می توان اذعان کرد که دیگر عامل عرضه نقش تعیین کننده ای در ایجاد توازن قیمت نفت بازی نمی کند اما این بدان معنا نیست که نفت سلطه خود را در بازارهای انرژی از دست خواهد داد. از سال گذشته که عرضه نفت به بازارهای جهانی وارد روند پُرسرعتی شد، شاهد عقب‌نشینی پی در پی قیمتی در معاملات این کامودیتی بودیم. اما با بروز چالش جدیدی به نام شیوع ویروس کرونا، علاوه بر معضل مازاد عرضه، کاهش شدید تقاضا نیز بازار نفت را به شدت تهدید می کرد. این اوضاع نابه سامان تا جایی ادامه دار شد که در اولین روز معاملات هفته جاری بازارهای جهانی شاهد اتفاق نادری در دادوستدهای کاغذی نفت بودیم. برای اولین بار در تاریخ ۱۴۰ ساله کشف نفت، قیمت آن به زیر صفر رسید. البته قیمت منفی نفت مربوط به قراردادهای تحویل ماه می



حمیدرضا حسینی
رئیس
کمیسیون انرژی
اتاق بازرگانی





مات شدن سلطان انرژی در صفحه شطرنج معادلات جهانی

پایگاه
اطلاع رسانی
اوپکس
opex.ir

در روزهایی به سر می‌بریم که در تاریخ اکتشاف ۱۴۰ ساله نفت بی‌سابقه است. با منفی شدن قیمت نفت، بسیاری از معادلات بازارهای جهانی طلای سیاه بهم خورده و نگرانی از ادامه روند سقوط قیمت، تولیدکنندگان را وادار به تصمیم

گیری سخت در خصوص کاهش

تولید کرده است. در هر صورت بازی سلطان انرژی دنیا در صفحه شطرنج بازارهای جهانی به گونه‌ای رقم خورده که برخی آن را پایان سلطه جویی نفت بر اقتصاد دنیا می‌خوانند. از سویی دیگر سقوط قیمت نفت تاکنون بیشترین تاثیر را بر صنعت نفت آمریکا خودنمایی کرده و نیمی از تولیدات نفت نامتعارف و گران

این کشور در آستانه توقف است. از این رو برای روشن تر شدن ابعاد این شکست تاریخی، گفت‌وگویی با فریدون برکشلی رئیس مرکز مطالعات نفت وین، سید مهدی حسینی مسئول سابق قراردادهای نفتی ایران، سید حمید حسینی سخنگوی اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفتی، هدایت الله خادمی عضو کمیسیون انرژی مجلس و پیمان مولوی دبیرکل انجمن اقتصاددانان ایران داشتیم که مشروح آن در ذیل آمده است.

تاثیر نفت منفی بر آینده طلای سیاه

در ابتدا فریدون برکشلی، رئیس مرکز مطالعات نفت وین در مورد اتفاق

منفی شدن قیمت معاملات آتی نفت در امریکا اینطور می‌گوید: در تاریخ صنعت نفت شاید قیمت نفت هرگز منفی نشده باشد، اما نکته ای که لازم است مورد توجه قرار دهیم این است که قیمت منفی یا صفر، به لحاظ کمبود مخازن و انبارها و تاسیسات لازم برای نگهداری و انتقال نفت است. واقعیت این است که در قیمت‌های پایین، خریداران بیشتر هستند ولی مشکل در فقدان

فضا برای انتقال و ذخیره‌سازی است. در حال حاضر، مخازن نفتی اشباع شده‌اند. پالایشگاه‌ها خواهان نفت برای پالایش نیستند و انبارهای آنان پر شده و ترمینال‌ها هم مملو از نفت هستند. پدیده تعجب آور این که خطوط لوله

انتقال نفت و فرآورده هم اکنون به عنوان انبار و برای نگهداری نفت، استفاده می‌شود. از سوی دیگر انبارهای روی آب هم عموماً پر هستند. نفتکش‌های غول پیکر و پر هزینه که برای جابجایی نفت در اقیانوس‌ها ساخته شده‌اند، هم‌اکنون از آن‌ها بعنوان انبار نفتی استفاده می‌شود. این را از این نظر می‌گوییم که در حال حاضر به جهت محدودیت تقاضا، نفت فیزیکی و تحویل آتی است که بدون مشتری و خریدار است. همین حالا هم نفت در بازارهای آتی، مثلاً تحویل ماه‌های ژوئیه و آگوست بالای ۴۰ دلار در بشکه است.

اما سید حمید حسینی سخنگوی اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفتی معتقد است: اتفاقی که در ۱۹ آوریل برای قراردادهای آتی نفت



سید حمید حسینی
سخنگوی اتحادیه اوپکس

WTI افتاد بیشتر به دلیل آن بود که هنوز موعد اجرای توافق کاهش ۱۰ میلیون بشکه ای تولید نفت اوپک پلاس نرسیده بود. اما به نظر می‌رسد

با شروع ماه می و عملیاتی شدن توافق کاهش ۱۰ میلیون

بشکه در روز اوپک پلاس، تا حدودی جلوی ریزش قیمت نفت گرفته شود. از این رو حسینی معتقد است اتفاقی که در هفته گذشته برای قراردادهای آتی نفت وست تگزاس افتاد، مجدداً در ماه می برای قراردادهای ماه ژوئن تکرار نخواهد شد.

همچنین سیدمهدی حسینی کارشناس ارشد مسائل نفتی بر این باور است که: اتفاق نادرماه گذشته را نمی‌توان ادامه دار دانست چراکه در حال حاضر می‌بینیم

قیمت نفت فیوچرز برای تحویل در ماه ژوئن مطابق روزهای گذشته بوده و سقوط قیمتی را تجربه نمی‌کند. در نتیجه منفی شدن مجدد قیمت نفت وست تگزاس چندان محتمل نخواهد بود.

کاهش تولید باز هم می‌تواند سبب تقویت قیمت شود؟

برکشلی در این رابطه پاسخ می‌دهد: تولید کنندگان برای مدیریت بازار جهانی نفت، ابزاری غیر از کاهش تولید ندارند. طی دهه های گذشته، مهم‌ترین اقدام اوپک و حالا اوپک پلاس، در ارتباط با تنظیم بازار از طریق سقف تولید بوده است. البته، در بعد روانی هم اوپک خوب عمل کرده است. مدیریت روانی بازار توسط اوپک غالباً به درستی عمل شده است. روسیه در فضای بازار مجازی و رفتار روانی بازار، آماتور و ابتدایی عمل می‌کند. اوپک به رفتار و کارکرد روانی بازار اشراف و تسلط بالایی دارد. در گذشته اوپک فقط سقف تولید را تعیین نمی‌کرد بلکه سقف تولید و سقف قیمت را تعیین می‌کرد. به عبارتی، سقفی از تولید را مشخص می‌کرد که قیمت معینی را تامین کند که البته این اقدامات تابعی از شرایط بازار بود. در اجلاس ۱۷۷ اوپک در دسامبر ۲۰۱۹ عبدالعزیز، وزیر نفت عربستان، پیشنهاد تعیین کف قیمت را ارایه کرد (Price floor).

یعنی تعیین قیمتی که حداقل انتظار اوپک و پلاس است. روسیه با این پیشنهاد و طرح علنی آن مخالف بود و اعتقاد داشت که قیمت کف در هر اجلاسی برای سه ماهه بعد قابل ارزیابی و تعیین است. فکر می‌کنم که این رویه از سوی روسیه، نشان می‌داد که مسکو علاقمند به برقراری رابطه طولانی و مستمر با اوپک نبود.

سید مهدی حسینی نیز می‌گوید: باتوجه به از بین رفتن

تقاضای ۳۰ میلیون بشکه ای نفت در روز از بازارهای جهانی،

پیش بینی می‌شود که کاهش ۱۰ میلیون بشکه ای تولید اوپک پلاس

چندان تاثیری برای متعادل کردن قیمت نفت نداشته باشد. همچنین در ماه اخیر آمریکا به دستور ترامپ ذخایر خود را از نفت ارزان پُر کرده بود و

این شد که شب گذشته به دلیل نبود امکان ذخیره سازی

نفت برای تحویل در ماه می، هیچ خریداری برای نفت

تحویلی ابن ماه پیدا نشد.

هدایت الله خادمی عضو کمیسیون انرژی مجلس

در مورد تقاضای نفت اما معتقد است: بازگشت

چین به صحنه فعالیت تا حدی می‌تواند

امیدوار کننده تلقی شود چراکه این کشور عمده

مصرف کننده کامودیتی به ویژه نفت در دنیا است.

اما معضل بزرگتر، خاموش بودن چراغ فعالیت صنعتی در

کشورهای اروپایی و آمریکایی است چراکه مقصد اصلی صادرات

محصولات چینی، کشورهای مذکور هستند که فعلاً شدیداً درگیر شیوع

کرونا بوده و هر روز سطح تقاضای خود از کالاهای غیرپزشکی و درمانی

را کاهش می‌دهند. باید این موضوع را در نظر داشت که جامعه جهانی

نبایست نسبت به افت قیمت نفت بی تفاوت باشد چراکه اقتصاد نفت تا

پیش از کرونا از بزرگترین اقتصادهای دنیا محسوب می‌شد که میلیون‌ها

شغل بصورت مستقیم یا غیرمستقیم به آن وابسته بودند که در صورت افول

این صنعت شاهد رخداد فاجعه های اقتصادی و اجتماعی در سطح دنیا

خواهیم بود. بنابراین برای روشن نگه داشتن موتور نفت که محرک بسیاری

از فعالیت های دیگر در سطح دنیاست، نباید به سادگی از بحران سقوط

قیمت نفت عبور کرد. از منظر اقتصادی نیز پیمان مولوی دبیرکل انجمن

اقتصاددانان ایران این طور می‌گوید که: باید واقع بینانه به موضوع کاهش

تقاضای مواد خام در دنیا نگاه کرد. قطعاً با شیوع بیشتر کرونا و درگیر

شدن کشورهای تولیدکننده کامودیتی و به ویژه نفت در دنیا، زنجیره تامین

دچار اختلال خواهد شد اما باید توجه داشت که سمت تقاضا بیش از عرضه

آسیب خواهد دید چراکه متقاضی اصلی مواد اولیه در دنیا، کشورهای

بزرگ و صنعتی هستند که بخش اعظمی از تقاضا در نفت

و سایر کامودیتی‌ها را شکل می‌دهند.

آینده قیمت نفت به کدام سو خواهد رفت؟

سیدمهدی حسینی در مورد پیش بینی قیمت

نفت بر این باور است که احتمال می‌رود با

کاهش یافتن محدودیت های قرنطینه در بسیاری

از کشورها و همچنین رسیدن به فصول سرد سال،

قیمت های نفت تا حد زیادی به سقف ۳۰ تا ۳۵ دلار

بازگردد اما این موضوع منوط به رخداد سه عامل است: اول اینکه

اوپک پلاس میزان بیشتری از تولید خود را کاهش دهد چراکه کاهش



فریدون برکشلی
رئیس مرکز مطالعات نفت وین



سید مهدی حسینی
مسئول سابق قراردادهای نفتی

چراکه پیش بینی می شود با تداوم روند کنونی قیمت نفت، حداقل ۷ میلیون بشکه از تولید نفت شیل از بین برود. در نتیجه ممنطقی تر آن است که آمریکا نیز هرچه زودتر تن به کاهش تقریباً ۴ میلیون بشکه در روز دهد. همچنین مولوی نیز در مورد اقتصاد آمریکا و صنعت نفت این کشور می گوید: باید توجه داشت که ایالات متحده در حال حاضر به شدت درگیر مبارزه با شیوع ویروس کرونا بوده و بخش های مهمی از اقتصاد کشورش را در این مورد بسیج کرده است. از سویی دیگر نفت شیل درگاه اقتصادی مهمی برای ایالات متحده محسوب می شود که افزایش تولید در این بخش سبب استقلال آمریکا در حوزه بسیار مهم نفت می شود. اما در حال حاضر هرچه رئیس جمهور این کشور بیشتر در جهت بازگرداندن ثبات به بازار نفت تلاش می کند، نتیجه خاصی در تابلوی معاملات بازارهای جهانی نفت حاصل نمی شود. از این رو تا پایان بحران کرونا اگر شیل نتواند بر مشکلات عیدیه خود فائق آید، چندان نمی توان به آینده این صنعت پرهزینه مطمئن بود.

می کنند و از دولت بیمه بیکاری می گیرند. اما در خاورمیانه صنعت نفت باید خرج یک ملت را تامین کند. باید انرژی لازم برای ادامه و استمرار حیات یک اقتصاد را تامین کند. این دشوار است، شاید در صورت ادامه قیمت های پایین نفت خاورمیانه و آفریقا و امریکای جنوبی باید در انتظار شرایط سختی باشد. البته همانطور که بارها هم صحبت شده است، هم چالش است و هم فرصت. اقتصاد ایران بزرگ، گسترده و فراخ است و از جمعیت جوان و تحصیل کرده مطلوبی بهره می برد. لذا در صورت برنامه ریزی های درست و درک و بهره برداری از تمامی امکانات، قطعاً نسبت به بقیه کشورهای خاورمیانه، از شرایط بهتری برخوردار است. از سوی دیگر سیدمهدی حسینی در این باره می گوید: تولیدکنندگان نفت در آمریکا به دلیل سقوط قیمت نفت دیگر نمی توانند بر رقابت های درون کشوری خود در خصوص تولید نفت، بدون کاهش قابل توجه، ادامه دهند.

صنعتی، رفته رفته نفت به کالای بی ارزشی تبدیل خواهد شد که ارزشی برار با ذغال سنگ پیدا کند.

تولیدکنندگان تا چه زمان می توانند با این قیمت ها به تولید ادامه دهند؟

برکشلی در این خصوص می گوید: همانطور که اشاره شد، آن دسته از تولیدکنندگانی که با هزینه بالا نفت تولید می کنند، نمی توانند، این مسیر را ادامه دهند. این ها عمدتاً تولیدکنندگان شیل هستند که در واقع از اواسط فوریه با تنفس مصنوعی و زیر دستگاه اکسیژن دوام آورده اند و هم اکنون عموماً در آستانه ورشکستگی قرار دارند. البته تولیدکنندگان نفت خام های متعارف هم در آمریکا و کانادا اصلاً وضع بهتری ندارند. در امریکای شمالی هم مکانیزمی برای کمک و حمایت به آنان تعریف نشده است. یعنی یارانه یا معافیت های مالیاتی برای کمک به آنان در دست نیست. البته قابل انجام است، اما برای دوره اول ریاست جمهوری ترامپ، جواب نمی دهد چراکه ترامپ برای نجات خودش و نجات شیل تنها تا پیش از نوامبر امسال که انتخابات خواهد بود فرصت دارد. در خاورمیانه، آفریقا و برخی کشورهای امریکای جنوبی، اما شرایط فرق دارد. نفت را با قیمت های زیر ۱۰ دلار هم می توان تولید کرد، ولی مشکلات بسیار جدی اقتصادی و سیاسی، گریز ناپذیر خواهد بود.

خادمی اما موضوع کاهش تقاضای نفت را فراتر از موضوع تولیدکنندگان می داند. وی در این باره معتقد است: باید این موضوع را در نظر داشت که جامعه جهانی نباید نسبت به افت قیمت نفت بی تفاوت باشد چراکه اقتصاد نفت تا پیش از کرونا از بزرگترین اقتصادهای دنیا محسوب می شد که میلیون ها شغل بصورت مستقیم یا غیرمستقیم به آن وابسته بودند که در صورت افول این صنعت شاهد رخداد فاجعه های اقتصادی و اجتماعی در سطح دنیا خواهیم بود. بنابراین برای روشن نگه داشتن موتور نفت که محرک بسیاری از فعالیت های دیگر در سطح دنیاست، نباید به سادگی از بحران سقوط قیمت نفت عبور کرد.

روایای آمریکا و آینده نفت شیل

رئیس مرکز مطالعات نفت وین در باره سرنوشت نفت شیل به این نکته اشاره می کند که صنعت نفت در آمریکا کاملاً خصوصی بوده و تابعیت چندان از حاکمیت ندارد چراکه در آمریکا، تولیدکنندگان نفت به دلیل خصوصی بودن باید پاسخگوی سهامداران خود باشند. یعنی هر زمان که تولید اقتصادی نبود، کسب و کار خود را تعطیل کرده، اعلان ورشکستگی

تولید ۱۰ یا ۸ یا ۶ میلیون بشکه ای در روز دوازده افت ۳۰ میلیون بشکه ای تقاضا نخواهد بود. مضاف بر اینکه هم اکنون بسیاری از مخازن نفتی نیز از نفت ارزان مملو هستند. ثانیاً کشورهایی همچون نروژ و کانادا نیز باید بپذیرند که کاهش تولید بیشتری را در دستور کار خود قرار دهند و گرنه محکوم به زوال در بازار نفت خواهند بود.

سختگوی اتحادیه صادرکنندگان فراورده های نفتی در خصوص

بهبود تقاضا و افزایش قیمت نفت تا حدی نگرش مثبت

دارد و می گوید: کاهش محدودیت قرنطینه در بسیاری از کشورها و بازگشت نسبی بخش حمل و نقل به فعالیت، به نظر می رسد اوضاع تقاضای نفت از بحران خارج شود. همچنین اخیراً دانشگاه هاروارد مقاله را در خصوص تاثیر ادامه محدودیت های قرنطینه بر شیوع کرونا منتشر کرده که در آن اشاره شده قرنطینه چندان که ما انتظار

داریم در کنترل کامل شیوع کرونا تاثیر نخواهد داشت و پیشنهاد

شده کسب و کارها بطور تدریجی به فعالیت بازگردند. از این رو برخی از کشورهای بزرگ اروپایی همچون آلمان از محدودیت های قرنطینه کاسته اند. همچنین در شرق آسیا شاهد آن هستیم که به جز ژاپن سایر کشورها به صحنه فعالیت بازگشته اند.

از سوی دیگر به نظر می رسد حمل و نقل عمومی همچنان بی رونق بماند چرا که اغلب مردم از ترس عدم ابتلا به کرونا ترجیح می دهند از وسایل نقلیه شخصی استفاده کنند که این موضوع نیز سبب افزایش تقاضا در بخش سوخت خواهد شد. در نتیجه می توان امیدوار بود در هفته های پیش رو، تا حدی بحران قیمت نفت کم رنگ تر شود اما همچنان ضعف شدید تقاضا، بازار نفت را تهدید می کند.

اما عضو کمیسیون انرژی مجلس چندان به آینده قیمت نفت امیدوار نیست و می گوید: در حال حاضر همه گیری ویروس کرونا تمام احتمالات برای قیمت نفت را بر هم زده و هرگونه توافق برای کاهش تولید نیز نتوانسته ترمز سقوط آن را بکشد. در نتیجه اگر روند فعلی زمین گیر شدن فاکتورهای اقتصاد جهانی ادامه یابد، چندان دور از انتظار نیست که

حادثه منفی شدن قیمت نفت در روز ۱۹ آوریل، به یک سنت

در بازارهای جهانی نفت تبدیل شود چراکه هنوز تاثیرات عمیق بحران کرونا بر فعالیت های صنعتی و اقتصادی کشورهای پیشرفته به طور کامل ارزیابی نشده و در صورت انتشار آمارهای ناامیدکننده از این کشورها که بخش بزرگی از اقتصاد دنیا را در دست دارند، شاهد افت بیشتر تقاضای نفت خواهیم بود. در صورت تداوم محدودیت های قرنطینه در کشورهای



هدایت الله خادمی
عضو کمیسیون انرژی مجلس



پیمان مولوی
دبیرکل انجمن اقتصاددانان ایران





تأثیر تحولات قیمت نفت بر آینده اقتصادی کشور



فریدون اسدی
عضو هیات علمی و
مدیر گروه انرژی مرکز
پژوهش‌های مجلس

مراجعه به قوانین بودجه سنواتی نشان می‌دهد که منابع عمومی دولت که از سه عنوان اصلی "درآمدها"، "واگذاری دارائیهای سرمایه‌ای" و "واگذاری دارائیهای مالی" تشکیل می‌شود و مجموع این سه رقم در قانون بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور در حدود ۴۸۵ هزار میلیارد تومان است. اگر به این رقم، عدد مربوط به درآمدهای اختصاصی دولت اضافه شود، منابع بودجه عمومی دولت حاصل می‌شود و این رقم در قانون

مذکور حدود ۵۶۴ هزار میلیارد تومان است.

درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام و میعانات گازی در قالب واگذاری دارائیهای سرمایه‌ای انعکاس پیدا می‌کند و مجموع رقم واگذاری دارائیهای سرمایه‌ای در قانون بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور حدود ۹۹ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شد و منابع حاصل از نفت و فرآورده های نفتی در قانون سال مورد نظر بیش از ۴۸ هزار میلیارد تومان تصویب شد. به عبارتی بیش از ۴۸ درصد منابع واگذاری دارائیهای سرمایه‌ای در سال ۱۳۹۹ به نفت و فرآورده های نفتی

وابسته است. بررسی قانون بودجه سال ۱۳۹۹، منابع حاصل از نفت خام و میعانات گازی در ردیف‌های زیر منظور شده است:

■ منابع حاصل از ارزش صادرات نفت خام، میعانات گازی و خالص صادرات گاز طبیعی به مبلغ ۴۵۴.۹۸۶ میلیارد ریال در ردیف ۲۱۰۱۰۱ درج شده است. این رقم در قانون بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور ۱.۳۷۰.۳۶۲ میلیارد ریال بود. لذا در مقایسه با ردیف متناظر در قانون بودجه سال ۱۳۹۸، حدود ۸/۶۶ درصد کاهش داشته است.

■ سهم مناطق محروم و نفت‌خیز از صادرات نفت خام (۳ درصد) به مقدار ۲۸.۰۰۰ میلیارد ریال در ردیف ۲۱۰۱۰۹ درج شده است. این رقم در قانون بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور ۵۵.۰۲۰ میلیارد ریال بود و مقایسه این دو رقم، کاهش ۱۱/۴۹ درصدی را نشان می‌دهد.

■ سهم ۳۶ درصد صندوق توسعه ملی (از کل صادرات نفت خام، میعانات گازی و خالص صادرات گاز طبیعی) برابر ۸/۰۱ میلیارد دلار است. براساس ردیف ۳۱۰۷۰۵ (منابع حاصل از واگذاری دارایی‌های مالی) ۱۶ درصد این سهم برابر ۵۶/۳ میلیارد دلار (معادل ۳۰۲.۰۵۶ میلیارد ریال) به صورت تسهیلات برداشت و در اختیار دولت قرار گرفته است. مابقی آن برابر ۴۵/۴ میلیارد دلار است.

■ با احتساب ۱۶ درصد (۳۰/۲ هزار میلیارد تومان) استقراض دولت از صندوق توسعه ملی، درآمد حاصل از منابع نفتی لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ به رقم ۷۸۵/۰۴ هزار میلیارد ریال می‌رسد. تبصره (۱۴) قانون بودجه موضوع هدفمندی را مورد توجه قرار داده است و بخش زیادی از منابع این جدول را درآمدهای حاصل از فروش داخلی و صادرات فرآورده های نفتی و فروش داخلی میعانات گازی از سقف منابع عمومی خارج شده است

■ با فروزی که در قانون بودجه در مورد قیمت نفت، صادرات آن و ... نظر گرفته شده است، مجموع منابع حاصل از صادرات نفت خام و میعانات گازی و خالص صادرات گاز طبیعی در قانون (در قالب سناریو خوشبینانه) برابر ۲۲/۲۵ میلیارد دلار است. میزان صادرات نفت خام، روزانه ۱ میلیون بشکه با قیمت هر بشکه ۵۰ دلار در نظر گرفته شده است. با این فروض، ارزش کل صادرات نفت خام و میعانات گازی ۱۸/۲۵ میلیارد دلار برآورد می‌شود. ارزش خالص صادرات گاز نیز ۴ میلیارد دلار در نظر گرفته شده است.

■ منابع بودجه عمومی دولت از منابع نفتی ۱۱/۰۱ میلیارد دلار (معادل ۴۸۲/۹۸ هزار میلیارد ریال) برآورد شده است. طبق اعلام دولت قرار است، معادل ۱۰/۵ میلیارد دلار (معادل ۴۴/۰۱ هزار میلیارد تومان) از منابع بودجه عمومی دولت برای تأمین کالاهای اساسی با نرخ تسعیر ارز ۴۲۰۰ تومان وارد جداول شده است.

■ طبق تبصره «۴»، به دولت اجازه داده شده مبلغ ۳/۴۳ میلیارد یورو

از منابع سال ۱۳۹۹ صندوق به صورت تسهیلات ارزی برداشت شود. اگر فرض شود در قالب سناریویی که صادرات روزانه نفت ۶۰۰ هزار بشکه در روز باشد، مجموع منابع حاصل از صادرات نفت خام و میعانات گازی و خالص صادرات گاز طبیعی در لایحه (در سناریو بدبینانه) برابر ۱۴/۹۵ میلیارد دلار است. میزان صادرات نفت خام، روزانه ۰/۶ میلیون بشکه با قیمت هر بشکه ۵۰ دلار در نظر گرفته شده است. با این فروض، ارزش کل صادرات نفت خام و میعانات گازی ۱۰/۹۵ میلیارد دلار برآورد می‌شود. ارزش خالص صادرات گاز نیز ۴ میلیارد دلار در نظر گرفته شده است. منابع بودجه عمومی دولت از منابع نفتی ۷/۴۰ میلیارد دلار، سهم شرکت نفت ۱/۵۹ میلیارد دلار، سهم شرکت ملی گاز ۰/۵۸ میلیارد دلار و سهم صندوق توسعه ملی (معادل ۳۶ درصد صادرات نفت خام و میعانات گازی و گاز طبیعی) ۵/۳۸ میلیارد دلار برآورد شده است.

اما در حال حاضر واقعیتها به گونه‌ای دیگر است. از مارس سال ۲۰۲۰ و با فروپاشی توافق اوپک و اوپک‌پلاس و شیوع ویروس کوید ۱۹ همه آن محاسبات به گونه بسیار جدی تغییر کرده است. قیمت نفت خام افت کرده است و قیمت نفت در نظر گرفته شده در قانون بودجه ایران به یک سوم کاهش یافته است. این کاهش باعث شده است بسیاری از معادلات بودجه‌ای و توازن بودجه‌ای را تغییر داده است که در ادامه برخی از آنها مورد توجه قرار می‌گیرد. البته وضعیت ایران با توجه به تحریم و بالا بودن هزینه مبادله فروش و صادرات نفت خام و میعانات گازی می‌تواند پایین‌تر از یک سوم ذکر شده باشد.

کاهش قیمت نفت کاهش منابع داخلی شرکتهای تولیدکننده انرژی نظیر شرکت ملی نفت، شرکت ملی گاز و شرکت ملی پالایش و پخش را بدنبال خواهد داشت. این کاهش در سال ۱۳۹۹ با توجه به پیش‌بینی‌هایی که از قیمت نفت و در کانال ۲۵ تا ۳۰ دلار ارائه می‌شود بسیار جدی است



شد یک سری هزینه‌هایی به کشور تحمیل شود که عملاً در بودجه سال ۱۳۹۹ پیش‌بینی نشده بود و همزمانی این موضوع با کاهش قیمت نفت و درآمدهای نفتی و فرآورده‌های نفتی، تنگناهای بودجه‌ای را بیشتر کرده است. برای بررسی و تحلیل تأثیر کاهش قیمت نفت بر اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۹ نمی‌توان موضوع کرونا و انتشار آن را نادیده گرفت. با این رویکرد می‌توان نتایج زیر را پیش‌بینی کرد:

■ کاهش تولید نفت و فرآورده‌های نفتی ■ تعویق در اجرای پروژه‌ها به دلیل کاهش منابع مالی مورد نیاز ■ کاهش سطح نیروی انسانی فعال و افت مصرف بخش‌های تجاری و صنعتی ■ دشوار شدن دور زدن تحریمها با کاهش تقاضای جهانی نفت و افت قیمت آن، دور زدن تحریمها دشوارتر خواهد شد. ■ کاهش درآمدهای حاصل از فروش فرآورده‌های نفتی کاهش شدید مصرف بنزین و گازوئیل در بخش حمل و نقل و افت مصرف داخلی به دلیل نیمه تعطیل بودن واحدهای صنعتی و تجاری ■ امکان ذخیره‌سازی بیشتر بنزین، با توجه به کاهش مصرف و کاهش تقاضا برای صادرات ■ کاهش میزان درآمدهای حاصل از صادرات ■ کاهش میزان درآمدهای پیش‌بینی شده صادرات فرآورده‌های کشور (از ۶-۴ میلیارد دلار پیش‌بینی شده) به ۵۰ درصد، درآمدهای صادرات گاز کشور (از ۶-۴ میلیارد دلار) به یک سوم و درآمدهای صادرات نفت به یک سوم در صورت تداوم وضعیت بازار، ■ کاهش درآمد صادرات گاز طبیعی به همسایگان به دلیل افت قیمت گاز صادراتی و کاهش احتمالی میزان برداشت از سوی مشتریان بویژه از سوی کشور ترکیه ■ کاهش صادرات فرآورده‌های نفتی به دلیل افت تقاضای بازارهای هدف و بسته شدن مرزها به روی همسایگان. ■ تضعیف بنیه مالی شرکت‌های تولیدکننده انرژی و احتمال دست‌اندازی دولت به منابع شرکتها به منظور تأمین منابع هدفمند کردن یارانه‌ها ■ کاهش صادرات پتروشیمی و کاهش درآمدهای ارزی مربوط به پتروشیمی ■ کاهش درآمدهای ارزی

جمع‌بندی:

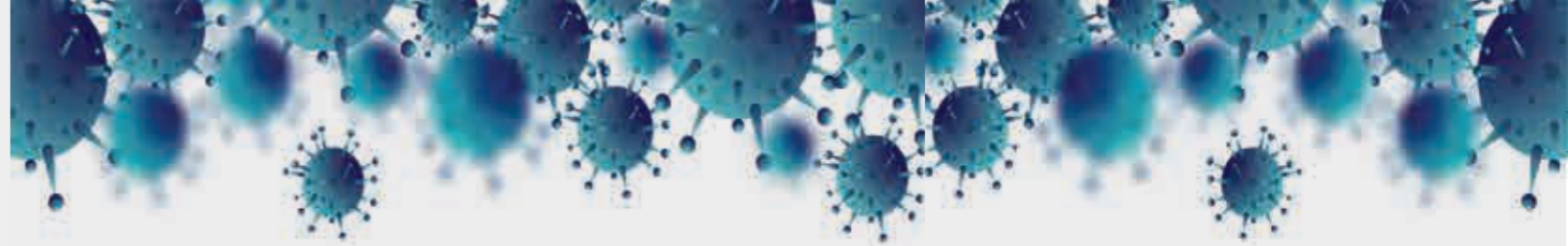
کاهش قیمت نفت و انتشار ویروس کوید ۱۹ از کانالهای مختلف می‌تواند کشور را در سال ۱۳۹۹ دچار مشکلات جدی کند. از یک طرف کاهش تقاضا را در کشور دنبال دارد و این خود می‌تواند رکود حاکم بر فعالیتهای اقتصادی و رشد اقتصادی منفی ۶/۷ درصدی در نه ماهه اول سال ۱۳۹۸ و رشدهای منفی سه فصل اول سال ۱۳۹۸ بخش صنعت را تشدید کند. زیرا از یک طرف درآمد صادرات (نفت خام، میعانات گازی، فرآورده‌های نفتی) و درآمدهای حاصل از فروش داخلی فرآورده‌ها کاهش یافته و از طرف دیگر هزینه‌های برخی امور نظیر هزینه‌های بخش سلامت

کاهش تولید نفت و فرآورده‌های نفتی، تعویق در اجرای پروژه‌ها به دلیل کاهش منابع مالی مورد نیاز، کاهش سطح نیروی انسانی فعال و افت مصرف بخش‌های تجاری و صنعتی از جمله آثار کاهش قیمت نفت بر اقتصاد ایران در سال کنونی است

آخرین برآوردها نشان می‌دهد تقاضای نفت خام در دنیا در مقایسه با سال ۲۰۱۹ کمتر خواهد بود. این وضعیت در فصل دوم ۲۰۲۰ بسیار بیشتر از فصول اول، سوم و چهارم است. ایران با توجه به این که مشمول تحریم است وضعیت نامناسب‌تری را پیش‌رو دارد. بدین صورت که برای فروش و صادرات نفت خام چون از کانال رسمی نمی‌تواند اقدام کند، برای فروش حتماً باید تخفیفاتی را در نظر بگیرد و کاهش قیمت نفت عملاً فروش نفت ایران را از کانالهای غیر رسمی که از آن به عنوان دور زدن تحریم یاد می‌شود بسیار سخت می‌کند و احتمالاً در این قالب هزینه تولید نفت هم تأمین نخواهد شد. کاهش قیمت نفت بدون شک فروش و درآمد حاصل از صادرات فرآورده را کاهش خواهد داد. البته در موضوع مربوط به کاهش صادرات و یا درآمد آن، شیوع ویروس کوید ۱۹ تأثیر جدی و مستقیم دارد. زیرا بسته شدن مرزها و تعطیل شدن حمل و نقل زمینی در کشورهای همسایه باعث شد صادرات فرآورده امکان‌پذیر نباشد. البته با توجه به این قیمت‌گذاری فرآورده در داخل به صورت دستوری انجام می‌شود؛ لذا کاهش قیمت نفت خام تأثیری بر قیمت فروش داخلی فرآورده ندارد اما انتشار کرونا ویروس باعث شد فروش داخلی فرآورده‌های نفتی به صورت جدی کاهش پیدا کند و این خود بر منابع عمومی دولت و منابع بودجه عمومی و هدفمند کردن یارانه‌ها تأثیر دارد. آنچه که تأثیرپذیری بودجه را از کاهش قیمت نفت بیشتر می‌کند، انتشار ویروس کوید ۱۹ بود که باعث

جدی است و وابستگی منابع هدفمند کردن به این شرکتها باعث شد عملاً ماهیت شرکتی و حاکمیت شرکتی این شرکتها را به صورت جدی خدشه‌دار کند و باعث می‌شود حتی بعضاً انجام امور جاری این شرکتها دچار مشکل گردد چه رسد به انجام وظایف توسعه‌ای و سرمایه‌گذاری. چنین وضعیتی بدون شک بخش خصوصی و پیمانکارانی را که با این شرکتها مشغول انجام پروژه هستند را در سال ۱۳۹۹ با مشکل مواجه کرد و اوضاع این شرکتها وخیم‌تر خواهد شد. در مجموع در چنین فضایی و با توجه به این که عرضه اولیه انرژی در کشور روزانه حدود ۶ میلیون بشکه معادل نفت خام است، استخراج این میزان از انرژی به سرمایه‌گذاری نیاز دارد و وضعیت کنونی حاکم بر صنعت نفت و انرژی کشور می‌تواند تأمین پایدار انرژی را در میان مدت و در بلندمدت با چالش جدی مواجه نماید.

و درمان، هزینه حمایتی برای دوران فاصله‌گذاری اجتماعی افزایش یافته است. رکود فعالیتهای اقتصادی بدون شک بر درآمدهای مالیاتی تأثیر مستقیم دارد. این وضعیت می‌تواند کسری بودجه را در کشور به صورت جدی افزایش دهد و دولت هم به منظور تأمین منابع کسری یا باید از کانال ارز و تغییر نرخ ارز اقدام کند و یا از طریق منابع پولی کسریها را پوشش دهد. هرکدام از این روشها اثرات خاصی بر اقتصاد ایران دارد که قابل بحث و بررسی است. علاوه بر موارد ذکر شده، کاهش قیمت نفت با توجه به توضیحاتی که ارائه شد، کاهش منابع داخلی شرکت‌های تولیدکننده انرژی نظیر شرکت ملی نفت، شرکت ملی گاز و شرکت ملی پالایش و پخش را دنبال خواهد داشت. این کاهش در سال ۱۳۹۹ با توجه به پیش‌بینی‌هایی که از قیمت نفت و در کانال ۲۵ تا ۳۰ دلار ارائه می‌شود بسیار



قربانیان ابربحران



فرشته فریادرس
دنیای انرژی

چه فرقی می کند آن را پذیرفته باشیم یا نه؛ کرونا ویروس را می گویم، مهمان ناخوانده ای که آمد و ماندگار شد و به این زودی ها هم خیال رفتن ندارد. فرزند متأخر دنیای مدرنیته که هر روز قربانی می گیرد و برایش هم تفاوتی ندارد، چه کسی یا چه چیزی است. هیولای دهشتناکی که نه تنها حیات مردم، که کسب و کارها را هم تهدید می کند. ابربحرانی در ۲۰۲۰ که دنیا را متحیر کرده و هیچ کس تصور نمی کرد که تا این اندازه مخرب باشد. بیماری کووید ۱۹ گستره آسیب رسانی اش آنقدر وسیع و بحران ساز است، که تخمین زدن آسیب هایش به اقتصاد جوامع هم کار آسانی نیست. اما پرواضح است کرونا ویروس به اقتصادهای وابسته به نفت، ضربات سنگین تری وارد می کند؛ چراکه شوک ناشی از بیماری کووید ۱۹ اقتصاد را هم با شوک عرضه و هم با شوک تقاضا مواجه کرده است. تعطیلی کسب و کارها، منجر به تعدیل نیروی کار می شود و کاهش درآمد خانوار، کاهش تقاضا را به همراه دارد. بر همین اساس، انتظار می رود رکود اقتصادی ناشی از شوک

ارزی و تحریم ها تشدید شود. با چنین نگاهی، صاحب نظران بر این باورند که سیاست دولت باید بر پایه حمایت از خانوارها و کسب و کارها بنا شود. اما مشکلی که در این میان وجود دارد این است که دولت هم به دلیل کاهش درآمدهای ناشی از تحریم و کاهش قیمت نفت، منابع مالی محدودی برای دنبال کردن سیاست های حمایتی در اختیار دارد. در این گزارش با نگاه به اینکه شیوع کرونا ویروس چه اثری بر کسب و کارها داشته، یک نسخه حمایتی برای جبران آسیب های وارده از پاندمی کووید ۱۹ تجویز می شود. نسخه ای که دولت مردان می توانند با اتکاء به آن بخشی از زیان های وارد را جبران کنند.

اسفندماه سیاه

با ورود به ماه پایانی سال ۹۸ اقتصاد ایران درگیر یک شوک بزرگ شد؛ شوک ناشی از بروز بیماری «کرونا ویروس». ویروسی که مثل بختک بر سر اقتصاد ایران و همه کسب و کارها افتاد و با آمدنش روزهای پایانی سال ۹۸ را تلخ و رونق را از بازارها گرفت. کسب و کارهایی

که به روال سابق هرساله چشمشان به دخل ماه پایانی آخرسال بود، با کاهش چشمگیر فروش روبرو شدند. اما این روزهای کرونایی به همین ماه ختم نشد و با ورود به سال ۹۹ آثار و تبعاتش نمود بیشتری پیدا کرد. سطح درآمدها پایین آمد، اما هزینه ها افزایش یافت. از آنسو، تقاضا برای خرید به شدت کاهش یافت. با ورود به سومین ماه از شیوع ویروس کرونا در کشور، دیتاهای دریافتی، وضعیت خوبی را از اقتصاد کشور و کسب و کارها ترسیم نمی کند. اما مهمترین اثرگذاری ویروس کرونا را شاید بتوان در وجه اقتصادی آن جستجو کرد؛ به طوریکه حتی قدرت های بزرگ اقتصاد جهان نیز در مواجهه با آن ناتوانند. در این میان اما وضعیت ایران متفاوت تر به نظر می رسد؛ با اقتصادی تک محصولی و محصور در حلقه تحریم ها. چراکه قسمت عمده اقتصادش حول محور بنگاه های جوان می چرخد، که آسیب پذیری بالایی هم در برابر حوادث پیش بینی نشده، دارند. همین کافی است تا اقتصاد بیمار ورنجور ایران با ضربه های پی در پی ناشی از شیوع کرونا ویروس از پای درآید. اما نگرانی ها درباره شیوع این ویروس هولناک در کشور، سیاستگذاران و دولت مردان را در بین دو راهی انتخاب بر سر تعطیلی کسب و کارها یا تداوم فعالیت آنها قرار داد. دو دیدگاه نسبت به این مساله وجود داشت؛ برخی معتقدند به منظور شیوع ویروس کرونا جلوگیری از تلفات انسانی باید تا جایی که امکان دارد اجازه فعالیت از کسب و کارها گرفته شود. در مقابل برخی دیگر اما می گویند از آنجایی که اقتصاد کشور علاوه بر مساله کرونا با تحریم ها نیز درگیر است؛ تعطیلی ادامه دار بنگاه ها اثر سوء بیشتری خواهد داشت و اقتصاد تحریم شده ایران تاب آوری لازم برای تعطیلی های بیشتر را ندارد و اگر روند تعطیلی ها ادامه پیدا کند، بحران های جدید اجتماعی و اقتصادی بروز خواهد کرد. به نظر می رسد، دولت مردان با نگاه به این دودیدگاه، رویکرد میانه ای را دنبال کردند و رای به بازگشایی گام به گام فعالیت های اقتصادی دادند. در گام نخست کسب و کارهای ضروری و کم ریسک اجازه فعالیت یافتند و در گام های بعدی صنوف پرخطر فعالیت خود را از سر گرفتند. البته هنوز برخی از مشاغل پرتردد و پرریسک اجازه فعالیت نیافتند. بر این اساس شاغلان کسب و کارهای غیرضرور را شاید بتوان اولین متضرران اقتصادی کشور نامید.

میزان آسیب پذیری ۸ رسته صنفی

در همین حال، مرکز پژوهش های مجلس نیز در گزارشی که به تازگی منتشر کرد به تاثیر شیوع کرونا بر ۸ رسته صنفی شامل «خدمات تولیدی»، «فرش و صنایع دستی»، «تحریر و چاپ»، «صنایع غذایی»، «تولید ملزومات و خدمات ساختمان»، «تولید کیف و کفش»، «صنایع

چنانچه دولت اقدام به اولویت بندی کسب و کارها نکند و بدون برنامه و با صدور دستورالعمل های جزیره ای و خلق الساعه سعی به اجرای انواع برنامه های حمایتی داشته باشد، اقتصاد کشور در وضعیت رکود تورمی عمیق تر از وضعیت کنونی اسیر خواهد شد

نساجی و پوشاک» و «سایر صنایع صنفی، نظیر سیم پیچی، آهنگری، تولید پمپ، سوله، آلومینیوم، چوب بری و...» پرداخته است. نتایج این پژوهش که با پرسش از ۴۱۴ مالک واحدهای تولیدی استخراج شده، نشان می دهد، میزان تولید در واحدهای صنفی تولیدی خدماتی نسبت به آخر پاییز ۱۳۹۸ به طور متوسط ۱۳.۴ درصد و نسبت به پایان سال ۱۳۹۷ برابر با ۲۲.۲ درصد کاهش داشته است. بیشترین کاهش تولید مربوط به تولیدی های «تحریر و چاپ» است. همچنین کاهش میزان تولید در فصل زمستان نسبت به پایان ۴ و نسبت به پایان سال ۱۳۹۷ معادل ۲۲.۲ درصد کاهش داشته است. بیشترین کاهش تولید مربوط به فصل پاییز ۱۳۹۸، در ۸ رسته صنفی حاضر در این مطالعه بین یک تا ۲۴ درصد بوده است. از طرفی، میزان اشتغال در واحدهای صنفی تولیدی خدماتی نسبت به آخر پاییز ۱۳۹۸ به طور متوسط ۳/۷ درصد و نسبت به پایان سال ۱۳۹۷ معادل ۵/۲ درصد کاهش داشته است. اما در پایان سال ۱۳۹۸، کاهش اشتغال هم نسبت به پایان فصل پاییز ۱۳۹۸ و هم نسبت به پایان سال ۱۳۹۷ محدود بوده و هیچ حوزه کاری بیشتر از ۹ درصد کاهش اشتغال نداشته است. مطابق این گزارش، بیشترین کاهش اشتغال در جامعه مورد مطالعه در پایان سال ۱۳۹۸ مربوط به تولیدی های «نساجی و پوشاک و کیف و کفش» با منفی ۹ درصد است و جالب آنکه میزان رشد اشتغال در «صنایع دستی و فرش» در مجموع مثبت بوده است (۵درصد در طول فصل زمستان و ۲درصد در طول سال). از نظر میزان فروش، در پایان سال ۱۳۹۸ نسبت به مدت مشابه سال قبل، کاهش فروش در همه حوزه های کاری، شدید و بین ۶۷ تا ۹۸ درصد



خواهد برد، به نحویکه دیگر راهکاری برای خروج از بحران های پی در پی که کشور با آن مواجه خواهد بود، وجود نخواهد داشت.

فعالان اقتصادی چه نظری دارند؟

نائب رئیس اتاق بازرگانی ایران در گفت و گو با «دنیای انرژی»، درباره اثر کرونا بر کسب و کارها، می گوید: طیف گسترده ای از مشاغل به دلیل شیوع ویروس کرونا با تعطیلی کامل مواجه شدند. همچنین اکثر کسب و کارها و بنگاه ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم متاثر از آثار کرونا بوده اند. به طوریکه کرونا، آثار جبران ناپذیری بر میزان فروش، میزان تولید، میزان اشتغال و تعهداتشان داشته است. حسین سلاح ورزی در پاسخ به این پرسش که دولت چگونه میتواند کسب و کارها را مورد حمایت قرار دهد، توضیح داد: دولت باید طیف گسترده ای از شاغلین رسمی و غیررسمی، را به خاطر خانه نشینی در شرایط کرونایی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم حمایت کند. بسته های معیشتی و اختصاص وام های یک تا میلیون تومانی، هر چند کافی نیست اما دولت می تواند آن را استمرار ببخشد. نائب رئیس اتاق بازرگانی ایران در ادامه و در پاسخ به اینکه آیا با تسهیلات اعطایی دولت، می توان آسیب های وارده به کسب و کارها از ناحیه کرونا را جبران خواهد کرد یا خیر، بیان کرد: دولت مصوب کرده، که کسب و کارهای ۱۰ گانه برای ۳ ماه بخشی از حق بیمه را پرداخت نکنند و بدهی هایشان نیز به آینده موکول شود، اما در این زمان بخشنامه ای از طرف سازمان تأمین اجتماعی منتشر می شود که همه تسهیلاتی که برای همه کسب و کارها در نظر گرفته بودند در ازای معافیت سه ماهه

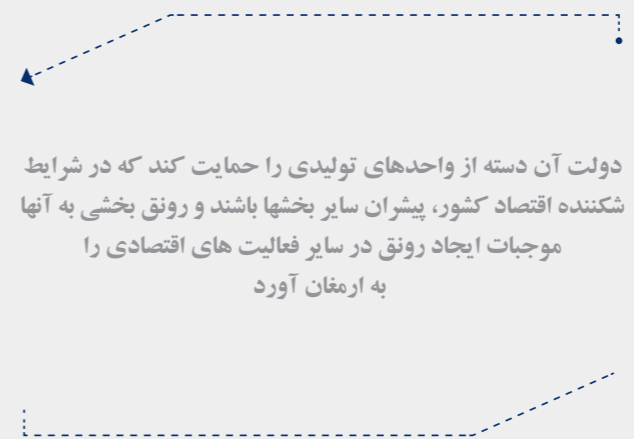


از این رو، ضروری است سازوکاری در نظر گرفته شود که به واسطه آن منابع مالی محدود دولت به نحوی تخصیص یابد که بتواند به طور حداکثری پیامدهای اقتصادی شیوع این بیماری را بر اقتصاد کشور کاهش دهد. براین اساس و براساس پژوهشی که اتاق ایران انجام داده، سیاستگذار باید دامنه تخصیص انواع حمایت ها را صرفا محدود به واحدهای تولیدی و خدماتی پشتیبان تولید کند، که قبل از شیوع این ویروس در اقتصاد، فعال بوده اند. دوم اینکه از میان تمامی واحدهای تولیدی خصوصی که طی سال ۱۳۹۸ فعالیت داشته اند، اولویت با آن دسته از واحدهای اقتصادی است که از ظرفیت های بالایی به منظور رونق بخشی به اقتصاد برخوردار هستند و شاخص ارزیابی این واحدها نیز «برخورداری از توان اشتغالزایی بالا و پایدار، پیشران بودن بالا بودن پیوندهای پسین و پیشین با صنایع و بنگاههای دیگر، تمرکز بر بخشها و فعالیت هایی که کشور را از واردات بی نیاز می کند و ایجاد ارزش افزوده بالا در اقتصاد.» باشد. در نهایت واحدهایی مورد حمایت قرار گیرند، که به علت شیوع این ویروس در اقتصاد کشور با تعطیلی و زیان اقتصادی مواجه شده اند و دارای اسناد مثبتی برای اثبات تحمیل زیان بر اساس معیارهایی همچون کاهش شدید فروش نسبت به سال گذشته و... هستند. حال چنانچه دولت اقدام به اولویت بندی کسب و کارها نکند و بدون برنامه و با صدور دستورالعمل های جزیره‌ای و خلق الساعه سعی به اجرای انواع برنامه های حمایتی داشته باشد، اقتصاد کشور در وضعیت رکود تومی عمیق تر از وضعیت کنونی اسیر خواهد شد و این شرایط ضمن دامن زدن به ناآرامی های اجتماعی، آسیب های جبران ناپذیری را به ظرفیت های تولیدی کشور وارد خواهد ساخت و ظرفیت های تولیدی اندک موجود را نیز از بین

برده است. تولیدکنندگان صنفی «کیف و کفش» با منفی ۹۸ درصد و تولیدکنندگان «ساجی و پوشاک» با منفی ۹۲ درصد بیشتر از بقیه صنوف تولیدی دچار کاهش فروش بوده‌اند.

چه باید کرد؟

با بررسی وضعیت موجود و تبعات گسترده شیوع ویروس کرونا، تنها یک راه برای جبران بنگاه های آسیب دیده، می ماند، آنهم دست به جیب شدن دولت. اما آیا دولت توان حمایت از کسب و کارها آنهم در این سطح را دارد؟ در پاسخ به این پرسش ذکر این نکته ضروری است که در شرایط حاضر اعطای انواع حمایتها و تسهیلات به تمام کسب و کارها و واحدهای اقتصادی متأثر از شیوع این ویروس، به واسطه منابع مالی محدود دولت بدون تردید مقدور نیست. باید توجه داشت ساختار اقتصادی بیمار حاکم بر کشور طی چند دهه اخیر باعث شده بسیاری از کسب و کارها و فعالیت هایی که در کشور رونق گرفته اند، مضمون توسعه ای نداشته و کمکی به رونق اقتصادی نکردند. بنابراین اقدامات حمایتی از این بخشها در شرایط اضطراری فعلی که دولت با انواع محدودیت ها و تنگنای مالی و اجرایی روبه رو است، راهکار نجات کشور نخواهد بود و تنها به اتلاف منابع، توزیع رانت و پول پاشی میانجامد و به ضد خود بدل می شود. اگر از زوایه ای دیگر نگاه کنیم، چنانچه دولت بخواهد تمامی کسب و کارها را حمایت کند، حمایت ها به صورت قطره چکانی و محدود خواهد بود که در عمل این حمایت ها نیز برای ادامه حیات کسب و کارها و رونق بخشی به اقتصاد کشور راهگشا نخواهد بود. چراکه در شرایط حاضر دولت از یکسو با «تحریم های ظالمانه» مواجه است و از سوی دیگر، «سقوط بهای نفت خام»، حکایت از محدودیت درآمدی و ارزی جدی برای دولت در سال ۱۳۹۹ و افزایش کسری بودجه در این سال دارد. علاوه بر اینها، «کاهش صادرات غیرنفتی و کاهش تبادلات تجاری با کشورهای همجوار»، «کاهش درآمدهای مالیاتی به دنبال تداوم تعطیلی کسب و کارها» و «افزایش هزینه های بهداشت و درمان»، بر تنگنای مالی دولت به منظور مقابله با پیامدهای اقتصادی این ویروس افزوده است. باین تفاسیر این پرسش قابل طرح است که چه باید کرد و چه نسخه ای باید برای عبور از این ابربحران پیچیده شود؟ شاید بهترین نسخه ای که بتوان برای وضعیت کنونی اقتصاد بیمار و شکننده ایران پیچید، این باشد که دولت آن دسته از واحدهای تولیدی را حمایت کند که در شرایط شکننده اقتصاد کشور، پیشران سایر بخشها باشند و رونق بخشی به آنها موجبات ایجاد رونق در سایر فعالیت های اقتصادی را به ارمغان آورد.



نادی صبوری
دنیای انرژی

۳۰ بهمن ماه ۱۳۹۸ روابط عمومی وزارت بهداشت جمهوری اسلامی ایران رسماً نخستین مورد ابتلا به این ویروس در ایران را تایید کرد. آنچه پس از این روز اتفاق افتاد، دنیای تجارت خارجی ایران را نیز به قبل و بعد از این اعلام رسمی تقسیم کرد. از همان روزهای نخست اعلام رسمی شیوع کرونا در ایران،

از گوشه و کنار خبرهایی مبنی بر بسته شدن مرز کشورهای همسایه ایران با انگیزه جلوگیری از ورود کرونا به گوش می‌رسید. ۴ اسفند ماه ترکیه بعد از لغو تمامی پروازها، ورود محموله‌ها از تمامی مرزها را نیز «موقتاً» متوقف کرد و بعد از آن نیز شورای ملی افغانستان برای ورود و خروج محصولات تخم مرغ، گوشت مرغ و گوشت قرمز به ایران و از

ایران محدودیت اعمال کرد. ولی هر چقدر از ماجرا بیشتر گذشت و ابعاد فراگیر بودن کرونا در کشورهای مختلف بیش از پیش روشن شد، میان ایران و اغلب همسایه‌هایش تجارت به نحوی البته با محدودیت نسبت به قبل برقرار شد. در این گزارش به بازارهای عمده صادراتی ایران و آخرین وضعیت آن‌ها نگاه کرده‌ایم. طبق اعلام سازمان گمرک در لحظه تنظیم این گزارش در هفته نخست اردیبهشت به جز پاکستان و ترکمنستان تجارت با دیگر شرکای منطقه‌ای ایران برقرار است.

در سال ۱۳۹۸ ایران به ۱۲۸ کشور دنیا کالا صادرات داشته و از ۱۱۲ کشور هم واردات داشته است. این مبادله در نهایت برای ایران ۸۵ میلیارد و ۱۰۷ میلیون دلار ارزش به همراه داشت که ۴۱ میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلار آن مربوط به صادرات است. شریک اصلی صادراتی ایران هم

بررسی «دنیای انرژی» از آخرین وضعیت صادرات منطقه‌ای بعد از کرونا

کشورهای همسایه چه سیاستی در قبال

تبادلات کالایی با ایران در پیش گرفتند؟



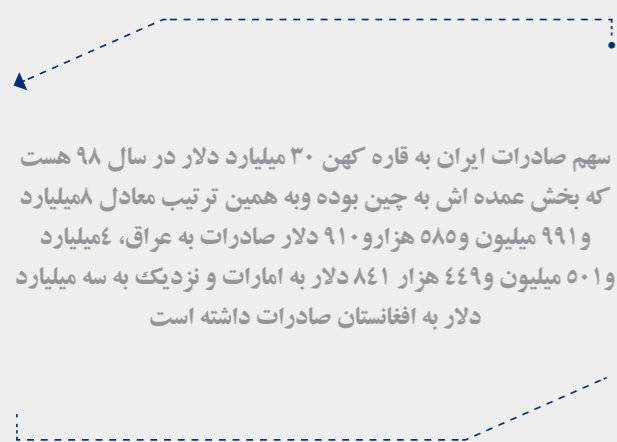
قاره آسیاست که ۶۸ درصد کل تجارت با آن‌ها بوده و از حدود ۴۱ میلیارد دلار صادراتی که سال ۹۸ ایران داشته، ۳۰ میلیارد دلار آن به قاره کهن و دور از ذهن نیست که بخش عمده‌اش به چین بوده است. از بین ۳ کشوری که بیشترین میزان کالاهای ایرانی در سال قبل بوده‌اند، به جز چین با سهم ۲۱ درصدی، دو کشور دیگر با ایران همسایه و هم منطقه هستند: عراق و امارات. خب کرونا بر سر تجارت با این شرکا چه آورد؟

اوایل این طور به نظر می‌آمد که چین در بین تمام کشورهای دنیا بیشترین درگیری را با ویروس کرونا دارد، گزاره‌ای که درگیری شدید ایتالیا یا شمار بالای مرگ و میر در آمریکا صحت آن را زیر سوال برد. اما با این حال اثر چین بر اقتصاد به دلیل مصرف خیلی زیادی که این غول اقتصادی دارد، مورد بحث است. در یک نظر سنجی که توسط رویترز انجام شد اقتصاددانان پیش‌بینی کرده‌اند که رشد اقتصادی چین در فصل نخست ۲۰۲۰ به ۴.۵ درصد برسد که کمترین میزان از زمان بحران اقتصادی است. اما اینکه این وضعیت تا چه اندازه صادرات ایران به چین و به طور کلی تجارت دو کشور را متاثر خواهد کرد به دلیل ماهیت خاص اقلامی که به ویژه از ایران به چین صادر می‌شود هنوز محل سوال است. ۲۰ بهمن ماه مجید رضا حریری رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و چین به روزنامه جهان صنعت گفت که مبادلات ایران با چین به شکل مشخص کالاهای مصرفی نیست و از ایران مواد اولیه و مواد معدنی خام و پتروشیمی به این کشور صادر می‌شود. بنابراین شاید در کوتاه‌مدت تقاضای پتروشیمی و مواد اولیه از سوی چین کم شود، اما بر روابط بلندمدت تاثیری نخواهد داشت.

این پا و آن پا در عراق

در مورد عراق از همان ابتدا می‌شد حدس زد که قرار نیست با یک سیاست واحد روبرو باشیم که دقیقاً مشخص بکند از فولان تاریخ فولان دسته تبادلات محدود می‌شود یا از سر گرفته می‌شود. در همان روزهای نخست حمید حسینی دبیر کل اتاق بازرگانی ایران و عراق در مورد آخرین وضعیت مرزهای عراق و تجارت از این بخش‌ها به دنیای انرژی گفت: «در حال حاضر وضعیت به این شکل است که مثلاً تا دیروز مرز مهران بسته بود اما امروز باز شده است، از طرف دیگر امروز اخبار تایید نشده مبنی بر بسته شدن مرز چذابه شنیده شده است. می‌توان به طور کلی اما گفت که عراق تصمیمی مبنی بر قطع روابط تجاری با ایران در این وضعیت ندارد.»

صادرات محصولات کشاورزی به عراق قبل از بالا گرفتن کرونا با چالش‌هایی روبرو شده بود. خبرگزاری تسنیم ۴ بهمن ماه نوشت که عراق با ارسال نامه‌ای به ایران صادرات شش محصول کشاورزی جدید شامل شلغم، انار، عسل، چغندر، کدو و کاهو را به این کشور ممنوع اعلام



کرده است. روح‌الله لطیفی سخنگوی گمرک نیز در همان روزهای ابتدایی اسفند اعلام کرد که بسته شدن یکی از مرزها در عراق نه به دلیل کرونا بلکه به دلیل دستگیری مسئولان گمرک عراق بوده است.

اما بعد از اینکه در ایران کرونا به شکل کنترل شده درآمد مرزهای زمینی منتهی به اقلیم کردستان و به ویژه پرویز خان که تقریباً روزانه ۱۰۰۰ کامیون از آن گذر می‌کنند باز شد. فرآورده‌های نفتی که بخش مهمی از صادرات ایران به عراق را شامل می‌شوند البته بیش از سایر اقلام برای اینکه دوباره راه خودشان را به سرزمین همسایه باز کنند به دردرس خوردند. به دلیل به هم ریختگی‌های بروکراتیک زیاد در عراق، کامیون‌های حامل سوخت تولیدی در ایران تقریباً ۱۰ روز در مرز معطل بودند تا اینکه طبق گفته حمید حسینی دبیر کل اتاق بازرگانی ایران و عراق، با پیگیری کنسول‌گری در اقلیم کردستان این کامیون‌ها توانستند راهی مقصد بشوند. فولاد، سیمان، صنعت مس و لوازم خانگی هم از جمله کالاهای مهمی است که از ایران به عراق صادر می‌شود. ایران در سال ۱۳۹۸ معادل ۸ میلیارد و ۹۹۱ میلیون و ۵۸۵ هزار و ۹۱۰ دلار صادرات به عراق داشته است.

تجارت شناوری با امارات

در سال ۱۳۹۸ ارزش کالاهایی که از ایران به امارات صادر شدند ۴ میلیارد و ۵۰۱ میلیون و ۴۴۹ هزار و ۸۴۱ دلار بود. هفته آخر اسفند ماه و تقریباً یک ماه بعد از تایید رسمی ورود کرونا به ایران بود که بهروز قره‌بیگی مدیر کل گمرک بوشهر اعلام کرد امکان صادرات کالاهای ایرانی با شناورهای چوبی قدیمی وجود ندارد و شناورهای حامل کالا، برگشت



قدرت ایران در تولید و فروش پس از رفع بحران



مهندس مسعود
مختصی فر
(کارشناس نفت و انرژی)

افت جهانی قیمت نفت که با کسری بودجه دولت همراه شده است به نظر می رسد با تکیه بر توانایی داخلی بتوان در کانال و نرخ پایین نفت حتی تا ده دلار در هر بشکه نیز مدیریت شود. چرا که شرکت نفت به عادت و سنت دیرینه، از زمان جنگ تاکنون در مواقع بحرانی کشور، علاوه بر عدم توقف پروژه ها،

نسبت به بازسازی و روان سازی سیستم خود، همت گمارده که این عادت پسندیده در بخش بالادست همچنان حفظ شده است به طوری که توان تولید نفت تداوم داشته است لذا با این تفکر و این روندی که وزارت نفت و دولت در نظر گرفته است مسلما ما از نادر کشورهایی خواهیم بود که پس از رفع بحران با قدرت وارد صحنه تولید و فروش خواهیم شد. و این زمانی رخ میدهد که بسیاری از شرکتهای و کشورهای دور صدور و فروش نفت خارج شده اند وضعیت اوپک و آینده قیمت نفت و وضعیت نابسامان تولید نفت در ایران به نظر می رسد یکی از دستاوردهایی که نسبت به آن اهمیت کمی داده شده است جلوگیری از خام فروشی نفت بوده و شاید این قوه قهریه و ویروسی که ناخواسته باعث افت فروش نفت در دنیا شده است باعث گردد از این تهدید بالقوه که پیش آمده به فرصت تبدیل نماییم. ضمن اینکه صحبت از نابسامانی تولید نفت مورد قبول نیست، چرا که کشوری که سالیان سال است در وضعیت تحریم بسر می برد دیگر چیزی برای از دست دادن ندارد که بتوان اسم آن را وضعیت نابسامان نام گذاری نمود. اتفاقا با توجه به اینکه با شیوع ویروس کرونا عملا کلیه کشورها به گونه ای فروش نفتشان تحریم شده است لذا اگر عدم فروش نفت را یک ویروس برای صادرکنندگان نفت و اوپک تلقی

کنیم کشور ما عملا خیلی وقت پیش در این خصوص واکنش داده شده است و با این استدلال مطمئن هستیم کشور ما با توجه به اینکه با ویروس تحریم سالیان سال است در مقابل عدم فروش نفت واکنش داده شده و خود را با شرایط کم فروشی و با صفر فروشی نفت وفق داده است، در شرایط پسا کرونا نیز با حضور اوپک و یا نبود اوپک نیز می تواند در عرضه های صادراتی توفیقاتی داشته باشد.

جایگاه ایران در بحران

در حال حاضر بورس و بازار سرمایه ایران از یک بازار کوچک به یک بازار تاثیر گذار بزرگ در کشور تبدیل شده است و مشکلات کسری بودجه دولت از عدم فروش نفت را کنترل میکند، تورم را کنترل می کند، بازارهای موازی دیگر را تعدیل کرده است، مردم را از تب و تاب چک کردن قیمت دلار و سکه و حضور در سبزه میدان منصرف نموده است و تا پایان دوره دولت فعلی به نقطه مساعدی از منظر آگاهی و دانایی عمومی خواهد رسید که باعث تغییر معادلات سیاسی داخلی و خارجی خواهد شد و حتی می تواند در روابط ما با دنیا نیز تاثیر گذار باشد. پس با این نگاه مسلما دولت و وزارت نفت در خصوص بحران پیش آمده نیز با تکیه بر مردم خود و استفاده از پتانسیل بالقوه ای که در بازار سرمایه وجود دارد می تواند بدون استفاده از فروش نفت کلیه قراردادهای توسعه میدان نفتی و پروژه های نفتی و پتروشیمی را تامین مالی نموده و علاوه بر جلوگیری از خام فروشی در سال جهش تولید در ایجاد ارزش افزوده از محصول نفت نیز سرمایه گذاری نماید.

مرزهای شرقی

سیاست امارات در این زمینه از همان موقع بدون تغییر مانده و طبق آخرین اطلاعاتی که گمرک داده است، در حال حاضر تجارت بین ایران و امارات برقرار است اما فقط با شناورهای کانتینری و فلزی. دقیقا دو هفته قبل از شیوع کرونا در ایران، شهر استانبول میزبان همایشی با عنوان «افزایش همکاری های اقتصادی ایران و ترکیه» بود که به ابتکار اتاق های مشترک بازرگانی دو طرف برگزار شده بود. طبق گفته های دبیر کل اتاق بازرگانی ایران-ترکیه محصولات پتروشیمی، پلیمری، سیمان، پسته، خرما، کشمش، هندوانه و آبیوم، مواد غذایی، گاز طبیعی مایع شده، آلومینیوم به صورت کارنشده و محصولات نیمه تمام از آهن یا فولاد عمده محصولات صادراتی ایران به ترکیه محسوب می شوند که اتفاقا در سال ۹۸ به خاطر سیاست های ترکیه روند رو به بهبودی داشتند. اما کرونا همکاری هایی که قرار بود افزایش یابد کاهش داد. ترکیه با ایران سه گذرگاه مرزی گوربولاک آغری، کاپیکوی وان و اسن دره حکاری را دارد و یک گذرگاه هم در نوار مرزی نخجوان. ترکیه یکشنبه ۴ اسفند از طریق فخرالدین کوجا وزیر بهداشت خود اعلام کرد پروازهای مبدا ایران را به صورت یکطرفه و موقتا متوقف خواهد کرد. همچنین در ادامه اظهارات وزیر بهداشت این کشور عنوان شد که مطابق اساسنامه بین المللی بهداشت و درمان تمامی ورودی هایی که از ایران به ترکیه به صورت جاده ای و ریلی انجام می شود به صورت موقت متوقف شده است. همین روز در ایران روح الله لطیفی سخنگوی گمرک اعلام کرد که تمامی مرزهای ایران و ترکیه به روی ایران بسته شده است. اما با «رایزنی های انجام شده» قرار است کار ورود و خروج افرادی که در گمرک منتظر بودند انجام بشود. ترکیه در ادامه سیاست هایی متفاوت در قبال شرکای مختلف تجاری اش در پیش گرفت. آن ها مبادلات با چندین کشور از جمله در لحظه ی نگارش این گزارش، طبق اعلام مسئولان گمرک تجارت به ترکیه فقط از طریق مسیر ریلی رازی برقرار است که البته ظرفیت خیلی بالایی ندارد. مسئولان ترکیه قول هایی برای بازگشایی بازارچه ساری سو داده اند اما هنوز آن را عملیاتی نکرده اند. طبق گفته سخنگوی گمرک، ترکیه محدودیت ها در تجارت با بلغارستان، گرجستان، نخجوان و آذربایجان را برداشته اما در مورد عراق و ایران هنوز محدودیت اعمال کرده است. ایران در سال ۱۳۹۸ معادل ۵ میلیارد و ۴۶ میلیون و ۴۹ هزار و ۵۷۳ دلار صادرات به ترکیه داشته است.

تجارت شاید برقرار باشد

در نهایت می توان نتیجه گرفت نمی توان با اطمینان نتیجه گیری کرد که بسته شدن مرزهای زمینی و ریلی و هوایی از سوی همسایه ها به روی ایران به معنای قطع حتی موقتی تجارت است. در همین راستا سید عباس موسوی سخنگوی وزارت امور خارجه در تاریخ ۳ اسفند در گفت و گویی اقدامات کشورهای همسایه را به دلیل نگرانی «طبیعی» وصف کرده اما تاکید کرد که این نباید مانع مراودات مردمی و یا حتی صادرات و واردات بین کشورها شود. ایران در حال حاضر و در تاریخ ۵ اردیبهشت با عراق، روسیه، ترکیه، افغانستان، ارمنستان، آذربایجان، عمان، قطر، امارات و نخجوان در حال تجارت است.

استراتژی جدید وزارت نفت برای مقابله با تحریم‌های نفتی



سعید پورفرهادی
عضو اتحادیه
صادرکنندگان نفت، گاز
و پتروشیمی

ایران علیرغم تحریم‌های اقتصادی می‌تواند از فرصت‌های موجود در بازارهای خارجی برای افزایش صادرات نفت استفاده کند. در این راستا وزارت نفت ایران به دنبال بهبود دادن نرخ بازیابی نفت در میدان نفتی مهم است. در سال ۹۸ آقای بیژن زنگنه اعلام کرد که یک قرار داد ۱.۳ میلیارد دلاری برای بهبود نرخ

بازیابی در دو میدان نفتی در استان خوزستان به گروه تجاری مپنا واگذار شده است. به طور میانگین نرخ بازیابی نفت در میدان ایران در دوره پیش از اعمال تحریم‌های اقتصادی ۵۵ درصد بود. نرخ بازیابی نفت در دوره بعد از تحریم‌ها تا ۴۵ درصد کاهش پیدا کرد. این در حالی است که نرخ بازیابی نفت در میدان عربستان سعودی به طور متوسط ۵۰ درصد بوده است. سعودی‌ها قصد دارند که در طول سه سال آینده این نرخ را تا ۷۰ درصد افزایش دهند. البته نباید فراموش کنیم که میدان نفتی دو کشور دارای ویژگی‌های مشابهی هستند و هزینه برداشت هر بشکه نفت در دو کشور بین ۲ تا ۳ دلار است. به همین خاطر دلیلی برای وجود این شکاف وجود ندارد. وزارت نفت به دنبال برطرف کردن این نقطه ضعف می‌باشد. در این راستا وزارت نفت قصد دارد نرخ بازیابی نفت را در طول سه سال آینده به ۲۵ درصد برساند. میدان نفتی ایران در ناحیه کارون غربی در مجموع دارای ۶۷ میلیارد بشکه نفت هستند. بنا براین، ذخایر قابل بازیابی در این میدان به ازای هر یک درصد افزایش در نرخ بازیابی می‌تواند به میزان ۶۷۰ میلیون بشکه افزایش پیدا کند. در نتیجه درآمدهای نفتی ایران به ازای هر یک درصد افزایش در نرخ بازیابی تقریباً ۳۴ میلیارد دلار رشد میکند. وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران پیش از وضع تحریم‌های اقتصادی گزینه‌های بسیار خوبی برای افزایش دادن نرخ بازیابی در میدان اصلی خود داشت. آن زمان شرکت نفت در حال مذاکره با تعداد زیادی از شرکت‌های بین‌المللی از جمله شرکت‌های اروپایی و آسیایی بود. اما دولت آمریکا در ماه مه ۲۰۱۸ از توافق برنامه جامع اقدام مشترک خارج شد. شرکت

نفتی توتال فرانسه تصمیم گرفت که از فاز ۱۱ میدان گازی پارس جنوبی خارج شود. با وجود این، چندین شرکت اروپایی هنوز حاضر به معامله با ایران بودند. نباید فراموش کنیم که اتحادیه اروپا به شدت با تصمیم آمریکا برای خروج از برجام مخالفت می‌کند. یکی از این شرکت‌ها سابقه طولانی در همکاری با ایران داشته است. مدیران ارشد وزارت نفت اطمینان داشتند که می‌توانند نرخ بازیابی نفت ایران را در طول یک سال به ۱۲ درصد و در طول دو سال به ۱۵ درصد برسانند. اما در نهایت فشارهای آمریکا به لغو قرارداد بین دو طرف منجر شد. به همین خاطر شرکت‌های داخلی وظیفه بهبود نرخ بازیابی نفت را بر عهده گرفتند. اما تلاش‌های آن‌ها نتیجه معکوس به دنبال داشت و نرخ بازیابی یک

درصد کاهش پیدا کرد. دولت ایران در نهایت این پروژه را به گروه مپنا واگذار کرد. مپنا یک شرکت مستقل تجاری است و در سال‌های گذشته عملکرد خوبی در ساخت نیروگاه‌های برق ایران نشان داده بود. گروه مپنا در راستای توسعه فناوری‌ها و سیستم‌های مهندسی مورد نیاز در پروژه‌های بزرگ با دانشگاه‌های برجسته کشور همکاری می‌کند. علاوه بر این، باید اشاره کنیم که ایران به تمام فناوری‌های مهندسی نفت و گاز چین و روسیه دسترسی دارد. روس‌ها در زمان فروپاشی شوروی با مشکل مشابهی روبرو بودند و نرخ بازیابی نفت در میدان بزرگ در حال کاهش بود. اما آن‌ها با توسعه فناوری‌های مختلف موفق به معکوس کردن این روند شدند، به طوری که

روسیه در حال حاضر یکی از دو تولیدکننده اصلی نفت در دنیا است. گروه مپنا در آینده نزدیک قصد دارد که بر روی دو میدان اصلی در جنوب غربی خوزستان با نام‌های پرنج و پارس جنوبی تمرکز کند. در حال حاضر این دو میدان در مجموع ۵۲ هزار بشکه نفت تولید می‌کنند. مطابق با قرارداد امضا شده، قرار است که در طول ۱۰ سال میزان تولید نفت در این میدان‌ها به ۸۵ هزار بشکه برسد. در مجموع ذخایر نفتی در این منطقه ۱۲ میلیارد بشکه تخمین زده می‌شود. دولت روحانی و بخش خصوصی تصمیم دارند دو میلیارد دلار برای توسعه این میدان سرمایه‌گذاری خواهند کنند. این پروژه شامل حفاری ۲۹ چاه جدید در کنار استفاده از فناوری‌های بازیابی خواهد بود.

کارنامه

صادراتی

فرآورده‌ها

در سال ۹۸



سید روح‌الله لطفی
سخن‌گو و مدیر شورای
اطلاع‌رسانی گمرک

توسعه صادرات و اثرگذاری آن بر چرخه اقتصاد کشور بر هیچ کس پوشیده نیست. از همین رو، برنامه دولتمردان با کاهش درآمدهای ارزی حاصل از نفت به دلیل تشدید تحریم‌های ثانویه آمریکا، بر این اصل استوار است که بال صادراتی ایران را گسترش داده و صادرات بر روی ریل

رونق قرار بگیرد. در همین راستا، گمرک جمهوری اسلامی ایران به عنوان مرزبان اصلی تجارت و یکی از نهادهای مهم درگیر در امر صدور و ورود کالا، به یکی از بازیگران اصلی در عرصه تجارت خارجی کشور مبدل شده است. با نگاه به این موضوع و از آن جایی که دولتمردان در تلاش هستند، سهم ایران را از کیک تجارت جهانی افزایش دهند، گمرک نیز به عنوان یک نهاد مجری سعی دارد تا با تسهیل فرآیند عبور کالاها از مرز و همچنین ورود آسان کالاهای مورد نیاز به کشور، سهمی در رونق بخشی به تجارت کشور داشته باشد. با این حال، نباید این واقعیت را نادیده گرفت، که صادرات ایران به ویژه در بخش «فرآورده‌ها و مشتقات نفتی، پتروشیمی و همچنین کالاهای غیرنفتی» در حد و اندازه ظرفیت و پتانسیل‌های کشور نیست. این امر نشان از این دارد، که آنطور که باید نتوانستیم بازارهای جدیدی را برای این محصولات خلق کنیم و یا در حفظ برخی بازارها کوتاهی کرده ایم. البته مساله تحریم‌ها و بسته شدن مسیرهای آسان برای ورود به بازارهای جهانی را نیز باید فاکتور مهمی دانست، که شرایط را برای صادرکنندگان سخت تر و ورود آنها را برای رقابت در عرصه جهانی محدود کرده است. در

سوی دیگر ماجرا، اتخاذ برخی تصمیمات غیرکارشناسانه از سوی تصمیم‌سازان، صادرات فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی را تحت تاثیر قرار داده و با چالش جدی مواجه کرده است.

با این حال و با رصد کارنامه تجارت خارجی کشور، خوشبختانه می‌بینیم که صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی در شرایط کنونی و با توجه به تحریم‌های ظالمانه آمریکا علیه ایران، نسبت به گذشته عملکرد مناسب تری داشته و توانسته اند سهم خود را در رشد صادرات و تأمین ارز کشور در ۱۱ ماه منتهی به بهمن سال ۹۸ نسبت به مدت مشابه سال گذشته، ۴ میلیارد و ۲۸۲ میلیون دلار افزایش دهند. جزئیات آماری گویای این است که سهم صادرات قطعی کالاهای پتروشیمی، میعانات گازی و گاز مایع در ۱۱ ماه منتهی به بهمن ۹۸ از کل صادرات غیرنفتی کشور حدود ۴۳ درصد بوده، که به لحاظ وزنی برابر با ۵۳ میلیون و ۹۳۰ هزارتن و از نظر ارزشی برابر با ۱۷ میلیارد و ۷۵۴ میلیون دلار گزارش می‌شود. این میزان در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته در موضوع صادرات پتروشیمی به لحاظ وزنی بیش از ۶۷ درصد رشد و از نظر ارزشی بیش از ۳۳ درصد رشد را نشان می‌دهد. ذکر این نکته نیز ضروری است که کل صادرات کشور در ۱۱ ماه منتهی به بهمن سال ۹۸ برابر با ۱۲۵ میلیون و ۲۹۰ هزار تن به ارزش ۳۸ میلیارد و ۵۹۷ میلیون دلار بوده که سهم ۴۳ درصدی پتروشیمی در صادرات کشور خود گواه توجه ویژه به این صنعت و عبور از خام فروشی نفت است. البته میزان صادرات کل کشور، از نظر ارزش دلاری نسبت به مدت مشابه سال قبل کاهش ۴.۴ و

سهم صادرات قطعی کالاهای پتروشیمی، میعانات گازی و گاز مایع در ۱۱ ماه منتهی به بهمن ۹۸ از کل صادرات غیرنفتی کشور حدود ۴۳ درصد بوده، که به لحاظ وزنی برابر با ۵۳ میلیون و ۹۳۰ هزارتن و از نظر ارزشی برابر با ۱۷ میلیارد و ۷۵۴ میلیون دلار گزارش می‌شود

به لحاظ وزن ۱۷.۶ درصد رشد داشته است. در مقابل و در بازه زمانی یاد شده، ۳۲.۴ میلیون تن واردات با رشد ۱۰.۸ درصدی به لحاظ وزن وجود داشته که ارزش آن ۳۹.۹ میلیارد دلار است که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲.۳ درصد افزایش را نشان می‌دهد. رصد این آمارها گویای این است که در حال حاضر ۱.۴ میلیارد دلار صادرات کمتر از واردات انجام شده، این در شرایطی است که اگر صادرات برق به کشورهای همسایه و خدمات فنی مهندسی را هم در نظر بگیریم، قطعاً تراز تجاری کشور مثبت خواهد بود. همچنین براساس آمارها، «چین، عراق، ترکیه، امارات و افغانستان» عمده مقاصد صادراتی بوده و درمقابل «چین، امارات، ترکیه، هند و آلمان» عمده کشورهای وارداتی ایران به شمار می‌روند.

البته ناگفته نماند که گمرک جمهوری اسلامی ایران نیز برای سرعت بخشی به صادرات کالاها، بیش از ۳۰ گمرک در سراسر کشور را برای صادرات فرآورده‌ها و مشتقات مایع نفت و گاز در نظر گرفته است. با این اوصاف، اگرچه مسیر به سمت بهبود نسبی پیش می‌رود، اما باز هم، فاصله زیادی تا نقطه مطلوب وجود دارد. به ویژه اینکه صادرات مستقیم نفت کاهش چشمگیری داشته و همت و جدیت صادرکنندگان فرآورده‌های نفتی و در آخر محصولات نهایی، می‌توانند با در اختیار داشتن مواد خام فراوان، محصولات با ارزش افزوده بیشتری را صادر کنند که هم اشتغالزایی را به همراه داشته باشد و هم در گام نخست خلاء صادرات نفت خام را پر کند.

در گام بعدی نیز مانع از خام فروشی شده و ارز قابل توجهی به سوی

کشور سرازیر می‌شود. البته نباید از ظرفیت‌های

بخش خصوصی در این

مسیر غافل شد، چراکه

تشکل‌های صادراتی و

تمامی صادرکنندگان باسابقه

و با اهلیت، باید در تعامل با

دولت گام‌ها و اقدامات جدی‌تری

برای رشد و توسعه صادرات بردارند و با

تولید محصولات باکیفیت و کاهش بهای قیمت تمام شده، بتوانند در عرصه رقابت جهانی بازیگران خوبی برای ایران باشند. در همین حال،

کل صادرات کشور در ۱۱ ماه منتهی به بهمن سال ۹۸ برابر با ۱۲۵ میلیون و ۲۹۰ هزار تن به ارزش ۳۸ میلیارد و ۵۹۷ میلیون دلار بوده که سهم ۴۳ درصدی پتروشیمی در صادرات کشور خود گواه توجه ویژه به این صنعت و عبور از خام فروشی نفت است

گمرک جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یک نهاد مجری، تلاش خواهد کرد تا با حمایت از صادرکنندگان، گام‌های مثبتی برای سرعت بخشیدن به فعل صادرات بردارد. اگرچه در این مدت نیز اقداماتی مهمی چون «حمل یکسره کالاهای صادرکنندگان به گمرکات مرز خروج و انجام تشریفات ترخیص در این اماکن، ارزیابی کالاهای صادراتی در محل تولید یا انبار صادرکننده در

صورت درخواست صاحبان کالا، اختصاص

مسیر ویژه برای ترخیص سریع کالاهای

صادراتی از گمرکات مرزی، قبول

ضمانت‌نامه بانکی برای پرداخت

عوارض صادراتی، استرداد

حقوق گمرکی کالای به‌کار

گرفته شده از کالاهای

صادراتی و...» را در

دستور کار خود قرار

داده است. همچنین به

منظور رونق بخشی به بال

صادراتی تجارت خارجی کشور،

ممنوعیت‌های صادراتی جای خود را

به وضع عوارض داده که بر این اساس

تلاش می‌شود تا جلوی صادرات کالاها سد

نشود، بلکه با عوارض کنترل‌های لازم صورت

گیرد تا صادرکنندگان برای صدور محصولاتشان با مشکل چندان جدی مواجه نشوند.



چرا در صادرات غیرنفتی کارنامه درخشانی نداریم؟ چرا سبد صادراتی ایران متنوع نیست و تجار ایرانی در بازارهای جهانی حضور ضعیفی دارند و در کشف بازارهای جدید ناموفق اند؟ آیا الزام صادرکنندگان به بازگشت دلارهای صادراتی اشان، سیاست درستی بود که از سوی تیم اقتصادی دولت اتخاذ شد؟ ممنوعیت های صادراتی چه ضرباتی را بر پیکر تجارت کشور وارد می کند؟ مهم تر اینکه «کرونا و پروس» چه اثری بر روند صادرات خواهد گذاشت؟ در نهایت اینکه مقصر تمام این بی نظمی و شلختگیها در تجارت خارجی کشور چه کسی است؟ برای پاسخ به این پرسش ها در این نوشتار تلاش شده تا با واکاوی مصائب پیش روی صادرات، زوایه دید بهتری برای عبور از این شرایط بغرنج برای تصمیم سازان ترسیم شود.

غفلت از صادرات و راهی که هموار نیست!

«مسیر پر پیچ و خم صادرات و رنجی که صادرکنندگان می برند.» در شرایط کنونی که اقتصاد ایران متاثر از مسائل سیاسی است، این تجارت است که بیشتر در نوعی بلا تکلیفی به سر می برد. به طوریکه «صادرات کنندگان» روزهای سختی را سپری می کنند و حتی داده های آماری هم وضعیت خوبی از «واردات و صادرات» گزارش نمی دهند. اما علت این عقب ماندگی ها چیست؟ تحلیلگران دلایلی مختلفی برای عقب ماندگی های تجاری وافت صادرات عنوان می کنند. برخی نبود یک فرماندهی واحد در عرصه تجارت را فاکتوری اثر گذار در عقب ماندگی های تجاری عنوان می دانند. در مقابل برخی، سیاستگذار و تصمیم سازان را به دلیل اتخاذ سیاست های ناکارآمد و بدور از منطق اقتصادی، مقصر این وضعیت معرفی می کنند. در این میان اما هستند عده ای که همچنان دست گذاشته اند بر روی گزینه تحریم و آن را مسبب تمامی عقب ماندگی ها و عنصری مزاحم در امر تجارت می دانند. اما واقعا در پشت صحنه تجارت خارجی کشور چه خبر است؛ چرا باوجود همه نسخه هایی که از سوی متولیان امر پیچیده می شود، هنوز درجا می زنیم؟ اگر کارنامه تجاری کشور را در یکی دو سال اخیر ورق بزینم به شواهدی دست خواهیم یافت که ما را با مصائب و موانعی که دست و پای صادرکنندگان را برای حضور در بازارهای جهانی بسته است رهنمون می سازد. همانطور که می دانید، اقتصاد ایران، اقتصادی تک محصولی و وابسته به نفت است، اما از آنجایی که هیچ وقت در شرایط حساس کنونی و در این تنگنا نبودیم، هر گاه اراده کردیم

قفل تجارت در عصر پاندمی و ویروس کرونا چگونه شکسته می شود؟

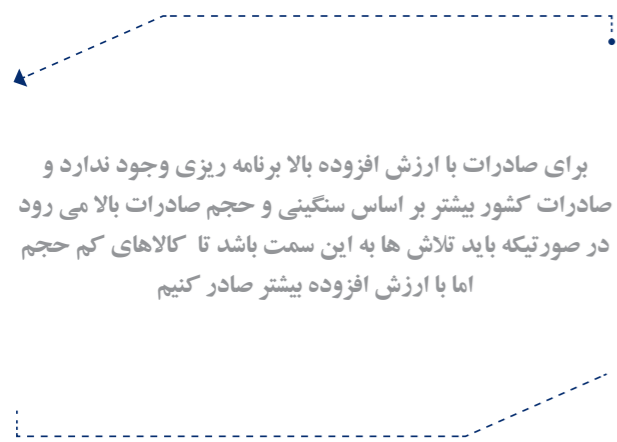
صادرات در محاصره مصائب



با فروش نفتمان، درآمدهای ارزی مورد نیاز تامین شده است. اما حالا که در وضعیت قرمز قرار داریم، دیگر نمی توانیم بر روی این طلای سیاه به عنوان یک منبع ارزی سریع الوصول حساب ویژه باز کنیم. اما همین نگاه ویژه به نفت، ما را از صادرات غیرنفتی بدجور غافل کرد. شاید شوک ناشی از تحریم های ثانویه آمریکا را بتوان یک تلنگر جدی به اقتصاد کشور دانست، که علی رغم تمامی معضلاتی که برای اقتصاد ایران ایجاد کرده، می تواند حاوی یک فرصت طلایی برای رهاندن اقتصاد ایران از درآمدهای نفتی باشد؛ آنهم برای نگاه دوباره و ویژه به صادرات غیرنفتی. ناگفته نماند که برای رهایی از اقتصاد تک محصولی نفتی، دولتها باید زیرساخت های لازم برای صادرات را فراهم کنند. از سوی دیگر، باید به دنبال صادرات کالاهای با ارزش افزود بالا بود. نکته مهم تر اما این است، اگر می خواهیم صادرات رونق بگیرد، باید متولی خودش را داشته باشد.

شرح حال صادرات در سالی که گذشت

برگردیم به اینکه چرا حال صادرات غیرنفتی خوب نیست؛ تشدید دوباره تحریم ها از یکسو و برخی موانع داخلی از سوی دیگر، مسیر را برای صادرکنندگان سخت کرد. به طوریکه پرونده صادراتی سال ۹۷ با افت بسته شد. هرچند نگاه های متفاوتی به این افت وجود داشت. متولیان تجاری کاهش قیمت های پایه صادراتی را دلیل محکمی برای افت صادراتی عنوان کردند. در مقابل فعالان اقتصادی این ادعا را رد کرده و گفتند که کاهش صادرات ریشه در «رفع تعهدات ارزی، اعمال ممنوعیت های صادراتی، افزایش ریسک تجارت و ...» دارد. اما با ورود به سال ۹۸ این امیدواری بود که صادرات رونق بگیرد؛ اما ارزیابی ها حکایت از این دارد که صادرکنندگان در سال گذشته نیز خیلی موفق عمل نکرده اند؛ چراکه براساس آمار کمرگ، کارنامه تجارت در نیمه نخست سال ۹۸ (تا پایان شهریورماه) حکایت از این دارد که میزان صادرات قطعی کالاهای غیرنفتی کشور (به استثنای نفت خام، نفت کوره و نفت سفید و همچنین بدون صادرات از محل تجارت چمدانی) از نظر وزنی برابر با ۷۰ میلیون و ۹ هزار تن به ارزش ۲۰ میلیارد و ۹۴۸ میلیون دلار بوده، که در مقایسه با مدت مشابه سال ۹۷، افزایشی ۲۲۵۰ درصدی در وزن و کاهشی ۱۰۵۵ درصدی در ارزش دلاری داشته است. حتی با ورود به نیمه دوم سال، صادرات بازهم نتوانست روزهای خوبی را سپری کند. یعنی هر چند در مهرماه حجم تجارت خارجی به بیش از ۷ میلیارد دلار رسید، اما تراز تجاری کشور در هفتمین ماه همچنان منفی ۴۹۳ میلیون دلار گزارش شد و فاصله صادرات و واردات نیز نسبت به ماه گذشته (شهریور ۹۸) افزایش یافت. چراکه حجم تجارت خارجی در شهریورماه ۶ میلیارد و ۶۳۰ میلیون دلار ثبت شد، اما در مهرماه سال جاری ۷ میلیارد و ۴۱۱ میلیون دلار. البته پرونده تجارت تا پایان فصل پاییز، وضعیت بهتری را نشان می دهد، به طوریکه صادرکنندگان تا پایان فصل پاییز سالجاری برابر ۳۱۹ میلیارد دلار کالای روانه بازارهای هدف کرده اند و در مقابل واردکنندگان ۳۱۸ میلیارد دلار کالا وارد بازار داخل کرده اند. بنابراین تراز تجاری کشور در فصل سوم سال، مثبت گزارش شد. با این حال، میزان صادرات کالایی بدون نفت خام کشور طی ۹ ماهه ۱۳۹۸ به ارزش ۳۱۹ میلیارد دلار، در مقایسه با



برای صادرات با ارزش افزوده بالا برنامه ریزی وجود ندارد و صادرات کشور بیشتر بر اساس سنگینی و حجم صادرات بالا می رود در صورتیکه باید تلاش ها به این سمت باشد تا کالاهای کم حجم اما با ارزش افزوده بیشتر صادر کنیم

مدت مشابه سال ۱۳۹۷ از نظر ارزشی ۵ درصد کاهش و از لحاظ مقداری با ۱۸ درصد افزایش همراه بود. در ادامه با ورود به اولین ماه از فصل زمستان، تراز تجاری کشور باز منفی گزارش شد. رصد آمارهای گمرک نشان می دهد، در ۱۰ ماه منتهی به دی ۹۸ حجم تجارت خارجی کشور، بیش از ۷۲ میلیارد دلار بوده، که ۳۵۵ میلیارد دلار آن را صادرات و ۳۶۸۱ میلیارد دلار آن را واردات شکل می دهد، این یعنی میزان واردات ۶۰۰ میلیون دلار از صادرات سبقت گرفته است. در نهایت مطابق آمار تجارت خارجی کشور، صادرات ایران در ۱۲ ماه سال ۹۸، ارزشی معادل ۴۱ میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلار داشته که به لحاظ ارزشی افت بیش از ۷ درصدی را نسبت به سال ۹۷ تجربه کرده است. همچنین واردات کالا در سال گذشته به ۴۳ میلیارد و ۷۳۵ میلیون دلار رسیده، که حاکی از رشد بیش از یک درصدی در ارزش نسبت به مدت مشابه سال ۹۷ است. کسری تجاری ۲ میلیارد و ۳۶۵ میلیون دلاری تا پایان سال گذشته رقم خورده است. مطابق آمارها، ارزش مجموع مبادلات تجاری سال ۹۸ برابر ۸۵ میلیارد و ۱۰۵ میلیون دلار و وزن مبادلات تجاری ۱۶۹ میلیون و ۳۸۲ هزار تن گزارش شده است.

تجارت در اسفند کرونایی

ناگفته نماند که کارنامه تجاری کشور در سال ۹۸ درحالی بسته شد، که تجارت کشور در اسفندماه همین سال، با شوک بزرگ شیوع و ویروس کرونا روبرو شد. اما این بیماری چه اثری بر روند تجارت خارجی کشور گذاشت؟ رصد آمارهای گمرک بیانگر این است که از یکم اسفندماه ۹۸ تا ۲۵ همین ماه که کشور درگیر کرونا بوده است، ۷ میلیون و ۷۳ هزار تن کالا به ارزش ۲ میلیارد و ۲۳۷ میلیون دلار صادر شده، که در مقایسه با مدت مشابه سال ۹۷ حجم صادرات ۹ میلیون و ۲۸۳ هزار تن به ارزش ۳ میلیارد و ۵۳۹ میلیون دلار بوده است، که به لحاظ وزنی افت ۲۳۸۰ درصدی و از نظر ارزشی افت ۳۶.۷۹ درصدی را نشان می دهد.

همچنین ارزیابی‌ها از روند تجارت خارجی کشور در بازه یکماهه اسفند نشان از این دارد که ۸ میلیون و ۷۲۸ هزار تن کالا به ارزش ۲ میلیارد و ۷۷۳ میلیون دلار به بازارهای هدف صادر شده و در مقابل، ۲ میلیون و ۹۶۲ هزار تن کالا به ارزش ۴ میلیارد و ۳۹۵ میلیون دلار به کشور وارد شده است. بنابراین تراز تجاری در اسفندماه منفی یک میلیارد و ۶۲۲ میلیون دلار گزارش شده است. در همین حال، سازمان جهانی تجارت نیز پیش بینی کرده که تجارت جهانی کالا به دلیل شیوع بیماری کووید ۱۹ در سال ۲۰۲۰ بین ۱۳ تا ۳۲ درصد کاهش یابد. البته پیش بینی می شود تجارت جهانی در ۲۰۲۱ بهبود یابد و هر چند این بهبودی بستگی به مدت زمان شیوع این بیماری و کارایی پاسخ های سیاستی آن دارد. اما تقریباً همه مناطق دنیا در سال ۲۰۲۰ با کاهش دورقمی در حجم تجارت روبرو می شوند و بیشترین آسیب صادرات آمریکای شمالی و آسیا می شود. به نظر می رسد، سقوط تجارت در بخش هایی با زنجیره های ارزش پیچیده به ویژه بخش الکترونیک و خودرو تندتر خواهد بود. از طرفی، تجارت خدمات بیشتر از طریق محدودیت حمل و نقل و مسافرت تحت تاثیر بحران کووید ۱۹ قرار می گیرد.

مشکل کجاست؟

رصد و ارزیابی این آمارها، گویای این است که برای صادرات با ارزش افزوده بالا برنامه ریزی وجود ندارد و صادرات کشور بیشتر بر اساس سنگینی و حجم صادرات بالا می رود در صورتیکه باید تلاش ها به این سمت باشد تا کالاهای کم حجم اما با ارزش افزوده بیشتر صادر کنیم. علاوه بر مشکلات ناشی از تحریم ها و موضوع ارز، ناهماهنگی دستگاه های اجرایی اعم از «بانک مرکزی، گمرک، مالیات و بیمه، وزارت صنعت، معدن و تجارت» بر پیچیدگی و بوروکراسی اداری حاکم بر فعالیت های تولیدی افزوده است. عدم برنامه ریزی برای دیپلماسی اقتصادی فعال در شرایط تحریم برای حفظ بازارهای صادراتی و ایجاد فرصت ها و بازارهای جدید نیز از دیگر عوامل مهم اثر گذار بر کاهش صادرات طی سال جاری است. از طرفی، آمارها گویای این است که صادرکنندگان بیشتر به کشورهای اطراف و همسایه متمایل شده اند، دلیل آنهم اثر پذیری کمتر صادرات از تحریم های حمل و نقل، بیمه و نیز امکان تبادل پولی مرزی و غیر بانکی با این کشورها است. جدا از این مسائل، پس لرزه سیاست های اشتباه، شرایط را برای صادرکنندگان در دو سال اخیر سخت تر کرد. در همین حال، سیاست های ارزی دایره مصائب صادرات را گسترده تر کرد. هر چند افزایش نرخ ارز تا حدی توانست به صادرات رونق ببخشد، اما در این میان برخی از آب گل آلود ارزی، سودهای نجومی برده و پول های کلانی به جیب زدند؛ آنها صاحبان کارت های بازرگانی یکبار مصرف و صادرکننده نمایی بودند که خودشان را در لیست صادرکنندگان با سابقه جا زدند و تا توانستند استفاده ارزی بردند. موضوع اما به همین جا ختم نشد؛ همین سیاست های ارزی و بروز صادرکنندگان در سایه موجب شد تا صادرکنندگان باهلیت و سابقه دار به دلیل سیاست های غلط رفع تعهد ارزی پایشان را از دایره صادرات کشور خارج کنند و عطایش را به لقایش ببخشند. واقعیت آن است که تمام بخشنامه های متعدد و متناقض صادراتی

ظرف یکی دو سال اخیر، نه تنها پای صادرکنندگان خوشنام و شناسنامه دار ایران را از پروسه صادرات حذف کرد، بلکه بازارهای هدف صادراتی را به دست افرادی سپرد که علاوه بر اینکه سررشته صادراتی ندارند، بلکه با قیمت شکنی کالاهای ایرانی در بازارهای هدف صادراتی، شرایط را در درازمدت برای ماندگاری کالاهای ایرانی در بازارهای هدف صادراتی سخت تر کرد. موضوعی که در این مورد باید به آن اشاره شود، بحث امنیت اقتصادی در بازگشت ارزش صادراتی و پیمان های ارزی است. بر همین اساس، ایجاد سامانه نیما به دلیل ایجاد اختلاف قیمتی بین نرخ ارز در «بازار آزاد» و «سامانه نیما»، علی رغم اینکه شرکت های صادراتی با توجه به هزینه های جاری و روز و بحث دلار آزاد محصولات خود ارائه می کنند، اقدام درستی نبود؛ زیرا نباید ارز را با قیمت پایین تر از بازار آزاد به شبکه بانکی وارد می کردیم. در واقع بحث اختلاف قیمت ارز در بازار آزاد و سامانه نیما موضوعی بود که در اتاق بازرگانی بارها در مورد آن بحث شد، که خوشبختانه با نزدیک شدن قیمت ارز در بازار آزاد و سامانه نیما به یکدیگر کاهش اختلاف قیمتی بین آنها تاثیر مثبتی بر میزان صادرات و ارزآوری از طریق سامانه نیما کمک کرده و موجب شد تا ارز بیشتری به کشور وارد شود. علاوه بر مواردی که عنوان شد، بر پایه گزارش های ارائه شده از سوی اتاق های بازرگانی در سطح کشور، نظام گمرکی هم به نوبه خود مشکلاتی را برای صادرکنندگان ایجاد کرده، که کماکان ادامه دارد. همچنین سامانه جامع تجارت و قطع و وصلی سامانه ها ناشی از عدم وجود زیرساخت های لازم مشکلات را برای صادرکنندگان دوچندان کرده است. مساله دیگری که در چرخه صادرات مغفول مانده؛ اینکه در محیط کلان فاقد یک استراتژی مشخصی هستیم و برنامه ها براساس اقبال و شانس چیده شده اند. همین بی برنامهگی کافی است تا صادرات افت و خیز زیادی داشته و دائم در نوسان باشد.

راه نجات چیست؟

حال با وجود همه این مصائب که صادرات را در محاصره خود قرار داده است؛ چه باید کرد و راه نجات چیست؟ برای پاسخ به این پرسش و چنانچه می خواهیم به بازارها نفوذ کنیم و صادراتمان در مسیر رونق قرار بگیرد، اولین گام این است که اصل اقتصاد آزاد را بپذیریم. باید یاد بگیریم در فضاهای بین المللی دست به رقابت بزنیم. چنانچه نتوانیم با کالاهای کشورهای هم پیمان رقابت کنیم، تولید و تجارت کشور تبدیل به تجارت گلخانه ای می شود که در آن به احتمال بالا رانت توزیع می شود. از این رو، شرط توسعه دادن بازارهای صادراتی این است که در پیمان های منطقه ای و بین المللی به ویژه سازمان تجارت جهانی «WTO» عضو شویم؛ درواقع با چینش این بسترها، تولید کشور به دنبال رقابت پذیری خواهد رفت. اما اگر بخواهیم در همین شرایط گلخانه ای بمانیم، باید شاهد مرگ تدریجی تولید و صادرات کشور باشیم. بانگه به این موارد، دولت و حاکمیت باید به جد به دنبال این باشند که هر چه زودتر از تنگنای تحریم ها خارج شویم. آن هم نه به شیوه کنونی که صادرکنندگان تکلیف خود را نمی دانند و معلوم نیست چه رویکردی در عرصه سیاست در پیش گرفته خواهد شد. باید نوع تعامل ما

با دنیا تعیین تکلیف شود؛ چراکه این معلق ماندن، اقتصاد و تجارت را به ورطه نابودی خواهد کشاند. البته از آنجایی که دولت ها هیچگاه به دنبال آزاد سازی تجارت نبوده اند، عدم توفیق در صادرات غیرنفتی را میتوان در دو عامل دید؛ یکی «فقدان دیپلماسی تجاری در سطح بین الملل» و دیگری در «نبود یک استراتژی مشخص در توسعه صادرات». البته برخی همچنان مساله تحریمها را یک ابرچالش جدی در مسیر صدور کالاها معرفی می کنند. اما صاحب نظران بر این باورند که «عدم هماهنگی بین تولید و صادرات»، «کیفیت پایین محصولات صادراتی» و «عدم رقابت پذیری» موانع بزرگ تری هستند برای تصاحب بازارها و جذب مشتریان خارجی. در این میان اما برخی اقتصاددانان، پارافراتر گذاشته و نوک پیکان انتقاداتشان را هم به سمت دولت و هم بخش خصوصی می گیرند. آنها بر این باورند تازمانی که دولت همچنان بر نقش تصدی گری خود اصرار بورزد و از آنسو، بخش خصوصی از جمله اتاقهای مشترک بازرگانی و رایزنان بازرگانی نتوانند حضور فعالی در جذب بازارها و بازاری گشایی داشته باشند، در بر همین پاشنه چرخ می چرخد. از این منظر، شکستن قفل صادرات غیرنفتی و گسترش بازارها از رهگذر «آزادسازی تجاری»، «کوچک سازی دولت»، «تعریف و تدوین یک استراتژی مشخص»، «دارا بودن دیپلماسی اقتصادی یا تجاری

در سطح بین الملل» و «عملکرد مستقل بخش خصوصی» می گذرد. البته از بین رفتن تنش های بین المللی و عادی سازی روابط سیاسی و اقتصادی با دیگر کشورها اولین گام برای باز شدن یکی از قفل های صادرات است. علاوه بر اینها، از دیگر مواردی که می تواند قفل صادرات آنهم در عرصه داخل را بشکند، انجام سرمایه گذاری جدید است؛ چراکه ما برای بهره گیری از دانش فنی و تکنولوژی های روز دنیا به شدت به جذب سرمایه آنهم از نوع خارجی نیاز داریم. از همه این مسائل که بگذریم، موضوع اینجاست که در شرایط کنونی کشتی صادرات در گرداب کرونا گرفتار آمده است. معضلی که هیچ پیش بینی مشخصی برای پایان آن وجود ندارد. بر همین اساس در صورت ادامه این شرایط سخت و اعمال محدودیت های تجاری بین کشورها، باید دید صادرات در سال ۹۹ کرونایی چگونه رقم می خورد؛ آیا صادرکنندگان می توانند از این مرحله دشوار عبور کنند و رونق تجارت را در شرایط پاندمی ویروس کرونا رونق دهند یا خیر. البته همه اینها بستگی به این دارد که دولتمردان و متولیان تجاری برای دوران کرونایی چه برنامه یا استراتژی صادراتی قرار است اتخاذ کنند تا از دیگر رقبای جهانی خود برای صدور کالا جا نمانند.

نفت در رسانس انرژی



سیمابهروی
دنیای انرژی

نظام فئودالیتة نفت بر اقتصاد درحال محو شدن است تا زمینه را برای ظهور یک رسانس در بخش انرژی مهیا کند.

آغاز رسانس عصر انرژی با از محوریت خارج شدن نقش اول اقتصادهای نفتی رقم خواهد خورد. نفت که تا دیروز به عنوان کالایی استراتژیک در سطح بین المللی مطرح بود حال با زمزمه هایی که شنیده می شود دیگر همانند گذشته اهرمی قابل اتکا در خط و ربط دادن به چرتکه اقتصادی و سیاسی کشورها باقی نخواهد ماند. این بدان معنا نیست که گمانه زنی مذکور

به طرفه العینی محقق شده و همه تولیدکنندگان نفتی کارشان از سکه بيفتد یا دلالان سیاست با تغییر

زودهنگام موضع خود پایشان را از بزنگاه های

نفت به عنوان یک ابزار فشار بردارند؛ قطع به یقین

این اتفاق در یک برهه زمانی معین ولی قریب الوقوع به عینیت تبدیل خواهد شد. قیمت نفت که رابطه مستقیمی با نبض اقتصاد جهانی داشته، از دیرباز با مهار دو فاکتور عرضه و تقاضا توسط سردمداران این صنعت سعی در کشیدن زمام آن باتوجه به مقتضیات زمان داشته



است. طلای

سیاه که در

اکثر موارد قربانی

سیاسی کاری های

کشورها می شده در آن سوی

فضیه ابزاری برای استثمار و به زانو

درآوردن سایر کشورها بکار گرفته می شده است. حال پس از

فراز و نشیب های فراوان وارد چرخه ای می شود که نه با سنگ محک

تولید بلکه با قدرت پلایش، کورس رقابت راه می اندازد تا بازار را به تعادل برساند. حال با تضعیف پایه های این ابزار کشورهایی همانند

آمریکا باید یک آلترناتیو در ادامه طرح ریزی جهت اعمال حربه های خود در قالب تحریم به کارگیرند. اما در این میان کشورهایی که نقطه مقابل استثمارگران نفتی ایستادگی کرده اند چه سرنوشتی پیدا می کنند؟ .

ایران به عنوان یک عضو اثر گذار در کارتل نفتی اوپک که تا پیش از این در سیبل حمله های گوناگون از سوی امریکا بوده است تا در نهایت با اعمال فشارها به حذف صنعت نفتی کشور بپردازد می تواند از این فرصت استفاده کرده و به سمت انرژی های نو حرکت کند. دراین میان و در پس رنگ باختن یا تثبیت آنارشیت نفتی در نظامی همچون اوپک با فرازو فرودهایی که به دنبال جنگ قیمتی و قدکشیدن سایه کرونا درتولید و عرضه تاریخ ساز شد، درآینده ای که نفت از لیدری بازار خارج خواهد شد چه سرنوشتی برای میادین نفتی رقم زده می شود؟ آیا تولید نفت به حدت و شدت قبل همچنان اقتصادی باقی می ماند؟ آنچه مسلم است خام فروشی همانند گذشته نفعی برای کشورها نخواهد داشت. از این رو بارور کردن صنایع پالایشی و پتروشیمی در صدر امور قرار خواهند گرفت. استفاده از نفت در محلی دور از خام فروشی، با ثبت و ضبط صنایع پالایشی و پتروپالایشی معنا پیدا می کند؛ زمان، هزینه و مدیریت از جمله عواملی هستند که بر ماحصل این پلن مهر تایید یا تکذیب خواهند زد. ماجرای که کلید استارت آن با ساخت و سازها با استفاده از سرمایه های مردمی در کشور زده شده است باید دید در چه قالب زمانی به خط پایان بهره وری خواهد رسید.

اما در عصر رسانس انرژی، باید به دنبال این خط فکری بود که مدیران در بخش دیگر ایده پروری یعنی پرورش انرژی های نو چند مرده حلاج هستند؟ آنچه که تاکنون محرز بوده حرکت دست به عصا در جایگزینی انرژی های نو به طوری محسوس دیده می شود. در یک قاعده کلی کشورهایی با طبعی نفتی به این راحتی ها نمی توانند انرژی های نو را جایگزین سوخت های فسیلی کنند؛ ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. هرچند یک حرکت جهانی و رو به رشد برای محقق کردن این ایده به راه افتاده است اما در ایران با حرکت دست به عصای وزارت نیرو و سایر ارگان های وابسته و ذی ربط باید گفت حداقل در خصوص ۵ هزار مگاواتی که بنا بود براساس برنامه ششم توسعه در بخش انرژی های نو ایجاد شود، شاید عمر برنامه مذکور برای محقق شدن آن قد ندهد. این درحالی است که اقصی نقاط کشور دارای پتانسیل های خاموشی برای ایجاد ظرفیت های نیروگاه های بادی و خورشیدی هستند، به تعبیری کم کاری که در این خصوص صورت گرفته باعث شده است تا شرایط آن گونه که باید برای پیشرفت دراین زمینه مهیا نشود. اما در محقق ساختن این برنامه بازم پای نفت و درآمدهای

رئیس پژوهش و فناوری شرکت مناطق نفت خیز جنوب: شرایط جوی بد و وجود گردوغبار استانی مانند خوزستان مانع از بهره برداری از انرژی خورشیدی می شود با این حال در حال تدارک تعریف پروژه هایی در این خصوص هستیم.

حاصل از فروش آن به میان می آید.

اواخر سال ۹۷ گفتگوی کوتاهی با رئیس پژوهش و فناوری شرکت مناطق نفت خیز جنوب داشتیم؛ «او می گفت شرایط جوی بد و وجود گردوغبار استانی مانند خوزستان مانع از بهره برداری از انرژی خورشیدی می شود با این حال در حال تدارک تعریف پروژه هایی در این خصوص هستیم.» این حرف شاید کمی با شواهد موجود در تعارض باشد، استان های نفت خیز با توجه به شرایط و موقعیت آب و هوایی که دارند می توانند خاستگاه مناسبی برای ساخت و ساز نیروگاه های خورشیدی و بادی باشند. براساس آمار موجود در ایران سالانه ۳۰۰ روز آفتابی وجود دارد؛ یک قابلیت ایده آل برای پرورش این نوع انرژی، اما از آن جایی که فقط به یک بعد توانایی این استان ها یعنی پمپاژ نفت و گاز از دل زمین توجه شده متاسفانه این امر در حاشیه قرار گرفته است.

باید ادعان کرد که هرچند در عدم وابستگی بودجه به نفت طی سال های اخیر نتیجه قابل قبولی حاصل نشد، تا اینکه ساختار جهانی به سمت و سویی سوق پیدا کرد که دیگر دوران طلایی نفت به گام های پایانی خود نزدیک می شود. بد نیست از همین تجربه استفاده کرد و در اپیزود بعدی یعنی شکل گیری رسانس انرژی و سرآمد شدن انرژی های نو، برنامه ریزی هایی کرد تا صنعت انرژی کشور از این کارناوال جا نماند. ضروری به نظر می رسد تا قبل از آنکه ماجرای نفت و وابسته بودجه به آن تکرار شود در خصوص توسعه انرژی های نو فکری اساسی کرد. امری که می توان با سرمایه گذاری های کلان تر و انجام طرح های مطالعاتی حتی با تخصیص مقداری از بضاعت نفتی در هر قالبی رویکردی تازه تر دراین اشل تعبیه کرد.

مشکلات عملیاتی برای از سرگیری تولید، شامل خوردگی، انسداد و نشستی ختم شود.

■ تعهدات قانونی و قراردادی، از جمله نوع پرداخت بهره مالکانه ثابت، تعهدهای ملزم‌کننده به تولید، قراردادهای ظرفیتی بیرون بر و از این جمله موارد، همه در تصمیم برای توقف تولید اثر دارند.

■ ممکن است برای دولت‌ها و شرکت‌های نفت ملی، امنیت عرضه باشد که در اولویت قرار دارد. برای آن‌ها اینکه بدون آسیب رساندن به مصرف‌کننده تصمیم به توقف تولید بگیرند دشوار است.

■ در خیلی از کنسرسیوم‌های پروژه‌ها به رضایت شریک احتیاج است. گاهی حتی حمایت متفق‌القول هم احتیاج است.

زیر زمین

■ هزینه‌های از سرگیری تولید: در چاه‌هایی که نسبت مایع به کل ماده استخراج شده بالا است و اصطلاحاً **water cut** بالایی بدون حمایت گاز وجود دارد به مداخله بیشتری برای آب‌زدایی و از سرگرفتن تولید احتیاج است. در چاه‌هایی که سن بیشتری دارند توقف تولید ممکن است به بهای کل سرمایه و شتاب گرفتن بدهی‌های اعراض منجر بشود.

■ عملکرد مخزن: بعضی از چاه‌ها، بسته به مدت زمان، در واقع از توقف تولید و یک فشار دوباره منتفع هم می‌شوند اما قابلیت زیست‌پذیری چاه‌های دیگر در دراز مدت ممکن است به مخاطره بیافتد.

روی زمین:

■ اثرات سطح بنگاه خیلی کلیدی هستند. این شامل پتانسیل صندوق‌های فایننس، تعهدات عرضه و خط لوله، وام رهنی تامین مالی از طریق وثیقه گذاشتن دارایی‌ها، قراردادهای خدماتی، مشارکت با هزینه‌های سربار، جایگاه نقدینگی بنگاه، تعهدات بازپرداخت بدهی‌ها و تصمیم‌های تعادل پورتفولیو می‌شود.

■ تصمیم برای توقف تولید ممکن است هزینه خیلی بالایی داشته باشد. هزینه اجرای تجهیزات، و هزینه از قبل رزرو کردن تجهیزات ممکن است تولیدکننده را از توقف تولید بازدارد. در خشکی جایی که تصمیم‌ها باید چاه به چاه گرفته شود تصمیم‌ها عموماً در سطح میدان گرفته می‌شود تا از انتقال هزینه‌های ثابت اوپک به گروه‌های کوچک‌تر چاه‌ها جلوگیری شود.

■ اگر ظرفیت مخازن نتواند عرضه اضافی را جذب کند، محدودیت‌های ذخیره‌سازی فیزیکی ممکن است تولیدکننده را مجبور به تصمیم توقف تولید بکند که این تصمیم تفاوت بیان شاخص‌های مختلف قیمتی را بسیار گسترده می‌کند (مثل اتفاقی که برای تفاوت دلبیو تی آی و برنت در هفته آخر آوریل افتاد)

■ در مناطقی که تامین‌کنندگان محلی و منطقه‌ای بخش مهمی از تولید هستند، اپراتور ممکن است انتخاب کند که به عملیات تولید ادامه بدهد.

■ دغدغه‌های غیر فعال کردن تجهیزات برای استفاده دوباره در آینده یا برای فروش، در مورد خط لوله‌ها و زیرساخت‌ها می‌تواند به بی‌شمار

چرا حتی وقتی قیمت نفت منفی می‌شود تولیدکنندگان چاه را خاموش نمی‌کنند؟

۱۰ چیز که حرفه‌ای‌ها باید درباره تصمیم توقف تولید نفت و گاز بدانند



نادی صوری
دبئی انرژی

بخش بالادست را با دقت تحت نظر داریم. تولیدکنندگان نفت و گاز طی چه مرحله‌ای به این نتیجه می‌رسند که تولید را متوقف کنند؟ این درست است که اقتصادی بودن یک دارایی ضروری است اما تنها فاکتوری محسوب نمی‌شوند که تصمیم توقف تولید را رقم بزنند. گرفتن این تصمیم‌ها دشوار بوده و گاهی زمان‌بر است. باید فاکتورهای مختلفی در نظر گرفته شود، از جمله مذاکره با عرضه‌کننده‌ها و پایین آوردن هزینه‌های تولید. به خاطر پیچیدگی‌هایی که ممکن است پیش بیاید، اتفاقاً ممکن است محصولی که کمترین توجیه اقتصادی را در سبد یک تولیدکننده دارد دقیقاً همانی نباشد که در این موقعیت تصمیم بر توقف تولید آن گرفته می‌شود. ۱۰ فاکتوری که در بالا دست نفت و گاز بر تصمیم توقف تولید اثر می‌گذارند:

چطور ممکن است وقتی قیمت نفت به سطوح بسیار پایین تاریخی می‌رسد باز هم خیلی از تولیدکننده‌ها، به ویژه آن‌هایی که نفت از ذخایر نامتعارف با هزینه‌های بالاتر تولید استخراج می‌کنند، دست از این کار نکشیده و به کار دیگری روی نمی‌آورند. باید گفت بخشی از مسئله به هزینه‌هایی برمی‌گردد که توقف کامل تولید به دنبال دارد. فریسر مک‌کی رئیس بخش تحقیقات بالادست وودمکنزی سعی کرده در مطلبی که ۲۳ آوریل در وبسایت این نهاد منتشر شده به این پرسش پاسخ بدهد. نکته جالب توجه اینکه وقتی به دنبال شناخت بیشتر از نویسنده مطلب اسم او را جست و جو کنید متوجه می‌شوید که سال ۲۰۱۶ هم وقتی قیمت‌ها در سطح پایینی قرار داشتند آقای مک‌کی درباره اثر این سطوح بر فعالیت بخشی از تولیدکنندگان نفت شیل در امریکا تحلیل‌های جالب توجهی که از عمق نگاهش حکایت دارد ارائه کرده بود. به هر حال مک‌کی مطلبش را این طور آغاز می‌کند: «عرضه جهانی نفت و گاز به خاطر افت شدید قیمت‌ها و به تبع آن افت سرمایه‌گذاری‌ها در مخاطره است.» تولید همچنین از سیاست‌ها و اقدامات دولت‌ها و شرکت‌ها برای کنترل شیوع ویروس کرونا نیز متأثر شده است. اختلال‌ها در زنجیره عرضه و محدودیت در تردد افراد در تصادم با استراتژی‌های اقتصادی هستند. هر چند عمق نهای این کاهش به اینکه وضعیت فعلی چقدر طول خواهد کشید بستگی دارد، ما این بار نسبت به سال ۲۰۱۶-۲۰۱۵ انتظار توقف‌های تولید و بسته شدن چاه‌های بیشتری را داریم. باید منتظر عددهایی که رو به پایین تجدید نظر می‌شوند باشیم. ما اثر ویروس کرونا بر سرمایه‌گذاری‌ها در

عرضه جهانی نفت و گاز به خاطر افت شدید قیمت‌ها و به تبع آن افت سرمایه‌گذاری‌ها در مخاطره است.» تولید همچنین از سیاست‌ها و اقدامات دولت‌ها و شرکت‌ها برای کنترل شیوع ویروس کرونا نیز متأثر شده است



ارتقای بهره‌وری کارکنان با رویکرد تلفیقی مهندسی و مدیریت

بهره‌وری کارکنان از عوامل و مولفه‌های مهم و تعیین کننده عملکرد و ساختار هزینه یک سازمان است و هر چقدر یک فرد بهره‌ورتر باشد، هزینه سازمان کاهش می‌یابد. چالش امروزه مدیریت منابع انسانی استفاده از روش‌های کارا و اثربخش جهت ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی است و شاید به همین دلیل، پیترو دراکر بهره‌وری کارکنان فرهیخته و آگاه را مهم‌ترین چالش مدیران در قرن ۲۱ می‌داند. بر این اساس، با هدف ارتقای بهره‌وری کارکنان، روش‌های نوین کارسنجی جهت سنجش دقیق کارایی کارکنان به همراه شاخص‌های کاربردی جهت تعیین مطلوب اثربخشی آنها در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته‌اند.



مهندس حمیدرضا
سهراب
مدیرعامل شرکت
مناوره و مهندسی
رایان پویا فر تاک

در طی چند دهه اخیر، اکثر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، به اهمیت موضوع بهره‌وری به عنوان یکی از مولفه‌های ضروری توسعه اقتصادی تأکید دارند و به منظور اشاعه آن، سرمایه‌گذاری‌های زیادی را انجام داده و یا در حال اجرا دارند. بطوریکه می‌توان گفت: پایه اصلی توسعه اقتصادی و فنی آنها بر مبنای توجه به موضوع بهره‌وری در واحدهای صنعتی و خدماتی می‌باشد. در این میان، یکی از اساسی‌ترین شاخص‌ها و مولفه‌های مهم بهره‌وری، "شاخص بهره‌وری نیروی انسانی" است که طبق پژوهش‌های انجام شده در طی دو دهه اخیر، بیش از نیمی از رشد تولید ناخالص داخلی در بین کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)، مربوط به رشد بهره‌وری نیروی انسانی می‌باشد. بر این اساس، اهمیت روزافزون سرمایه انسانی سبب شده است که نقش کمی و کیفی نیروی انسانی در سازمان‌های موجود در هر کشور بیشتر مورد توجه قرار گیرد. امروزه سازمان‌ها در محیطی پیچیده، پویا و رقابتی فعالیت می‌کنند. در چنین شرایطی آنها ناگزیر هستند سرمایه انسانی خود را مدیریت نمایند تا بتوانند به خوبی با چالش‌های محیطی مواجه شوند. با توجه به ماهیت عمومی منابع، یعنی کمیاب بودن، غالباً اساسی‌ترین

هدف سازمان‌ها، استفاده مطلوب و بهینه از منابع، جهت رسیدن به اثربخشی سازمانی است و مطابق بیان صاحب‌نظران، در بین تمامی منابع مورد نیاز سازمان، "زمان" و "نیروی انسانی" ارزشمندترین دارایی سازمان به شمار می‌روند. فلذا، از آنجایی که افزایش میزان بهره‌وری کارکنان یا به عبارتی کارایی و اثربخشی آنها، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های سازمان‌ها در شرایط موجود می‌باشد، می‌توان از روش‌ها و ابزارهای مختلفی از قبیل: پیاده‌سازی سیستم‌های کنترلی، پرداخت پاداش‌های نقدی، اعطای امتیازات غیرنقدی و اندازه‌گیری کار و زمان (کارسنجی) جهت افزایش بهره‌وری کارکنان استفاده نمود. چرا که مقوله بهره‌وری، مفهومی سیستمی است و دو مفهوم اساسی "کارایی و اثربخشی" را در بر می‌گیرد. همچنین، در مدل سنجش بهره‌وری ابوالحسن فقیهی (۱۳۸۹) ابعاد مختلف کارایی و اثربخشی مورد بررسی قرار گرفته است.

به صورت کلاسیک، جهت تعیین میزان کارایی کارکنان از روش‌های خوداظهاری و نظرات افراد مافوق استفاده می‌گردید که به دلیل دریافت نظرات شخصی، میزان خطای زیاد داده‌های جمع‌آوری شده و عدم امکان راستی‌آزمایی، در شرایط حساس و پیچیده سازمان‌های امروزی به هیچ وجه قابل اتکا و استناد نبوده و نمی‌توان از نتایج و تحلیل‌های آن بهره‌مندی

کسب نمود. همچنین، در شرایطی که از داده‌ها و اطلاعات ثبت شده در سازمان (History Data) استفاده گردیده است، عمدتاً نتایج مطلوبی در خصوص میزان کارکرد پرسنل حاصل نگردیده و اصطلاحاً، ثبت شرایط واقعی و داده‌های منتج شده از آن، با شرایط استاندارد همخوانی نداشته و انحراف زیادی مشاهده شده است. بر این اساس، از روش‌ها و تکنیک‌های نوین کارسنجی که بر مبنای اصول و محاسبات دقیق مهندسی انجام می‌گردند، بایستی استفاده نماییم که متناسب با نوع فعالیت واحدهای صنعتی و خدماتی، از قبیل: تولیدی، انبار، نت، توزیع و واحدهای ستادی، سیستم مناسب انتخاب شده و میزان کارایی پرسنل به صورت کاملاً دقیق محاسبه و تعیین گردد.

چرا که، ماهیت فعالیت‌های اجرایی

متنوع است و متناسب با نوع فعالیت که می‌تواند تکراری، متغیر، پارامتریک و حتی احتمالی باشد، بایستی از تکنیک کارسنجی موردنظر استفاده نمود تا علاوه بر دقت و صحت نتایج، از لحاظ اقتصادی نیز مقرون به صرفه باشد. به عنوان نمونه، در پروژه‌های کارسنجی که از این طریق در واحدهای صنعتی و خدماتی کشور به انجام رسیده است، میزان کارایی کارکنان واحدهای مختلف (با فاصله اطمینان ۹۵٪)، از ۲۰ تا ۵۰ درصد افزایش یافته است که در حوزه مدیریت منابع انسانی بهبود مطلوب و چشمگیری به شمار می‌آید. بنابراین، از طریق کارسنجی می‌توان علاوه بر محاسبه دقیق حجم کار پرسنل (حتی در شرایط متغیر و احتمالی)، میزان کارایی بخش‌ها و واحدهای مختلف سازمان را بدست آورد و متناسب با کمبود ظرفیت یا ظرفیت آزاد کارکنان، تعداد نیروی انسانی استاندارد و مورد نیاز سازمان را تعیین نمود. چرا که نه تنها نیروی انسانی مازاد بر نیاز سازمان، مخل ارتقای بهره‌وری است، بلکه نیروی انسانی کمتر از نیاز نیز منجر به مستهلک شدن شدید نیروی انسانی و کاهش بهره‌وری آنها می‌شود. از طرف دیگر، همواره این بحث در خصوص کارکنان سازمان مطرح است که علاوه بر ارتقای شاخص کارایی و افزایش میزان کار انجام شده، بایستی کیفیت انجام فعالیت‌ها مطلوب باشد و به عبارتی، کار قابل قبول انجام گردد که موید وجه دوم بهره‌وری، یعنی اثربخشی کارکنان است و براساس مقایسه خروجی‌ها با اهداف سازمان تعریف می‌شود که شامل شاخص‌های متعددی می‌باشد از جمله: میزان مسوولیت‌پذیری کارکنان (تعهد

و پیگیری در دستیابی به اهداف)، اخلاق کاری کارکنان (برخورد محترمانه و منصفانه با دیگران)، ارتباطات کاری کارکنان (برقراری ارتباط موثر و کارآمد با دیگران)، میزان اعتماد کارکنان (داشتن امنیت شغلی و رفتار صادقانه مدیران)، رضایت‌مندی کارکنان (تحقق انتظارات مالی و برخورد محترمانه افراد مافوق)، آموزش‌پذیری کارکنان (یادگیری یافته‌های جدید آموزشی در انجام وظایف) و میزان رضایت‌مندی مشتریان. با این وصف، یکی از مهم‌ترین و جامع‌ترین شاخص‌های اثربخشی، میزان مسوولیت‌پذیری کارکنان (تعهد و پیگیری در دستیابی به اهداف) است که مصادیقی از قبیل: اتمام کار به صورت مطلوب و صحیح، تلاش مفید جهت تحقق اهداف سازمان، انجام کارهای محوله با پشتکار حتی در حالات تعارض و ابهام، تحمل فشار زیاد کار و از دست ندادن تمرکز در شرایط تحت فشار را دارا می‌باشد. همچنین، مطابق مدل ارزیابی و رتبه‌بندی پرسنل (Ranking) که مدلی تلفیقی از شاخص‌های مختلف اثربخشی مطابق با پارامترهای منابع انسانی می‌باشد، می‌توان میزان اثربخشی کارکنان را به صورت کمی محاسبه نمود و در راستای ارتقای بهره‌وری از نتایج آن، بهره گرفت. بر این اساس، با عنایت به اینکه مطابق توضیحات مذکور، امکان محاسبه شاخص کارایی (از طریق کارسنجی) و شاخص اثربخشی (از طریق مدل رتبه‌بندی) برای تمامی کارکنان میسر می‌باشد،



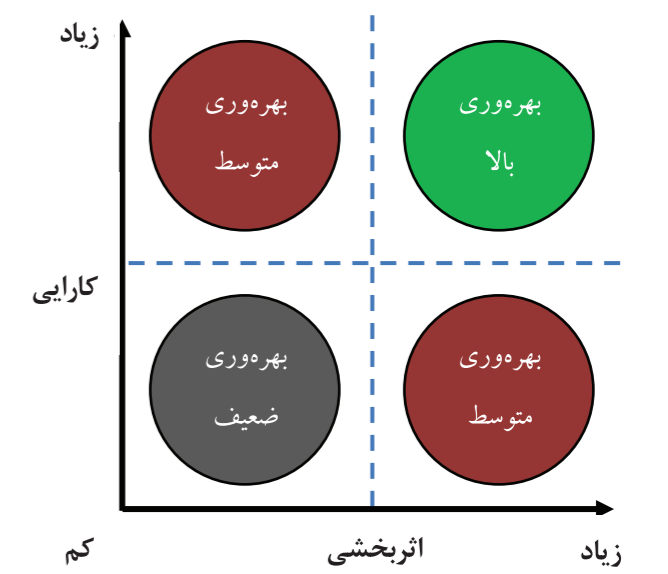
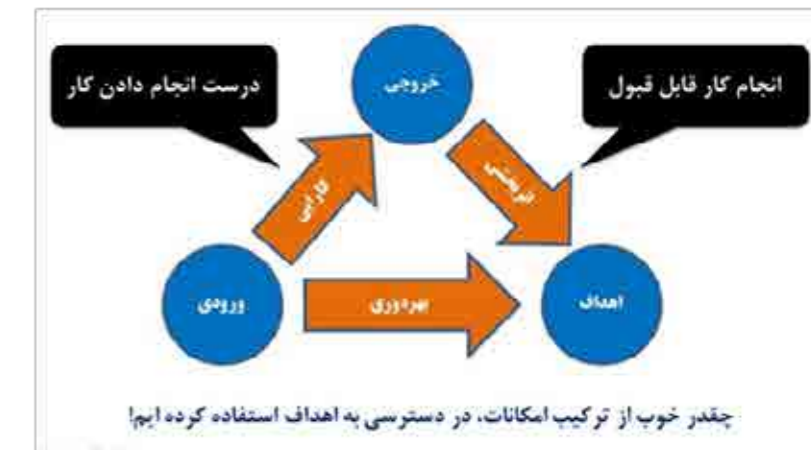
منافع عمومی اتحادیه اوپکس و لزوم مشارکت حداکثری اعضا



صنعت ایران در صورتیکه بخواهد سطح توسعه یافتگی خود را به کشورهای توسعه یافته برساند، سازوکاری جز ارتقای بهره‌وری نخواهد داشت و با توجه به شرایط حساس اقتصادی کشور، سازمان‌هایی موفق خواهند بود که ارزش حیاتی زمان و نقش راهبردی منابع انسانی خود را درک کنند

است که شامل مدل هرسی و گلد اسمیت (آچیو)، مدل کانن، مدل میوری اینسورث، مدل پروکونکو، مدل فقیهی و ... می‌باشد و هر کدام تعدادی عامل را به عنوان عوامل موثر مطرح نموده‌اند. بنابراین، شناسایی و تعیین عوامل موثر بر بهره‌وری نیروی انسانی در هر سازمان بایستی به صورت درون سازمانی (Customized) انجام شود که لازمه آن، پژوهش‌های میدانی، انجام مصاحبه و استفاده از ابزار پرسشنامه جهت جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز می‌باشد. در نهایت اینکه، مطابق با پژوهش‌های انجام شده و تجربیات و واقعیات جامعه، متاسفانه بهره‌وری نیروی انسانی در ایران نسبت به کشورهای توسعه یافته خیلی کمتر است پس لازم است تا مقدمات مورد نیاز برای بهبود بهره‌وری پرسنل در بین سازمان‌های ایرانی تهیه و تدوین شود که در راستای این امر، پیشنهادها ذیل مطرح می‌گردد: ایجاد فضای بهبود در سازمان و فرهنگ‌سازی جهت تغییر نگرش مدیران و کارکنان، تعیین میزان کارایی کارکنان و دپارتمان‌ها با استفاده از تکنیک‌های نوین کارسنجی، تعیین میزان اثربخشی کارکنان و دپارتمان‌ها با استفاده از مدل‌های تلفیقی رتبه‌بندی، تعیین تعداد نیروی انسانی استاندارد و مورد نیاز سازمان مطابق با نتایج بدست آمده، شناسایی و تعیین عوامل موثر بر بهره‌وری کارکنان سازمان (به همراه اولویت‌بندی آنها)، طراحی مدل پویا (Dynamic) جهت به‌روز رسانی نتایج با توجه به تغییرات احتمالی در آینده، سخن آخر اینکه صنعت ایران در صورتیکه بخواهد سطح توسعه یافتگی خود را به کشورهای توسعه یافته برساند، سازوکاری جز ارتقای بهره‌وری نخواهد داشت و با توجه به شرایط حساس اقتصادی کشور، سازمان‌هایی موفق خواهند بود که ارزش حیاتی زمان و نقش راهبردی منابع انسانی خود را درک کنند و با نگرش درست به این منابع، به توانمندسازی سازمان و موفقیت کسب و کار خود مبادرت نمایند که طبق نظر پیتر دراگر، مهمترین و تعیین‌کننده‌ترین عضو برای بهره‌وری سازمان، "مدیران" هستند.

می‌توان شاخص اثربخشی کلی کارکنان (OEE) را به تفکیک پرسنل و واحدهای سازمان محاسبه نمود و به عنوان مبنایی پویا جهت پایش میزان بهره‌وری کارکنان، دپارتمان‌ها و کل سازمان از آن استفاده نمود. این شاخص بایستی در شرایط مطلوب بالاتر از ۸۵٪ و در حداقل شرایط بالاتر از ۶۰٪ باشد. یکی از مقوله‌های مرتبط با بهره‌وری که برخی از سازمان‌ها با آن مواجه می‌شوند، چگونگی تعیین عوامل موثر بر بهره‌وری نیروی انسانی می‌باشد. بدین منظور، بایستی این نکته مهم را در نظر گرفت که بهره‌وری، فرآیندی پیچیده و چند بعدی است و برای اجرای موفق آن، باید پیش‌زمینه‌های لازم فراهم شود. به همین ترتیب، بهره‌وری کارکنان سازمان از عوامل و مولفه‌های مختلفی تاثیر می‌پذیرد و به عبارتی، عوامل موثر بر بهره‌وری نیروی انسانی در هر سازمانی متفاوت است و نمی‌توان یک الگوی عمومی و یا یکسری عامل از پیش تعیین شده و یا الگوبرداری شده از سازمان‌های دیگر را به صورت پیش فرض در نظر گرفت. به عنوان نمونه، عوامل متعددی توسط صاحب‌نظران و پژوهشگران حوزه مدیریت در زمینه بهره‌وری نیروی انسانی تعیین شده





محمد رضا مottaghi
کارشناس اقتصاد
و مدیریت

به اعتقاد کارشناسان اقتصادی، ریسک ویروس کرونا به حدی است که می توان آن را آغازی بر وقوع یک رکود در ابعاد جهان دانست. به طوری که افزایش بیکاری، تحمیل شوکهای سنگین به بخش عرضه و تقاضای نفت، لطمه به تجارت بین الملل و بسیاری مشکلات دیگر از نتایج آن است. متأسفانه تمامی تلاش ها برای ساخت دارو و واکسن این ویروس نیز تا به امروز غیر موفق بوده است ولی آنچه که تمامی کشورها به آن اذعان دارند و به عنوان یک اصل پذیرفته شده این است که مقابله با این مشکل صرفاً با همکاری همه کشورها انجام پذیر است و اگر یک عضو از این مجموعه در جلوگیری از شیوع بیماری، همکاریهای لازم را با دیگران نداشته باشد، آثار زیانبار آن دامن همه جهان را خواهد گرفت و به اتفاق متضرر خواهند شد.

این مقدمه کوتاه مطرح شد تا فتح بابی شود برای بیان یک نکته مهم و آن اینکه منافع حداکثری اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی تلاش هماهنگ و همه جانبه همه اعضا را می طلبد. اگر اعضا بخواهند خنثی عمل نمایند و صرفاً به دنبال استفاده از دسترنج نهایی کار باشند عملاً اتحادیه نمی تواند نتایج مفیدی ایجاد نماید. برای بسط این نظر در ذیل مطالبی مطرح شده است که امیدوارم مژمژم واقع شود: چند سوال: چرا بخشی از اعضا اتحادیه بابت حق عضویت

های خود بدهکارند؟ چرا بسیاری از شرکت ها حضور فعال و پر ثمری در کمیسیون های تخصصی ندارند؟ چرا افراد برای احراز پست هیات رئیسه کمیسیون ها نامزد نمی شوند و برای چنین کاری وقت نمی گذارند؟ چرا وقتی دبیرکل در باب مسائل مختلف از اعضا نظرات مشورتی میخواهد تعداد کمی از شرکت ها پاسخگو هستند؟ چرا تعداد کمی از شرکت ها با خریدن بسته تبلیغاتی در کمک به برپایی همایش به اتحادیه کمک می کنند؟ و در آخر اینکه چرا شرکت های عضو این اتحادیه در نمایشگاه صنایع پائین دستی حضوری فعال نداشتند؟ مجموعه این سوالات یک داستانی قدیمی را تداعی می کند که می گوید در روزگار قدیم پادشاهی از رعایای خودش خواست که هر فردی یک ظرف شیر در دیگی که به درب خانه اش می آورد بریزد تا آن را بین افراد فقیر تقسیم کنند. وقتی دیگ آماده شد شاه برای چشیدن طعم شیر درب آن را برداشت اما با دیگی از آب مواجه شد، چون تمامی رعایا با خیال اینکه نفر قبلی در دیگ شیر ریخته، به جای سهم خود آب ریخته بودند تا بتوانند هم در طرح شاه شرکت کنند و هم هزینه ای بابت آن نپردازند. برای تشریح این معضل و بررسی عواقب آن ابتدا باید دو موضوع را تعریف کرد:

کالای عمومی

کالایی که مصرف آن توسط یک نفر دسترسی و مصرف دیگران را

محدود نمی کند و نمی توان آن را به فردی تخصیص داد و شخصی دیگر را از استفاده آن مستثنی کرد.

بهره مندی بدون شراکت در هزینه

بدین معنا که فردی مطلوبیتش را با هزینه ای که دیگران متحمل شده اند حداکثر کند. حال فرض کنید شورای محله شما تصمیم گرفته مبلغی برای ساخت یک پارک جمع آوری کند (کالایی عمومی) و شما هم از پارک رفتن لذت می برید، اگر استدلال کنید که حتما بقیه همسایه ها در این کار مشارکت خواهند کرد و پول کافی جمع خواهد شد پس لازم نیست من پولی بپردازم و به نوعی از پرداخت سهم خود طفره بروید شاید در کوتاه مدت برنده باشید اما قطعاً در بلند مدت این گونه نخواهد بود و اگر روزی برسد که همه افراد این گونه استدلال کنند، اصلاً پارکی ساخته نمی شود. برای اثبات این مهم نیز فقط کافیست فرض کنید شما تامین کننده اصلی هزینه احداث این پارک هستید و دیگران از منافع آن بهره ایستاده اند به طور مفت و مجانی استفاده می کنند، چه حسی خواهید داشت؟ بالطبع تمایل شما هم برای پرداخت هزینه ها و مشارکت در فعالیت ها کاهش می یابد به همین دلیل است که این مسئله شدیداً در علم اقتصاد مورد توجه بوده و همواره اقتصاددانان در پی کاهش آن هستند به عبارتی بهره مندی بدون شراکت در هزینه افراد در جامعه در استفاده از کالاهایی که منافع عمومی دارد باید محدود سازی شود زیرا جدای از هزینه لازم برای تولید آن کالا و خدماتی که باید تامین شود نظام بازار نیز بهم می ریزد و تمایل افرادی که حاضر به کار جمعی هستند یا از وقت و زمان خود برای منافع عمومی صرف می کنند را کاهش می دهد. موضوع فوق توسط محققینی که در حوزه تئوری بازی ها فعالیت می کنند و سعی در پیش بینی رفتار افراد و اشخاص دارند مورد ارزیابی و آزمایش قرار گرفت و نتایج آن نیز در سال ۲۰۰۵ در مقالات مرتبط به چاپ رسید. شرح آزمایش چنین بود که محققین در این آزمایشات به تعدادی دانشجو نفری صد دلار دادند و گفتند می توانید هر قدر که دوست دارند به «صندوق عمومی» کمک کنند و مابقی را برای خودشان نگه دارند و قرار بود که در انتها آنچه که در صندوق ریخته شده را بین همان تعداد دانشجو بطور مساوی تقسیم کنند. پس بطور طبیعی اگر فردی مایل بود از این بازی سودی بیش از دیگران به دست آورد، باید کمتر از بقیه در صندوق پول می ریخت. در تکرار دوم آزمایش، طراحان بازی دوستان دلار در اختیار این افراد قرار داده و از آنها سوال کردند که چه مقدار به صندوق کمک کردید و اگر تمایل داشته باشید این فرصت را خواهید داشت تا مقدار کمک تان را تغییر دهید. بعد از اینکه این بازی چندین بار تکرار شد الگویی از رفتار در بین آنها ظاهر شد چون دانشجویان در طی بازی می فهمیدند که دیگران چه مقدار مشارکت داشته اند، پس می توانستند رفتارشان را مطابق با مشارکت دیگران تنظیم کنند. در کل آنان به سه گروه مشخص تقسیم

شدند: بهرمندان بدون شراکت در هزینه «مشارکت کننده ها» و «مقابله به مثل کننده ها». گروه اول که همیشه کم می دادند و زیاد می خواستند حدوداً ۲۰٪ بودند، مشارکت کننده ها یا افرادی که سخاوتمندانه به مشارکت ادامه می دادند هم حدوداً ۱۳٪ بودند ولی اکثریت با افرادی بود که مقابله به مثل می کردند یعنی رفتارشان متناسب با رفتار دیگر اعضا گروه تنظیم می شد، این گروه هم ۶۷٪ از دانشجویان را تشکیل می دادند. این تحقیق یک نکته مهم را یادآوری می کند و آن اینکه خوشبختانه اکثریت جامعه (۸۰٪) جز گروه هایی هستند که یا خودشان با روی باز و با اشتیاق همکاری می کنند یا نهایتاً مقابله به مثل کننده هستند. پس کفایت شرایطی را مهیا و مکانیسمی طراحی کرد که جمع اعضا به همکاری بیشتر تشویق شود در این صورت بجز گروه پیشرو که همیشه در حکم موتور یک جمع هستند و نیازی به تشویق هم ندارند، گروه اکثریت (مقابله به مثل کننده ها) نیز باید در حرکت دیگران فعال شده و مجموعه می تواند به نتایج بهتری دست یابد.

نتیجه و پیشنهاد:

تمامی منافع، دستاورد ها و نتایج حاصل از تعاملات بین این اتحادیه با دیگر سازمان ها اعم از بانک مرکزی، گمرک، وزارت صمت، وزارت اقتصاد و ... جز کالاهای عمومی محسوب می شود یعنی نمی توان یک شرکت را از دستاورد بدست آمده برای کل صنعت محروم و احیاناً شرکتی دیگر را کامیاب ساخت. اما می تواند جهت رفع این معضل مکانیسمی جدید برای حضور اعضا در اتحادیه طراحی نمود که در آن روشهایی جهت تشویق و تنبیه اعضا در همکاری یا عدم همکاری وجود داشته باشد تا حداقل، اعضا بخاطر تشویق های مادی و معنوی ایجاد شده همکاری بیشتری با جمع داشته باشند.

منافع حداکثری اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی تلاش هماهنگ و همه جانبه همه اعضا را می طلبد. اگر اعضا بخواهند خنثی عمل نمایند و صرفاً به دنبال استفاده از دسترنج نهایی کار باشند عملاً اتحادیه نمی تواند نتایج مفیدی ایجاد نماید.





چیزهای کمتر گفته شده درباره ماهیت قیمت نفت

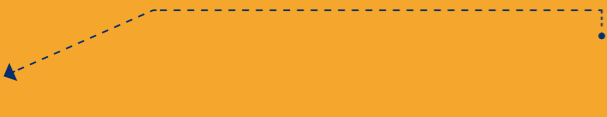
کمتر پیش می‌آید فکر کنیم اصلا «قیمت» چه معنایی دارد؟ وقتی مثلا این کیبورد که کلمات این گزارش با آن تایپ شده است ۲ میلیون تومان قیمت داشته باشد چه مفهوم دقیقی را نشان می‌دهد. خب ساده‌ترین معنایش این است که هم خریدار که من باشم رضایت داشتم که این مقدار پول را پرداخت کنم و هم فروشنده که آقای محمدی در پایتخت باشد رضایت داشته که مالکیت کیبورد را با دریافت این عدد خاص به من منتقل کند. حتما هم هر کدامان دو دو تا چهارتای خودمان را داشتیم تا ببینیم این عدد منطبق دارد یا نه؟ به وضع و اوضاع جیب خودمان نگاه کردیم، وضع اقتصادی شهر و کشورمان و حتی جهان، دلار را هم که حتما در معادلاتمان وارد کردیم. خب. با چنین تفاسیری چطور می‌شود تحلیل و تفسیر کرد وقتی از قیمت نفت و وقتی از منفی شدن یکی از قراردادهای فروش فیوچرز یا همان آتی نفت خام دلیلی تی آی در بازار نایمکس حرف می‌زنیم؟ .اینجا لازم است کمی درباره تفاوت ماهوی کالای استراتژیک با کالایی مثل کیبورد یا خودکار و کتاب بدانیم. کالای استراتژیک کالایی است که وقتی نباشد حیات و ممات یک کشور یا منطقه یا کل جهان به خاطر میافتد. بارزترین نمونه‌اش هم گندم است

که خیلی‌ها از جمله ایران تلاش می‌کنند هر طور شده در تولیدش خودکفا بشوند و از واردات بی‌نیاز. درباره اینکه نفت استراتژیک هست یا نه البته برخی ان‌قلت می‌آورند اما در کلیت وقتی به تلاش کشورها برای کم کردن واردات، متنوع کردن مبادی تامین و در نظر گرفتن نفت به عنوان یکی از مولفه‌های اساسی در تعیین سیاست خارجی نگاه کنیم سخت است که نفت را کالای استراتژیک تلقی نکنیم.

دکتر فریدون برکشلی کارشناس زبده نفتی بر این باور است که برای درک مفهوم قیمت در یک کالای استراتژیک مثل نفت، لازم است کمی به این فکر کنیم که «حرکت» تا چه اندازه به «انرژی» نیاز دارد. او می‌گوید: « فکر می‌کنم که همه پذیرفته ایم که هیچ چیزی بدون انرژی حرکت نمی‌کند. وقتی ماشین وارد چرخه اقتصاد شد، محرکه آن ذغال سنگ بود. ذغال سنگ منشا قدرت بود. اولین سندیکاهاى کارگری در انگلیس، سندیکاهای کارگران ذغال سنگ بودند. اولین اعتصابات کارگری در انگلیس هم از کارگران معادن ذغال سنگ شروع شد». در تعیین «قیمت» برای یک کالا، اینکه چه تعداد تولیدکننده اساسا توانایی تامین آن را دارند بسیار مهم است. در مورد نفت خام طبق آمار اداره

اطلاعات انرژی امریکا، بیشتر از ۷۰ درصد کل نفتی که در دنیا تولید می‌شود را ۱۰ کشور تامین می‌کنند. این به خوبی نشان می‌دهد تا چه اندازه با بازار خاص و متفاوتی طرف هستیم.

فریدون برکشلی این بازار و تحولاتش در چند دهه اخیر را این طور وصف می‌کند: « وقتی نفت وارد چرخه اقتصاد جهان شد، امنیت عرضه آن اهمیت پیدا کرد.برای دولت‌ها امنیت عرضه و اطمینان از جریان مستمر و کافی نفت تبدیل به یک محور امنیت ملی و استراتژیک بروز کرد. قیمت نفت در جهان قبل از ۱۹۵۱، یعنی زمانی که صنعت نفت ایران ملی شد، ۵۵ سنت در بشکه بود، با ملی شدن صنعت نفت ایران و خروج انگلیس از آبادان قیمت از مرز ۷۰ سنت گذشت. دولت انگلیس در آستانه سقوط قرار گرفت. این وضع در ۱۹۷۱ و تحریم نفتی اوپک برعلیه چند کشور هم تکرار شد. طبیعی است که چنین اتفاقی در مورد کالاهایی که مبدا تامین متعدد و متنوع دارند و یا می‌توان مصرف آنها را به تعویق انداخت، صادق نیست.» در مورد کالایی با چنین ماهیتی، گاهی ممکن است تولیدکننده حتی حاضر باشد از نظر اقتصادی سود چندانی هم نبرد اما سهم بازار را در آن حفظ بکند یا نیاز خود به واردات را کم بکند. این موضوعی است که در تحلیل رئیس واحد تحقیقات بالادست وودمکنزی هم مورد اشاره قرار گرفته است، اینکه یکی از دلایلی که با وجود افت شدید قیمت باز هم حتی تولیدکنندگان نفت شیل که هزینه تولید بسیار بالاتری از منابع نفتی متعارف مثل خاورمیانه دارد به آن شکل انتظار دست از تولید نمی‌کشند همین است که امنیت عرضه و تامین یک



در رقابت و کشاکشی که روسیه و امریکا بر سر بازار گاز اروپا دارند امریکا حاضر است به قول خودمانی از جیب هم خرج بکند اما سهم بازار را در آنجا برای خودش حفظ بکند چون گاز به خصوص در آینده نقشی خیلی کلیدی بازی خواهد کرد



کالای استراتژیک برای کشورهای مختلف جهان موضوع بسیار با اهمیتی است. این تا حدودی در بعضی از خصلت‌های بازار گاز هم صدق می‌کند، مثلا معروف است که می‌گویند در رقابت و کشاکشی که روسیه و امریکا بر سر بازار گاز اروپا دارند امریکا حاضر است به قول خودمانی از جیب هم خرج بکند اما سهم بازار را در آنجا برای خودش حفظ بکند چون گاز به خصوص در آینده نقشی خیلی کلیدی بازی خواهد کرد.





چرا شما به یک کارشناس تحلیل داده برای کسب و کارتان نیاز دارید؟

علم داده، قدرتمندترین ابزار برای به دست آوردن بازار



سوروش صالحین
دنیای انرژی

آیا شما همچنان برای پیشبرد کسب و کار خود به بازاریابی سنتی متوسل می‌شوید؟ درست است که بازاریابی سنتی سال‌های سال است که به عنوان ابزاری کارآمد برای داشتن درک درستی از بازار هدف به کمک مدیران، صاحبان کسب و کار و بازرگانان آمده است، اما در سال‌های اخیر، کسب و کارهای

زیادی، بالاخص آنهایی که در حوزه‌های بین‌المللی فعالیت می‌کنند و درگیر پیچیدگی‌های زیادی در داشتن برآوردی از بازار هدف خود هستند به استخدام کارشناسان تحلیل داده و علم داده روی آورده‌اند. علم داده و روش‌های هوشمند با جمع‌آوری داده‌ها و خوراندن آنها به کامپیوترها می‌توانند خدماتی را ارائه دهند که مخصوص شخص شما باشد. از پیشنهاد موسیقی گرفته تا نشان دادن تبلیغات مرتبط با نوع خاصی از ساعت‌های ورزشی که برای دوییدن‌های روزانه به دنبال آن می‌گشتید. اما مباحثی چون علم داده و کلان داده در حال حاضر و در کشورهای توسعه یافته دیگر تنها مختص شرکت‌هایی که به طور مستقیم در حوزه فناوری اطلاعات فعالیت می‌کنند نیست. از همین روست که هر سال تعداد دانشجویان این علم نیز به امید جذب در بازار کار جدیدی که برای این رشته باز شده است بیشتر می‌شود. تحلیلگران بازار و مدیران حالا بیش از هر زمان دیگری به اهمیت

داده‌ها پی برده‌اند و می‌دانند که استفاده از علم داده تا چه حد می‌تواند کسب و کارها را رونق ببخشد.

در سال ۱۳۷۸ گزارشگر خلاق فوتبال، عادل فردوسی پور، در زمانی که کمتر کسی به ارزش تحلیل آماری داده‌ها در حوزه‌های غیر مرتبط به ریاضیات و آمار علاقه نشان می‌داد پایان‌نامه خود با موضوع مدل سازی آماری پیش‌بینی نتایج رقابت‌های فوتبال را دفاع کرد. عادل فردوسی پور در پایان‌نامه خود تلاش کرده بود تا با کمی‌سازی تعدادی از پارامترهای دخیل در پیروزی و شکست تیم‌ها در لیگ برتر، روندی برای پیش‌بینی بازی‌های پیش‌رو را پیدا کند. او از تحلیل‌های مبتنی بر رگرسیون که اساس آن پیدا کردن ارتباط بین دو متغیر از جهت اینکه افزایش یا کاهش یکی چه تاثیری بر افزایش یا کاهش دیگری می‌گذارد استفاده کرده بود.

به طور مثال می‌توان به طور کلی رابطه‌ای مستقیم میان هزینه پرداخته شده برای خرید بازیکنان یک تیم با تعداد بردهای آن تیم در فصل آینده را بیان نمود. به این صورت که هر چه میزان این هزینه بالاتر باشد، آن تیم تعداد بردهای بیشتری به دست خواهد آورد. این روش آماری ساده می‌تواند دیدی از روند کلی را نشان دهد اما یک ضعف اساسی دارد و آن هم این است که در صورتی که ارتباط متغیرها خطی نباشد، استفاده چندان از آن نمی‌توان کرد. مثلا اگر بخواهیم ببینیم ارتباطی بین هزینه خرید بازیکنان

و قد آنها با برد تیم در فصل بعد وجود دارد یا خیر. ورودی جدید که اینجا قد بازیکنان است ممکن است ارتباط معنادار خطی‌ای با برد تیم نداشته باشد. در این حالت و با ورود یک سری داده جدید، همزمان که معادله پیچیده‌تر از آن می‌شود که بتوانیم با روش‌های سنتی آمار از آن نتیجه بگیریم. اینجاست که هوش مصنوعی به کار می‌آید زیرا ذهن ما نمی‌تواند الگوی مشخصی برای این مسئله پیدا کند.

با ورود اطلاعات مربوط به هزینه تمام شده برای خرید هر بازیکن و قد آن بازیکن و نتایج که آن تیم در فصل قبل گرفته، هوش مصنوعی به پیدا کردن الگویی بر اساس این اطلاعات می‌پردازد و نهایتا الگویی را که کمترین خطا را داشته باشد پیدا می‌کند. این الگو الزاما از هیچکدام از قوانینی که برای ذهن ما قابل فهم باشد پیروی نمی‌کند. مثلا می‌تواند شبیه به یک رابطه ریاضی درجه چندم باشد. در مرحله بعد و با ورود قد و هزینه انجام شده برای بازیکنان خریداری شده برای تیم در فصل جدید، هوش مصنوعی به ما جواب می‌دهد که این تیم در چند بازی پیروز خواهد شد. یکی دیگر از ویژگی‌های هوش مصنوعی این است که قابلیت یادگیری دارد یعنی هر داده جدیدی مانند یک درس جدید به هوش مصنوعی کمک می‌کند الگو را دقیق‌تر کشف کند.

البته که این پیش‌بینی‌ها مانند هر پیش‌بینی دیگری که توسط آمار و احتمالات انجام می‌شود الزاما دچار خطا هم هست، ولی مسئله این است که آنالیزورهای تیم‌های فوتبال حالا به ابزارهای بیشتری برای تصمیم‌گیری در خصوص مسئله مهم نحوه اختصاص هزینه برای فصل‌های بعدی مجهز هستند. این مثال برای فوتبال را می‌توان به تمام حوزه‌ها بسط داد. مثال دیگر آن این است که اگر شما صاحب سهامی باشید می‌توانید از این داده‌ها استفاده کنید. احتمالا تا حالا به مراتب دیده‌اید که نمودارهای مرتبط با سهام، نمودارهایی خطی نیستند. آنها شامل صعودها و نزول‌هایی هستند که با زمان تغییر می‌کند. رفتار درازمدت سهام تا حدود زیادی از یکسری روندها تبعیت می‌کنند، این روندها که وابسته به زمان نیز هستند از جمله مواردی است که توسط هوش مصنوعی و تحلیل‌های آماری قابل پیش‌بینی هستند. تحلیل داده‌ها می‌تواند به شما نشان دهد که با توجه به داده‌های قبلی، در زمان‌های مشخصی در آینده سود و زیان سهم چگونه تغییر می‌کند. تحلیل داده‌ها حتی فراتر از این موارد نیز رفته و برای پیش‌بینی بحران‌های جهانی آینده با استفاده از ورودی‌هایی که از داده‌های تاریخی به دست آمده‌اند، استفاده می‌شود. پتر تورچین، زیست‌شناسی است که به ارائه مدل‌های ریاضی برای استفاده از داده‌های تاریخی برای پیش‌بینی بحران‌ها و مشکلات دولت‌ها در جوامع بشری معتقد است و مقالات مهمی در نشریاتی مانند نیچر در این زمینه چاپ کرده. او اکنون یک موسسه‌ی تحقیقاتی بزرگ را مدیریت می‌کند که در آن با شبیه‌سازی کامپیوتری یک جامعه و تعریف پارامترهای مختلف مانند تحت تنش قرار دادن جامعه با

علم داده‌ها را می‌توان ابزاری مانند جام جهان‌نما دانست که نه تنها ارزیابی بادقتی از بازار داخلی محصول را می‌دهد بلکه کمک می‌کند تا صادرات یک محصول در یک بازار هدف با موفقیت انجام شود

توزیع زاد و ولد ناگهانی، به صورت مجازی اثرات آن را بر جامعه مشاهده می‌کنند. تحقیقات تورچین بر اساس کارهای شخص دیگری به نام جک گلدستون که قبل‌تر از تورچین با تعریف کردن شاخصی مانند «تنش سیاسی» که از حاصلضرب سه مولفه‌ی پتانسیل بسیج توده مردم، رقابت نخبگان و توان پرداخت دیون دولت بدست می‌آید، نشان داد که بسیاری از بحران‌های تاریخی در نتیجه بالارفتن این شاخص بوده است، او توانست ارتباط پارامتر «تنش سیاسی» را با بسیاری از انقلاب‌هایی که تاکنون در جوامع بشری رخ داده شناسایی کند و در نتیجه تحلیلی از آینده جامعه با رصد روند صعود یا نزول این پارامتر داشته باشد. گلدستون اکنون مشاور شورای ملی اطلاعات آمریکاست و همین نشان می‌دهد که دولت‌ها تا چه حد به قدرت تحلیل داده‌ها پی برده‌اند.

تمام این مثال‌ها نشان می‌دهند که داده‌ها چقدر می‌توانند برای کسانی که کسب و کاری را مدیریت می‌کنند حائز اهمیت باشند، مخصوصا اگر صاحب کسب‌وکار با دیدی صادراتی هستید. زیرا نه تنها داده‌هایی مانند تقاضا و قیمت تمام شده در این حالت تعیین کننده هستند بلکه وضعیت سیاسی کشور شما و کشور هدف نیز در صادرات کالای شما بسیار مهم است. با این تفاسیر پربیرا نیست که عصر حاضر را عصر طلایی داده‌ها نامیده‌اند. علم داده‌ها را می‌توان ابزاری مانند جام جهان‌نما دانست که نه تنها ارزیابی بادقتی از بازار داخلی محصول را می‌دهد بلکه کمک می‌کند تا صادرات یک محصول در یک بازار هدف با موفقیت انجام شود. شاید وقت آن است که در ایران نیز مانند کشورهای توسعه یافته شاهد کار کردن کارشناسان علم داده در حوزه‌هایی غیر از حوزه‌های مرتبط به فناوری اطلاعات مانند شرکت‌های بازرگانی باشیم، مخصوصا در شرایطی که صادرات از هر زمان دیگری پیچیده‌تر به نظر می‌رسد.

آینده صادرات فرآورده‌های نفتی



پرسابقونی
عضو هیات علمی
موسسه مطالعات
و پژوهش‌های
بازرگانی

تولیدات بی‌کیفیت این محصولات از موانع جدی توسعه صادرات فرآورده‌های نفتی است. تولیدکنندگان باید به نیاز شرکای تجاری و استانداردهای تولید فرآورده‌های نفتی توجه ویژه نمایند؛ چرا که مهم‌ترین نگرانی آن‌ها وجود ناخالصی‌هایی از جنس ترکیبات گوگردی است که زمینه‌ساز خوردگی تجهیزات موجود در خطوط تولیدی آن‌ها می‌شود. لذا لزوم توجه به این مهم نقش به‌سزایی در وضعیت صادرات

طی دهه‌های گذشته، ذخایر عظیم نفت و گاز و هیدروکربورها، نقش مؤثری در مسیر تحولات سیاسی و امنیتی کشور ایفا کرده است. مزیت اصلی ایران در تولید فرآورده‌های نفتی در میان کشورهای منطقه از دو جهت قابل بررسی است: مهم‌ترین مزیت ایران، داشتن حجم عظیم ذخایر

نفت و گاز و موقعیت جغرافیایی مناسب به جهت دسترسی به آب‌های بین‌المللی بوده، علاوه بر آن دسترسی آسان به بازارهای مصرف انرژی و بازارهای مصرف رو به رشد پیرامونی (از جمله پاکستان، ارمنستان، افغانستان و عراق) و همچنین برخی کشورهای آفریقایی از دیگر مزیت‌های این صنعت است. همچنین تولید فرآورده‌های نفتی متنوع در پالایشگاه‌های داخلی و صادرات آن‌ها به جهت ارزش افزوده بالای این محصولات و جایگزینی آن با صادرات نفت خام بسیار حائز اهمیت است. براساس آخرین آمار مرکز تجارت بین‌الملل، ارزش صادرات فرآورده‌های نفتی ایران در سال ۲۰۱۸ برابر با ۵/۱۵ میلیارد دلار بوده که نسبت به سال ۲۰۱۷ نرخ رشد ۶/۱۱ درصدی داشته است. بازار مصرف رو به رشد فرآورده‌های نفتی در مقاصد صادراتی، روند رو به رشدی را برای صادرات این محصولات رقم زده است. ولی باید به این نکته توجه داشت که توسعه صادرات فرآورده‌های نفتی در گرو عوامل مختلفی از جمله امکان و قابلیت حمل و نقل، کیفیت و تنوع محصولات تولیدی، قوانین و سیاست‌های حمایتی و امکان نقل و انتقالات مالی است.

بالا بودن هزینه حمل و نقل ناشی از ضعف زیرساخت‌های ارتباطی حمل و نقل، فرسودگی برخی تجهیزات شبکه و پشتیبانی حمل و نقل و عدم توجه لازم به ایجاد زیرساخت‌های لازم جهت بهره‌گیری از توانمندی‌های ترانزیتی و حمل و نقل کشور، اثرات منفی خود را بر صادرات فرآورده‌های نفتی خواهد گذاشت. کشور با توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل در زمینه نقل و انتقال فرآورده‌های نفتی به کشورهای همسایه و کشورهای متقاضی این فرآورده‌ها مانند چین می‌تواند تأمین‌کننده نیاز بازارهای هدف صادراتی بوده و ضمن گسترش روابط اقتصادی با شرکای تجاری، درآمد اقتصادی مطلوبی کسب نماید. عدم آشنایی کامل و دقیق صادرکنندگان با نیاز بازارهای هدف و بعضاً

می‌شود: توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل در بخش‌های مختلف هوایی، ریلی و زمینی، فراهم شدن زیرساخت‌های قانونی، ایجاد پایانه‌های صادراتی فرآورده‌های نفتی با هدف متمرکز نمودن خدمات صادراتی نظیر حمل و نقل، گمرک، بیمه، استاندارد و... بهبود کیفیت و رعایت استانداردهای تولید در سطح جهانی، متنوع‌سازی محصولات و بازارهای هدف صادراتی با شناسایی نیازهای شرکای تجاری. از این رو امید است که دولت و صادرکنندگان با اتخاذ سازوکارهایی دقیق این بازار را توسعه دهند. بازاری که هنوز امکان رشد آن وجود دارد و زیرساخت‌های لازم برای توسعه آن مهیاست. نفت و گاز فراوان، پالایشگاه‌های متعدد و کشتی‌بازارهای دور و نزدیک این فرصت را در اختیار کشور قرار داده و باید از آن نهایت بهره را برد.

فرآورده‌های نفتی دارد. یکی دیگر از مشکلات صادرات، تبادلات مالی و نقل و انتقال ارز است؛ گرچه این مشکل از قبل هم بوده ولی در شرایط تحریم ورود ارز به کشور را برای صادرکنندگان سخت‌تر کرده است. در این شرایط علاوه بر غیرقابل پیش‌بینی بودن ریسک‌های بازار برای تولیدکنندگان و صادرکنندگان، آن‌ها نمی‌توانند برای تولید محصولات متنوع و صادرات در افق بلندمدت برنامه‌ریزی نمایند؛ لذا به‌نظر می‌رسد تنظیم سیاست‌های حمایتی بر اساس شرایط تحریم و به اقتضای بازار، کمک قابل توجهی به آن‌ها در جهت تولید و صادرات نماید. به‌نظر می‌رسد عدم توجه به عوامل فوق در کنار مسائل سیاسی، مانع از رشد و توسعه صادرات فرآورده‌های نفتی کشور خواهد شد. لذا جهت توسعه صادرات فرآورده‌های نفتی اقدامات زیر توصیه



ساخت داخلی از طریق تبادل اطلاعات فنی، تولید و صادرات تجهیزات نفتی، تولید و صادرات نوآوری های نو در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی، کمک به ایجاد بازارهای جدید خارج از کشور جمهوری اسلامی ایران در راستای توسعه بازارهای هدف، ایجاد انگیزه جهت سرمایه گذاری بخش های مختلف خصوصی، تعاونی و دولتی، داخلی و خارجی در صنایع نفت و گاز، برگزاری کارگاههای آموزشی، برگزاری نشست های BYB و فراهم نمودن زنجیره تامین صنایع پایین دستی نفت و همچنین فراهم آوردن زمینه مناسب جهت تعاملات بین الملل از اهم فعالیت های انجام شده در این دوره از نمایشگاه بود. در این دوره از نمایشگاه شرکت های فعال در حوزه تولید و صادرات فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی، ساخت و صادرات تجهیزات نفت، خدمات فنی و مهندسی، شرکت های دانش بنیان، استارت آپ ها و همچنین بانک، بیمه و حمل و نقل حضور داشتند. آیین افتتاحیه این دوره از نمایشگاه در روز ۱۳ بهمن ماه در محل نشست های سالن ۷ و با حضور آقایان سلاح ورزی نایب رئیس اتاق بازرگانی ایران، حسین زاده مدیرعامل شرکت سهامی نمایشگاه های بین المللی تهران، رضا پدیدار رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی تهران، محمد ناصر مشاور مدیرکل روابط عمومی وزارت نفت، اعضای هیئت مدیره اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران، انجمن صنفی کارفرمایی پالایش نفت، انجمن سازندگان تجهیزات صنعت نفت ایران (استصنا)، انجمن سازندگان تجهیزات صنعتی ایران (ستصا)، انجمن شرکت های مهندسی و ساخت، انجمن شرکت های مهندسی و پیمانکاری نفت، گاز و پتروشیمی (اپک) و جمعی از مدیران عامل شرکت های حاضر در نمایشگاه و همچنین با حضور اصحاب رسانه، خبرنگاران و شبکه های تلویزیونی و رادیویی برگزار شد که بازتاب آن در رسانه ملی، خبرگزاری ها و روزنامه ها منتشر گردید. در مراسم افتتاحیه این دوره از نمایشگاه آقایان محمدناصری رئیس شورای سیاست گذاری نمایشگاه، دکتر سید حمید حسینی عضو هیئت مدیره اتحادیه اوپکس، دکتر حسین زاده مدیرعامل شرکت سهامی نمایشگاه های بین المللی ایران و دکتر سلاح ورزی نایب رئیس اتاق بازرگانی ایران سخنرانی نموده و در خصوص لزوم برگزاری نمایشگاه توسط بخش خصوصی و تداوم برگزاری آن صحبت نمودند. همچنین بعد از مراسم افتتاحیه بازدید از هر دو سالن توسط مقامات حاضر و اعضا هیئت مدیره اتحادیه اوپکس در نمایشگاه صورت گرفت. نمایشگاه در طول مدت چهار روز میزبان مقامات و مسئولین عالی رتبه کشوری بود که آقایان فلاحیان معاون برنامه ریزی وزیر نفت، صادقی نیارکی معاون صنایع وزیر صمت، دکتر عالی معاون وزیر صمت و رئیس سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، زادبوم معاون وزیر صمت و رئیس سازمان توسعه و تجارت ایران، حسین زاده مدیرعامل شرکت سهامی نمایشگاه های بین المللی ایران، رضایی دستیار ویژه مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش، قاسمی ده چشمه معاون سابق مدیرعامل شرکت ملی پخش،



جلسه با اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

طی جلسه با آقای خوانساری رئیس اتاق بازرگانی تهران مورخ ۹۸/۱۱/۰۵ اتحادیه درخواست نمود، به جهت حمایت از صادرات کشور در شرایط حساس کنونی تریبی اتخاذ گردد تا بانک مرکزی میزان بازگشت ارز حاصل از صادرات صادرکنندگان در سال ۱۳۹۸ را همانند سال گذشته نسبت به ارزش پایه صادراتی اعلامی از سوی گمرک با ۲۰٪ کاهش محاسبه و در تعهدات ارزی منظور نماید همچنین با توجه به کسب رتبه دومین تشکل خصوصی سراسری ایران از سوی جناب آقای خوانساری پیشنهاد شد، یک **seat** به صورت ثابت در شورای تشکلهای در اختیار اتحادیه قرار گرفته شود. در خصوص مشکلات مالیات بر ارزش افزوده از سوی اتحادیه پیشنهاد شد، جهت تسهیل در امور صادراتی امکان استفاده از ضمانت نامه بانکی به جای پرداخت نقدی مالیات ارزش افزوده فراهم گردد.

برگزاری نمایشگاه بین المللی صنایع پایین دستی نفت، گاز و پتروشیمی ایران

گزارشی از: محمد هادی ابراهیمی، کارشناس ارشد روابط عمومی اتحادیه اوپکس
اولین نمایشگاه صنایع پایین دستی نفت روز یکشنبه مورخ ۱۳ بهمن ماه در محل دائمی نمایشگاه های بین المللی تهران افتتاح شد. با توجه به آمار و گزارش های جمع آوری شده از طریق روابط عمومی اتحادیه، این نمایشگاه در فضایی به متراژ ۳۰۰۰ متر و با حضور ۷۵ شرکت داخلی در دو سالن ۶ و ۷ برگزار گردید. این نمایشگاه که با محوریت بخش خصوصی و حمایت ارگان ها و سازمان های ذیربط شکل گرفته بود در اولین دوره خود توانست به عنوان مهم ترین رویداد تخصصی در صنعت پایین دستی نفت نام بگیرد. افزایش ارتباط و آگاهی فعالان بخش نفت، گاز و پتروشیمی از بازار صنایع پایین دستی نفت، گاز و پتروشیمی و خدمات آن، ارائه توانمندیهای داخلی در حوزه های تولید و صادرات فرآورده های نفتی و کمک به تقویت توان

زمستانه اوپکس

اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت گاز و پتروشیمی ایران در زمستان ۱۳۹۸ شاهد رویدادهای مهمی در توسعه تولید و صادرات فرآورده های نفتی بود. چهاردهمین همایش سالانه اتحادیه اوپکس، اولین نمایشگاه صنایع پایین دستی نفت و دیدار هیئت مدیره اتحادیه با وزیر محترم نفت از جمله این رویدادها می باشد.

محصول قیر است که تفاوت فاحشی میان تولید، فروش و صادرات آن است. زنگنه یکی از راهکارهای که در جهت کاهش مشکلات ناشی از سهمیه بندی و قاچاق صورت پذیرفته، تخصیص کد رهگیری به محصولاتی است که خوراکشان فرآورده ای نفتی بوده است عنوان کرد. چراکه به گفته وزیر نفت، تشخیص فردی همواره فسادآور بوده و باید برای جلوگیری از قاچاق، از استانداردها کمک بگیریم. در برخی مواقع تشخیص منشا مجاز صحیح است اما در نهایت باز هم سردرگمی ایجاد می کند. در کنار این موضوع باید مشخص شود که هر کارخانه ای چه محصولی را می تواند تولید کند. یعنی در کنار مشخص بودن منشا خوراک، باید تولیدات کارخانه نیز معین باشد. برای مثال تولید کننده ای که مازوت دریافت کرده، در نهایت گازوییل صادر می کند. زنگنه همچنین با تأیید این خواست اعضای هیئت مدیره اتحادیه که تعداد استانداردها باید کاهش یابد، گفت: مشکلی با کم کردن تعداد فرمولاسیون های استانداردسازی به میزان قابل توجه نداریم البته چون مشکل تولیدکنندگان بخش خصوصی است، اتحادیه باید این پیشنهاد را بدهد و ما تأیید خواهیم کرد. اما در هر حالت باید تعیین شود هر واحد تولیدی دقیقا چه محصولی را تولید می کند و ورودی و خروجی کارخانه ها مشخص باشد. زنگنه در پاسخ به دلیل تعلل در بنیانگذاری نهاد رگولاتوری گفت: رگولاتوری که مد نظر شورای رقابت است، مورد قبول ما نیست چراکه شورای رقابت می خواهد اختیارات با آن ها بوده اما مسئولیت با وزارت نفت باشد که این درست نیست. اما در مجموع وجود رگولاتوری در صنعت نفت ضروری است چراکه در برخی قسمت ها شاهد انحصارطلبی هستیم که باعث اختلال در بازار می شود. و به گفته وزیر نفت، وظیفه رگولاتوری جلوگیری از انحصار و ایجاد رقابت سالم در بازار است و وظیفه دیگری ندارد. در این خصوص وزارت

نفت پیشنهادی برای تشکیل رگولاتوری به شورای رقابت داد که مورد قبول این نهاد واقع نشد. در نتیجه باید قانونی برای تشکیل نهاد رگولاتوری تصویب شود که همه ملزم به اجرای آن باشند. همچنین در این نهاد حضور وزارت نفت باید کم رنگ باشد ولی پالایشگاه ها و بخش خصوصی در این نهاد نباید عضوی داشته باشند. در مجموع باید گفت که خصوصی سازی بدون رگولاتوری غلط است و این دو موضوع باید با هم پیش برود. در این دیدار موضوعاتی که مورد بحث و بررسی قرار گرفت به صورت مصوبه تنظیم گردید و مقرر گردید جلسات کارشناسی متعددی با معاونین وزیر برگزار گردد و مشکلات فعالین پایین دستی نفت و فرآورده ها در حوزه تولید و صادرات آسیب شناسی گردد. این مصوبات در شش بند به قرار ذیل می باشد:

- ۱- اعلام رسمی قیمت ماهانه نفت خام عرضه شده به پالایشگاههای کشور.
- ۲- برای کنترل "اسناد منشا" کالای صادراتی، ورودی نفت خام پالایشگاهها و گاز در پتروشیمی ها نیز در سامانه ثامن ثبت شوند.
- ۳- ورودی واحدهای هیدروکربوری با خروجی فرآورده همخوانی داشته باشد و همه اسناد خرید و صدور کالا در سامانه ثامن ثبت و کنترل گردد.
- ۴- وزارت نفت بر قیمت گذاری فرآورده های ویژه توسط پالایشگاهها نظارت کند و توصیه نماید که پالایشگاهها و بورس ضوابط را رعایت نمایند.
- ۵- خصوصی سازی بدون ایجاد رگلاتوری معنا ندارد و وزارت نفت نیز آماده همکاری با شورای رقابت جهت راه اندازی سازمان رگلاتوری مستقل و بی طرف است و از آن استقبال می کند.
- ۶- توقف فروش ریالی در بورس انرژی، اخذ ضمانت نامه صندوق ضمانت صادرات از اعضا اتحادیه درقبال خرید از بورس انرژی و همچنین واریز ارز به حسابهای شرکت نفت در خارج از کشور پس از صدور کالا.



چانه زنی در مناسبات بین المللی در فضای پر آشوب و پرتنش کنونی، رهاورد دیگری است که از افزایش سطح تعاملات سازنده با حوزه صنایع پایین دستی نفت جهان حاصل خواهد شد.

دیدار با وزیر نفت

یکی از رویدادهای مهم اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران که با اولین نمایشگاه پایین دستی نفت در بهمن ماه مصادف شد، دیدار وزیر نفت با هیئت رئیسه اتحادیه در وزارت نفت بود. در این دیدار وزیر نفت ضمن موافقت با کاهش تعدد فرمولاسیون های ثبت شده در خصوص محصولات پایین دستی، یکی از مهم ترین راه کارهای اجرا شدن اصولی خصوصی سازی را تاسیس نهاد رگولاتوری عنوان کرد. در این نشست هر یک از اعضای هیئت مدیره اتحادیه به بیان مشکلات جاری و ساری در حوزه تولید و صادرات فرآورده های نفتی پرداختند و زنگنه با اشاره به سیاست های آن وزارتخانه در خصوص توسعه صنعت پایین دستی نفت گفت: باتوجه به اهمیت و ضرورت تکمیل زنجیره ارزش فرآورده های نفتی، سیاست وزارت نفت نیز بر توسعه و حمایت از این صنعت است. در این بین حضور بخش خصوصی در صنعت پایین دستی نفت می تواند منافع دو سوپه ای را ایجاد کند که هم سودآوری را برای فعالان این بخش تضمین کند و هم در کنار فعالیت های وزارت نفت به تکمیل زنجیره ارزش محصولات نفت خام بیانجامد. اما مسئله اصلی در این میان، یارانه ای بودن عرضه فرآورده های نفتی است که کار را دشوار ساخته به نحوی که متاسفانه در برخی موارد زمینه را برای قاچاق این فرآورده ها نیز فراهم می آورد. از این رو در دولت طرحی را تصویب کردیم که صادرکنندگان ملزم به ارائه منشا دریافت خوراک خود باشند. چراکه امر فساد و قاچاق در فرآورده های نفتی به دلیل یارانه ای بودن این محصولات، اجتناب ناپذیر است. یکی از مواردی که به شدت این امر خودنمایی می کند،

فتحی معاون اقتصادی و توسعه رقابت مرکز ملی رقابت، خوانساری رئیس اتاق بازرگانی تهران، پدram سلطانی عضو شورای عمومی فدراسیون جهانی اتاق های بازرگانی، علیخانی معاون استان ها و تشکل های اتاق ایران، کواکبیان نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی ایران، محمدی سازمان حمایت، ملکی مدیر امور تشکل ها و مسئولیت های اجتماعی اتاق تهران، حسین بلند میاب معاون رسیدگی و استرداد سازمان مالیات بر ارزش افزوده کشور، شیرمحمدیان اتاق بازرگانی ایران، نماینده ارشد بازرگانی روسیه در ایران و جمعی از ریزن های بازرگانی سفارتخانه ها، رؤسای اتاق های مشترک بازرگانی، عضو ارشد اتاق بازرگانی لندن و مدیران عامل شرکت های عضو اتحادیه و پالایشگاه ها و پتروشیمی های کشور از این نمایشگاه بازدید نموده و با حضور در غرفه اتحادیه در خصوص برگزاری نمایشگاه، توانمندی های بخش خصوصی و همچنین مشکلات تولید و صادرات فرآورده های نفتی بحث و گفتگو کردند. در مدت برگزاری این رویداد، دعوت به حضور در نمایشگاه در دوره های آتی، شرایط همکاری رسانه ای، ایجاد تفاهم نامه دوسویه، منابع و مآخذ قابل انتشار در نشریه و سایت در شرکت ها و نهادهای نفتی شناسایی و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در روز آخر نمایشگاه نیز مراسم اختتامیه با حضور آقایان خوانساری رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، پدram سلطانی عضو شورای عمومی فدراسیون جهانی اتاق های بازرگانی، اعضای هیات مدیره اتحادیه اپیکس و سایر مقامات برگزار شد که در انتها مراسم به شرکت های برتر لوح تقدیر ارائه گردید. توانمندسازی بخش خصوصی، توسعه صادرات فرآورده های نفتی و کسب دانش و بومی سازی تجهیزات صنعت نفت به همراه ایجاد مقدمات تعاملات بیشتر و همکاری های گسترده در صنعت پایین دستی نفت در عرصه بین الملل هدفی است که در این جهت دنبال می شود و بدون شک در بطن نمایشگاه صنایع پایین دستی نفت بیش از هر بخش دیگری امکان بروز خواهد داشت. پررنگ تر شدن جایگاه جمهوری اسلامی ایران در عرصه های اقتصادی و افزایش امکان



بخش خصوصی

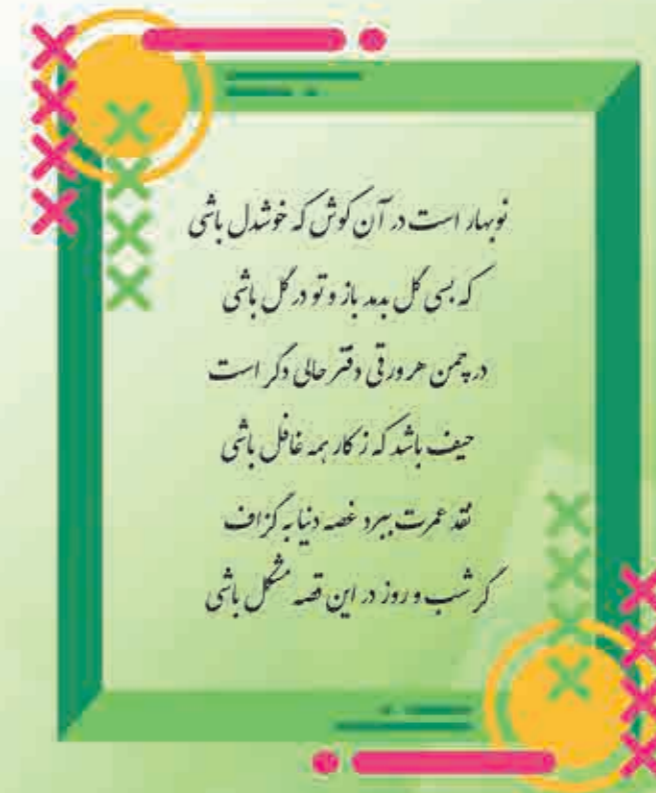
کیمیای سعادت

وزارت نفت

پیام مهندس ابوالقاسم هاشمی رئیس هیات مدیره اتحادیه اوپکس

و کارشناسان و همچنین دو تن از معاونین نهاد ریاست جمهوری توانست فضای اولیه و مناسبی را در نشست با وزیر محترم نفت ایجاد نماید و ماحصل این همایش، مهر تاییدی بر درست انگاری دولت و وزارت نفت در باورپذیری به کارآمدی اعضای اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفتی در تامین منافع ملی نشانده. همچنین نشست اعضای هیئت مدیره اوپکس با جناب آقای زنگنه و معاونان محترم، توانست هم اندیشی و هم افزایی نظرات شخص اول وزارت نفت را با این اتحادیه به یک جریان موازی رهنمون سازد. وزیر محترم در این نشست با سعه صدر و حوصله مشکلات واحدهای تولیدی و صادراتی را مورد بحث و بررسی قرار داده و مصوبات خروجی این نشست خواهد توانست زمینه همکاری های مفیدی در فعالیت های نفتی و توسعه تولید و صادرات فرآورده ها برای اعضای اتحادیه اوپکس باشد. اولین نمایشگاه صنایع پایین دستی نفت که به همت و تلاش هیئت مدیره قبلی مراحل اخذ مجوز آن صورت گرفته بود با تدبیر هیئت مدیره کنونی و شورای سیاست گذاری در بهمن ماه برگزار شد و نوید بخش اعتماد دولت به بخش خصوصی تجهیزات، مهندسی، تولید و صادرات نفت و فرآورده های نفتی در تکمیل زنجیره ارزش افزوده صنعت معظم نفت خواهد بود. در شرایط بحرانی و تحریم هایی که از هر سو بر پیکره اقتصاد کشور وارد آمده است امید است تدبیر و امید بخش خصوصی خصوصاً در حوزه تولید و صادرات فرآورده های نفتی بتواند تصدی گری مضاعفی را در فعالیت های اقتصادی کشور به این بخش فراهم کرده و در تعامل با دولت و وزارت نفت در تصمیم سازی ها و تصمیم گیری های اقتصادی و نفتی کشور زمینه مشارکت حداکثر را ایجاد نماید. در پایان آرزو مندیم سال ۱۳۹۹، سال گذر از مشکلات، بحران ها و ایجاد تعاملات بین المللی بوده و سالی سرشار از موفقیت و پیروزی برای اعضای محترم اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت گاز و پتروشیمی ایران باشد.

اگرچه سیطره خام فروشی نفت در طی سالیان بر اقتصاد کشور چمبره زده و دولتها نیز به تاسی از اسلاف خود به این رویه دامن زده اند اما حداقل در طی یک دهه گذشته و با بالندگی بخش خصوصی در ایجاد ارزش افزوده به نفت استخراجی، و به مدد دانش و تلاش بخردانه این بخش، نفت به عنوان یک کالای استراتژیک از تسلط خام فروشی به تولید و صادرات مجموعه ای از فرآورده های نفتی تبدیل شده و توانسته در رویکرد تامین منافع ملی کشور نقش مهمی را ایفا کند. سرمایه گذاری فعالان اقتصادی بخش خصوصی همسو با بدنه دولتها در امر تجهیزات و مهندسی صنعت نفت ایران و به تبع آن فعالیت واحدهای تولیدی در تولید و صادرات انواع فرآورده های نفتی اعم از فرآورده های قیر، روغن پایه، روغن سوخت تقطیری، پارافین، هیدروکربن و مهمترین آن صنعت پتروشیمی توانست فضای کسب و کار صنعت نفت ایران را به یکی از اشتغال زا ترین و پرسودترین فعالیت های اقتصادی تبدیل نماید. امروزه دولتها با توجه به حجم مبادلات ارزی ناشی از صادرات کالاهای نفتی، به خوبی دریافته اند که باید بخش خصوصی را به عنوان موتور محرکه و کارآمد در برابر تحریم زدایی به رسمیت شناخته و مسیری که پیش از این با آزمون و خطاهای متعددی مواجه بود به طی طریق بهره وری کشاند و حصول این نیت جز با هم اندیشی و هم افزایی بین وزارت نفت، پالایشگاه ها، صنایع بالادستی، میان دستی و پایین دستی تحقق نخواهد یافت. سال ۹۸ را می توان سالی پربار برای اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران اطلاق کرد، برگزاری چهاردهمین همایش سالانه اتحادیه، برگزاری اولین نمایشگاه صنایع پایین دستی نفت و دیدار هیئت مدیره اتحادیه با وزیر محترم نفت که هر یک در ابعاد خود حاوی نتایج پرباری برای توسعه بخش خصوصی فراهم کرد. چهاردهمین همایش سالانه اتحادیه با محوریت آینده صادرات در تنگنای چالش های داخلی و بین المللی با سخنرانی اندیشمندان



OPPEX



**اتحادیه صادرکنندگان
فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران**



چنین باید کرد

پیام دکتر فرزاد گلچین نایب رئیس اتحادیه اوپکس

سال نود و هشت اگر چه با پیامدهای ناگوار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی توأم بوده و هر یک از این جریانات به وضعیت تولید، صادرات، تجارت و معیشت جامعه تأثیری منفی گذاشته است اما به نظر می رسد شرایط بسیار نامساعد کنونی باید دولت‌مردان را نسبت به استحاله ای در همه ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ترغیب نماید چرا که ادامه این روند کنونی در سال کنونی نیز، اقتصاد کشور را به مسیری نامنتهی خواهد کشاند. در این میان اعضای اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران اگر چه با دشواری های مختلف و متفاوتی در تولید و صادرات فعالیت های خود مواجه بوده اند اما چند رویداد مهم توانست در میان فضای ناامید کننده و یاس آلود اقتصادی، بارقه هایی از امید به آینده ای درخشان را پیش رو به نمایش گذارد. چهاردهمین همایش سالانه اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفتی در حالی برگزار شد که در ماهیت و ساختار هر ساله خود تغییراتی انجام داده بود. شورای سیاستگذاری این همایش در جلسات متعدد با تغییر در عنوان و فحوای کلام سخنرانان و شیوه سخنرانی همایش های قبلی، همچنین مدیریت زمان همایش، توانست همایشی مقبول و با خروجی بسیار مناسب برگزار نماید. سخنرانان همایش چهاردهم نیز منطبق با موضوعات درگیر فعالان اقتصادی در حوزه نفت و انرژی سخن به میان آورده و به اذعان اکثریت مدعوین، همایش چهاردهم تفاوتی درخور و مثبت با دوره های قبلی داشت. رویداد دوم، برگزاری اولین نمایشگاه پایین دستی نفت در بهمن ماه بود که مرهون تلاش هیئت مدیره قبلی در اخذ مجوز و همت هیئت مدیره کنونی و شورای سیاست گذاری نمایشگاه بود که در طی چهار ماه جلسات فشرده توانست برگزاری مطلوبی را از این نمایشگاه راهبری نماید. اگر چه برگزاری این نمایشگاه با شرایط بحرانی سیاسی و اقتصادی کشور روبرو شد و فضای نمایشگاهی از چهار سالن به دو سالن تقلیل یافت اما حضور چندین معاون وزیر، روسا و معاونین اتاق بازرگانی ایران و تهران و ... و بازدید چند ساعته از غرفه ها و شنیدن رودرروی مشکلات اعضا، توانست اهمیت این رخداد نمایشگاهی را بسیار مضاعف نماید. در این

خصوص حضور تشکل ها و انجمن های خصوصی صنعت نفت از استصنا، اپک، ستصا، شرکت ملی پالایش و پخش و انجمن کارفرمایان پالایشگاهی توانست آرای واحد ای در تثبیت و احقاق موجودیت صنایع پایین دست نفت را به منصف ظهور برساند. اولین نمایشگاه صنایع پایین دستی نفت با همه کاستی ها و مشکلاتی که در برگزاری بهینه داشت و در اولین تجربه خود نیز کاملاً طبیعی بود اما آغازگر و طلایه دار مسیری روشن و توانمند برای بخش خصوصی صنایع نفتی خواهد بود و نهال کنونی با درایت، اندیشمندی، هم اندیشی و هم افزایی انجمن ها و تشکل های خصوصی حوزه تجهیزات، مهندسی، تولید و صادرات نفت و فرآورده های نفتی به درخت تنومند و پر بار مبدل خواهد شد. اما یکی از رویدادهای مهم که در زمان برگزاری نمایشگاه پایین دستی نفت انجام شد نشست هیئت رئیسه اتحادیه با وزیر محترم نفت و معاونان بود که نشان از توجه و رصد فعالیت های این اتحادیه توسط بدنه وزارت نفت است. به نظر می رسد این خاستگاه، مرهون برگزاری منظم همایش ها، نمایشگاه صنایع پایین دستی نفت و تولید و صادرات مقبول اعضای اتحادیه در حوزه فرآورده های نفتی است که توانست منجر به هم اندیشی با عالی مقامان وزارت نفت گردد. این نشست شامل مصوبات بسیار مفید برای اعضای اتحادیه خواهد بود و امید است روند برگزاری چنین نشستهایی در سال های آینده نیز مقدر و گردد و اتحادیه اوپکس بتواند با نظرات، پیشنهادهای و راه حل های خود در مسیر توسعه صادرات و تصمیم سازی ها و تصمیم گیری های وزارت نفت سهمی را ایفا نماید. امیدواریم سال ۱۳۹۹ سال اصلاحات اساسی در افکار سیاسی اقتصادی و بین المللی کشور گشته و سقوط جهانی قیمت نفت و بیماری همه گیر ویروس مگر بار کرونا شرایط موقتی داشته و پس از سالها مسیر شکوفایی اقتصادی کشور هموار گردد.

کرونا، سقوط قیمت جهانی

نفت و صادرات فرآورده های نفتی

همزمانی پیامدهای شیوع ویروس کرونا، سقوط بی سابقه قیمت جهانی نفت و تغییرات و تصمیمات لحظه ای در عرصه داخلی و بین المللی، آثار و تبعات زیانبار خود را در حوزه تولید و صادرات فرآورده های نفتی به فعالان اقتصادی کشور تحمیل نموده است. اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت گاز و پتروشیمی ایران به عنوان تشکل خصوصی صادراتی برتر کشور نیز با توجه به ضرورت و نیاز کشور به ارزآوری از این حوزه اقتصادی، با ارسال نامه های متعدد به دفتر ریاست جمهوری، سازمان توسعه و تجارت، وزارت راه و شهرسازی، وزارت نفت، اتاق های بازرگانی ایران و تهران و سازمان امور مالیاتی کشور پیشنهاد و راه حل های قابل اجرایی در جهت کاهش مشکلات صادرکنندگان فرآورده های نفتی داده است:

■ با توجه به اعمال محدودیت های سختگیرانه در مرزهای کشور پیشنهاد می گردد تردد کالاهای صادراتی و وارداتی در کشورهای همسایه از جمله ترکیه، عراق و افغانستان به طور عادلانه و دو جانبه تعریف گردد.

■ زمان ارائه گزارش خرید و فروش فصلی سه ماهه چهارم ۱۳۹۸ از سوی مودیان فعال در حوزه تولید و صادرات تا ۱۵ خرداد سال جاری تمدید گردد.

■ محاسبه ارزش های گمرکی جهت حمایت از صادرکنندگان با توجه به سقوط جهانی نفت و شیوع کرونا از اسفند ۹۸ اعمال گردد. چرا که تعهدات ارزی که از اسفند ۹۸ از صادرکنندگان فرآورده های نفتی دریافت شده به هیچ عنوان قابلیت اجرایی ندارد. عدم تسریع در این موضوع باعث از دست رفتن بازارهای محدود صادراتی و توقف فعالیت صادراتی در حوزه فرآورده های نفتی خواهد شد.

■ با توجه به تعطیلی یا کاهش فعالیت واحدهای تولیدی و صادراتی و عدم امکان دسترسی سریع به اطلاعات مورد نیاز برای شرکت ها، زمان تسلیم اظهارنامه مالیاتی تا پایان شهریورماه ۹۹ تمدید گردد.

■ اعمال بخشودگی ۱۵ درصدی مالیات عملکرد ۱۳۹۸ به شرط تسلیم به موقع اظهارنامه توسط مودیان مالیاتی.

■ بخشودگی کامل بیمه سهم کارفرما و بخشودگی هزینه برق و گاز واحدهای

اداری و تولیدی در بازه زمانی اسفند تا اردیبهشت سال جاری.

■ اعطای وام بانکی کم بهره به شرکتهای خوش حساب در حوزه نفت و فرآورده های نفتی.

■ اعمال ۲۰ درصد تخفیف از ارزش پایه صادراتی اعلامی از سوی گمرک در محاسبه تعهدات ارزی صادرکنندگان در سال ۹۸ در جهت حمایت از صادرات کشور در شرایط حساس کنونی توسط بانک مرکزی.

■ کلیه تسهیلات ارائه شده تنها در صورتی به شرکتها و واحدهای تولیدی و صادراتی تعلق گیرد که نیروی انسانی شاغل خود را تعدیل ننموده باشند.

■ الزام کلیه پالایشگاه ها به فروش خوراک به واحدهای صنایع پایین دستی با ال سی ریالی.

■ ایجاد فوری نهاد تنظیم گر رگولاتوری در صنعت نفت و گاز و پتروشیمی، به منظور تأثیر سریع تغییرات قیمت های جهانی نفت به کلیه صنایع پایین دستی و جلوگیری از ایجاد رانت در بخش های میانی

با پیگیری مطالبات اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفتی و نحوه بازگشت ارز حاصل از صادرات در سال ۹۹ اعلام شد: «بسته سیاستی نحوه بازگشت ارز حاصل از صادرات در سال ۱۳۹۸ و نحوه رفع تعهدات ارز صادراتی سال ۱۳۹۷ صادرکنندگان» برای سال ۱۳۹۹ تمدید شده است، به طوری که نحوه بازگشت ارز حاصل از صادرات سال ۱۳۹۸، همانند سال ۱۳۹۸ و نحوه رفع تعهد ارزی سال ۱۳۹۸ با رعایت شرایط اعلامی برای سال ۱۳۹۷ خواهد بود.

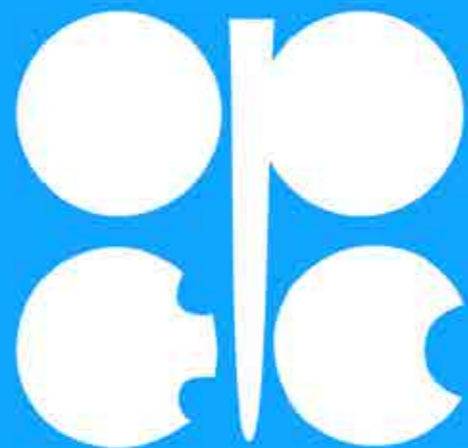
همچنین صادرکنندگان به منظور بهره مندی از هرگونه نرخ صفر و معافیت های مالیاتی و نیز استرداد مالیات و عوارض موضوع ماده (۱۳) قانون مالیات بر ارزش افزوده، تا پایان تیرماه سال ۱۳۹۹ مهلت دارند نسبت به ایفای تعهدات ارزی صادراتی سال ۱۳۹۸ خود اقدام کنند. خاطر نشان می شود، تمام صادرکنندگان کالا و خدمات می بایست مطابق با

مصوبات هیأت وزیران و شورای عالی هماهنگی اقتصادی ارز حاصل از صادرات خود را به چرخه اقتصادی کشور بازگردانند. موافقت شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا با تمدید مهلت تسلیم اظهارنامه مالیات عملکرد ۹۸ مشاغل

در پی درخواست نمایندگان اصناف و فعالان اقتصادی، سازمان امور مالیاتی پیشنهاد ارائه اظهارنامه های مالیاتی عملکرد ۱۳۹۸ صاحبان مشاغل را از ۳۱ خرداد ۱۳۹۹ به ۳۱ تیر ۱۳۹۹ به شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا ارسال و این درخواست مورد تأیید شورا قرار گرفته است.

ف لذا پس از اعلام رسمی سازمان امور مالیاتی، موعده مقرر برای تسلیم اظهارنامه مالیاتی عملکرد سال ۱۳۹۸ صاحبان مشاغل [از خرداد ماه] پایان تیر ۹۹ مقرر خواهد شد.

The Problem With OPEC's Production Cut



Market Movers

- While the market waits for the critical OPEC+ production cut deal to kick in, early data on OPEC's April production suggests that it hit 13-month highs in April—30.25 million bpd. That 30.25 million bpd is a month on month increase of 1.61 million bpd. The largest increases were from Saudi Arabia and the UAE, which produced 11.3 million bpd and 3.85 million bpd respectively. For Saudi Arabia, this is a record. The new production cut deal goes into production on May 1, and the OPEC MOMR showing official April production data will be published on May 13, to which the market will react with falling prices. Between May 1—when the production cuts are set to begin—and the report, look for OPEC members to attempt to calm markets by providing interim production insights to highlight the action they are taking to reduce production. In reality, it will be difficult for countries to come up with such a sharp decrease in production that would start immediately on May 1, given the high volumes OPEC kicked out in April. - Last week, as we detailed, Chevron and Halliburton were forced to wind down operations in Venezuela after the U.S. refused to extend sanctions waivers. And this week, more change is afoot, with Maduro replacing Manuel Quevedo - the now-former Energy Minister and PDVSA head - with two new figures. For the PDVSA head, Maduro chose the first cousin of Hugo Chavez, Asdrúbal Chávez, who had served on the Citgo board until he was ousted by Maduro's opposition last year. For oil minister, Maduro chose an alleged drug trafficker, El Aissami. PDVSA documents this week also showed the state-run oil giant is considering bringing in private oil companies to operate and even own oil assets as the country struggles to regain some lost sway in the oil markets.- The United States

oil industry is hemorrhaging. With most oil companies pumping at an expense that far surpasses the current price of WTI, some shale companies—such as Whiting and Diamond Offshore Drilling—have already filed for bankruptcy, and hundreds more may follow. The Trump Administration was looking for publicly palatable ways to extend lifelines to the oil industry without it being seen as a bailout. The first step was to make available storage space to nine oil companies. The problem, however, is far greater than freeing up oil storage space. On Thursday, the Federal Reserve changed the rules surrounding its Main Street Lending program to allow larger companies to tap the funds, to waive the requirement that a company be in good standing as of March 2020 and to allow the funds to be used to refinance existing debt—a clear win for the oil industry that for the most part, has been shut out of these funds. - A week ago, all the grand-standing coming out of Washington was that Trump could potentially impose a crude import ban as a fleet of Saudi tankers approached with some 40 million barrels of oil to dump on the market. This is a problem for Trump, who is under pressure to take a stance with the Saudis, which he has avoided doing so far. This Saudi oil is essentially a direct action against the U.S. shale patch, and if it reaches the shore, there will be a problem—but everyone has now gone quiet on this oil now.

Discovery, Development & Deals

- The biggest disappointment on the discovery scene this week (or this year) is an abrupt slap in the face to Lebanon's long-awaited dreams of getting in on the East Mediterranean hydrocarbon bonanza—the same Levant Basin power that Israel now holds in this massively contested offshore hotspot. French Total SA

came up dry in its first well drill. Total leads the international consortium for Block 4, with a 40% interest. Italian Eni also has a 40% interest, with a 20% interest for Novatek. The well was completed on April 26th, reaching a depth of 4,076 meters. While it found traces of gas, the well failed to encounter a reservoir in the Tamar formation, thus missing its main objective.- ADNOC (the Abu Dhabi National Oil Company), and ADPower (the Abu Dhabi Power Corporation), have issued a joint tender for the development and operation of the MENA region's first high-voltage, direct-current, HVDC, subsea transmission system. The system will connect ADNOC's offshore production facilities to ADPower's onshore grid with the most advanced technology.

Earnings & Cuts

- BP announced a \$4.4 billion net loss in Q1 2020, citing supply and demand shocks. This compares to a \$2.9 billion after-tax profit in Q1 2019. BP's Q1 production fell 2.8% to 3.7 million bpd. Q2 will see additional production outages. BP reaffirmed its intention to sell its \$5.6 billion Alaska-based Hillcorp business as part of BP's \$15 billion divestment program.- Three of China's oil majors—CNOOC, PetroChina, and Sinopec—are slashing capex to the tune of \$19 billion for 2020, including for international projects. That China is moving away from its rigorous pump at almost any cost strategy to sustain its oil habit is particularly telling as to just how hard the coronavirus has hit oil demand and oil prices. - Shell cut its dividend for the first time since the 1940s, reducing it by 66% to 16 cents a share after first-quarter profit fell by nearly half. The company also suspended the next tranche of its share buyback program. New measures could save Shell almost \$30 billion this year. Shell added after the quarterly results that the pandemic would change the oil industry forever. - ConocoPhillips said it would cut 35% of its total output by June compared to 2019 production levels, after losing \$1.7 billion in Q1. This is the second production cut the company announced in the last couple of weeks. ConocoPhillips is now expecting to cut a total of 460,000 bpd by June. - Oilfield services companies with a presence in Alaska have announced layoffs in the state, including

Baker Hughes, Schlumberger, Halliburton, and Peak Oilfield Services. - Mexico's Pemex has come up with a plan to save between \$4 billion and \$5 billion over the next couple of months as the sting of the coronavirus eats away at oil majors all over the world. Part of its cost-cutting will come from reducing travel for its personnel and the suspension of medical expense reimbursements. - Norway's government has proposed a temporary tax break to support the oil and gas industry with measures that would provide \$10 billion of liquidity in 2020-21. The companies would be allowed to write-off investments more quickly, effectively postponing tax payments for years. Norway will also be reducing crude oil production by 250,000 bpd in June, and then maintaining a 134,000-bpd lower rate of production for the rest of the year. - Chevron is cutting its 2020 capex by \$2 billion. It is the second spending plan cut in a bit over a month. The capex targets for 2020 are now 30% lower than their original plan for this year. - Exxon shocked markets with a surprise loss of \$610 million for Q1—it is the first quarterly loss since its merger in 1999. Exxon announced it would cut its spending by one-third, to just \$23 billion.

Politics, Geopolitics & Conflict

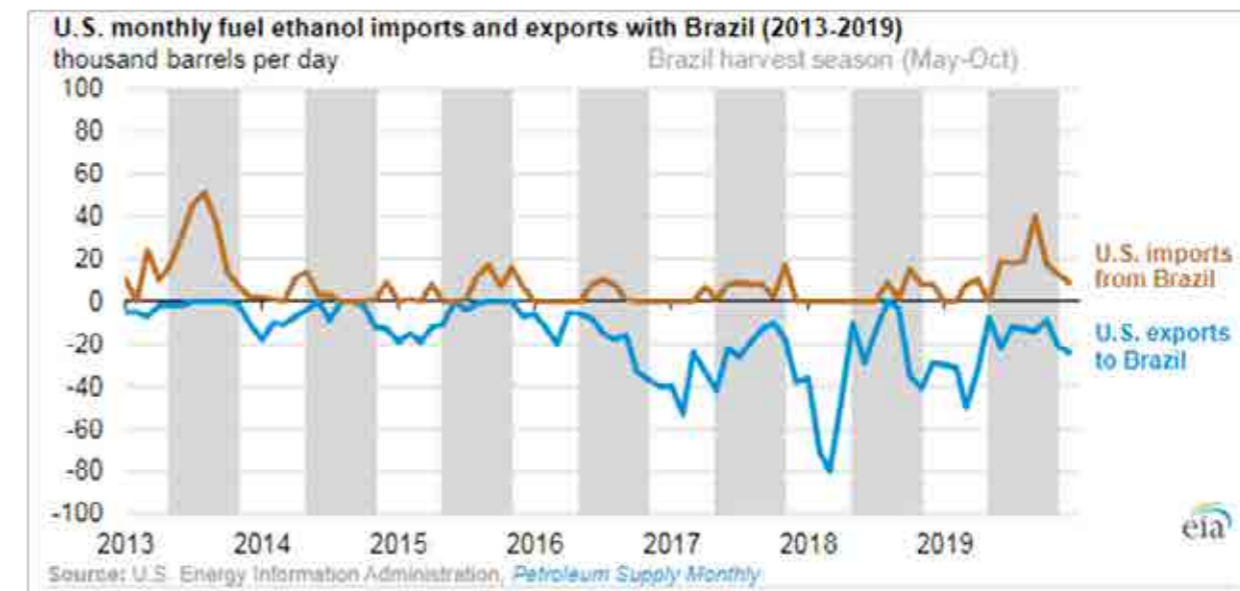
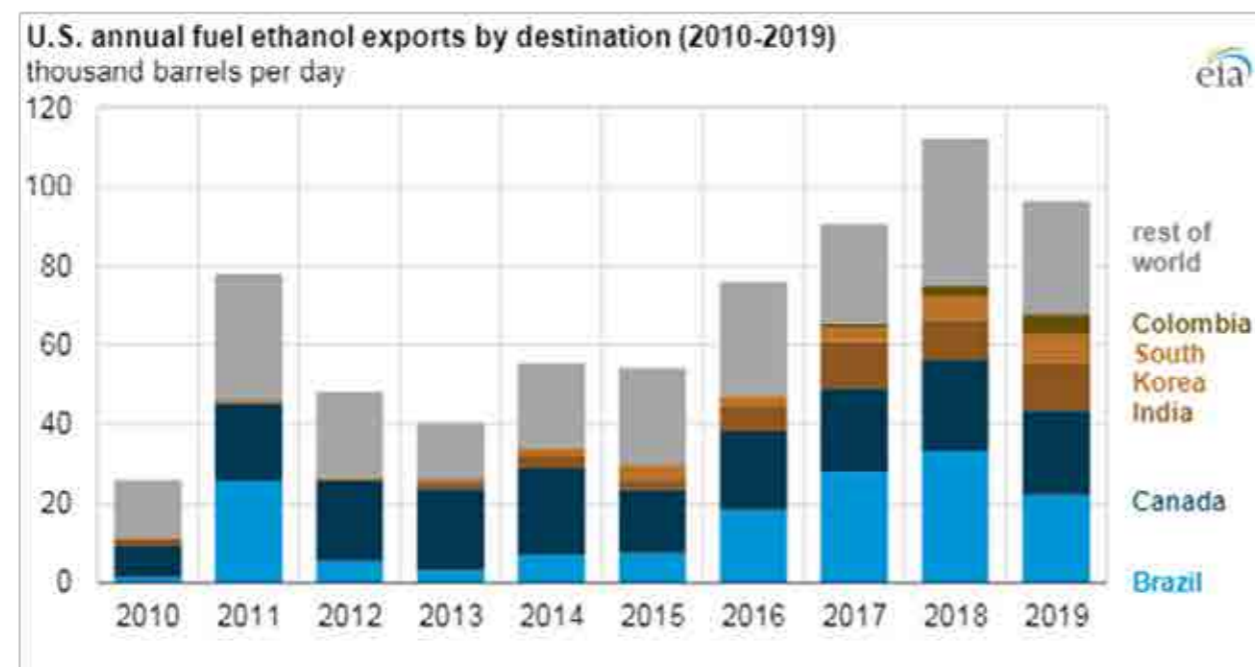
- Libyan militia commander Khalifa Haftar has ordered his troops to halt operations during the Muslim holy month of Ramadan, though the Government of National Accord (GNA) has not publicly agreed to a ceasefire on its end, which is more an issue of trust at this point. The past few weeks have seen an uptick in sporadic violence in Tripoli and indiscriminate shelling of medical facilities by Haftar's LNA forces. Overall, the GNA will view Haftar's Ramadan ceasefire as buying time to regroup and resupply. But the general has also lost important territory outside the capital, despite his declaration on Monday of a "popular mandate" to assume control of Libya as a whole. Haftar's declaration was not well received among his usual external supporters. Haftar is losing his footing and his Monday declaration was a desperate, failed attempt to regain control after what appears to be a split with the authorities in the east, who have been putting together plans for reconciliation with the GNA.



Ethanol exports fell for the first time in four years in 2019

The United States exported 96,000 barrels per day (b/d) of fuel ethanol in 2019, the first annual drop in U.S. ethanol exports since 2015. Despite the decrease, total exports remained at the second-highest level on record. The United States exported more fuel ethanol than it imported in 2019, the 10th year in a row as a net

exporter. U.S. fuel ethanol exports fell by 14% in 2019 even though the number of export destinations increased from 34 destinations in 2018 to 39 destinations in 2019. Nearly half of all ethanol was shipped to Brazil and Canada, despite these countries decreasing their imports of U.S. ethanol by 34% and 5%, respectively. Brazil, the



world's second-largest producer and consumer of fuel ethanol, decreased imports of U.S. ethanol for the first year since 2015, dropping to 22,000 b/d in 2019 but still accounting for nearly one-quarter of all U.S. ethanol exports. Ethanol consumption in Brazil is driven largely by a fuel ethanol blending requirement, which is currently set at 27%, and demand for hydrous ethanol (E100) that competes with traditional gasoline blends. Ethanol in Brazil is primarily produced from sugarcane, and as a result, it is seasonally driven by the sugarcane harvest period from May through October. Brazilian imports of U.S. ethanol typically peak in between harvest seasons. The United States and Brazil are trade partners for fuel ethanol, and the United States also imports Brazilian fuel ethanol, especially during its sugarcane harvest season. The United States substantially increased its sugarcane ethanol imports in 2019 to a total of 13,000 b/d, up 9,000 b/d from 2018 levels, all of which were sourced from Brazil. U.S. ethanol imports from Brazil all entered the United States in the West Coast region (Petroleum Administration for Defense District 5), likely driven by increasing standards in California's Low Carbon Fuel Standard (LCFS) and the LCFS's favorable carbon intensity scores for Brazilian sugarcane ethanol relative to domestic corn ethanol sources. In early 2018, between sugarcane harvest seasons for Brazil's domestic

ethanol industry, substantial price discounts of U.S. ethanol relative to Brazil's ethanol led to monthly record-high levels of U.S. fuel ethanol exports to Brazil. In early 2019, some of those inter-period harvest price advantages for U.S. ethanol exports to Brazil remained, although at a lower level compared with 2018. U.S. exports to Brazil reached nearly 3 million barrels in the first three months of 2019 (equivalent to 37,000 barrels per day), which was 40% lower than the record level set in the first quarter of 2018. U.S. ethanol exports remained elevated despite Brazil's extension of the 20% tariff levied on U.S. ethanol (for volumes higher than the equivalent of 1 million barrels) through September 2019. The tariff quota was again increased in September 2019 to allow for a limit of 750 million liters (about 5 million barrels) per year through 2020. Canada remained the second-largest destination for U.S. ethanol, importing nearly 22,000 b/d in 2019, largely unchanged from the volumes imported during the past few years. Canadian demand for U.S. fuel ethanol is driven by regional ethanol requirements for gasoline across Canadian provinces, which range between 5.0% and 8.5%. The third-largest destination in 2019 for U.S. ethanol was again India at 12,000 b/d, followed by South Korea and Colombia. The remaining 34 countries received approximately 30,000 b/d of U.S. ethanol exports.

ExxonMobil Reports First Quarterly Loss Since 1999

ExxonMobil reported a surprise first-quarter loss on the back of hefty write-downs amid the oil price plunge, posting its first quarterly loss since the 1999 merger of Exxon and Mobil. Exxon booked a loss of \$610 million for the first quarter of 2020, compared to earnings of \$2.4 billion for the first quarter of 2019, slipping into a quarterly loss for the first time in more than two decades, as low oil prices weighed on asset valuations. Exxon's loss was the result of a \$2.9 billion charge from identified items, reflecting non-cash inventory valuation impacts from lower commodity prices and asset impairments. At the beginning of April, the U.S. supermajor said it was making a 'significant reduction' to its capital expenditure (capex), slashing investments for 2020 by 30 percent, to around \$23 billion, down from the previously announced capex of some \$33 billion. Exxon will also cut its cash operating expenses by 15 percent, driven by deliberate actions to increase efficiencies and reduce costs. Exxon's oil-equivalent production rose

by 2 percent year on year to 4 million barrels per day for Q1 2020. Permian production grew 20 percent from the fourth quarter of 2019 and jumped by 56 percent from the first quarter of 2019, Exxon said today. Exxon, like the other U.S. supermajor Chevron and unlike some European rivals such as Shell and Equinor, will be preserving cash for the dividend. Yesterday, Shell slashed its dividend for the first time since World War II to preserve cash and value in a highly uncertain macroeconomic environment. Commenting on Exxon's Q1 results, its chairman and CEO Darren Woods said: "COVID-19 has significantly impacted near-term demand, resulting in oversupplied markets and unprecedented pressure on commodity prices and margins." "While we manage through these challenging times, we are not losing sight of the long-term fundamentals that drive our business," Woods added. "Our company remains strong and we will manage through the current market downturn as we have for decades," Exxon's boss said.



This Historic Crash Will Create A New Era For Energy

In the last couple of months, the global energy industry has been flipped on its head. As the novel coronavirus pandemic ravaged economies around the world, the energy industry took a particularly brutal hit, made infinitely worse by an oil price war between the leading OPEC+ countries of Saudi Arabia and Russia. In the severe global crude oil glut that ensued, oil supply soon threatened to overtake available worldwide storage capacity, plunging the West Texas Intermediate crude price well below zero, in a historic upset that sent serious shockwaves through global markets. The severity of this oil price crash and pandemic panic means that 'business as usual' is no longer an option. The global energy sector is at a historic crossroads in which some big, world-altering decisions will have to be made and unprecedented international collaboration will be essential in order to stabilize markets. Until now, there has never been a disruption to the status quo large enough to enable any serious re-thinking of the way we power our world, but coronavirus has given us that unthinkable pause. A report this week from the World Economic Forum highlights this unique opportunity, positing that "the crisis offers an opportunity to consider a new energy order to enable the energy transition in a sustainable way." Critics of fossil fuels and Big Oil have been overpowered and drowned out by the momentum of the machine and the unshakable inertia of business-as-usual. Maybe an apocalyptic global pandemic is what it takes to truly divest from fossil fuels and redirect the sector. "Though this is the worst possible way to begin a decade, the coronavirus pandemic and the collapse of oil prices also offer an opportunity to consider unorthodox intervention in the energy markets and global collaboration to support the recovery phase once the acute crisis subsides," states the World Economic Forum. "This giant reset grants us

the option to launch aggressive, forward-thinking and long-term strategies leading to a diversified, secure and reliable energy system that will ultimately support the future growth of the world economy in a sustainable and equitable way."

Already, the COVID-19 pandemic and oil price crisis has fostered previously unseen levels of cooperation and collaboration between OPEC and the G20 international forum for governments and central banks. Saudi Arabia, Russia, and the United States, three petroleum powers that have no historically played nice, were able to reach a deal to mitigate the oil price crash, which "sets a precedent for future collaboration for global energy security and economic growth." This could be pivotal for the development of meaningful policy and alliances for a global energy transition. "While the impact of this alignment in the short term has been low and insufficient," says the World Economic Forum, "the medium- and long-term effects could be substantial." An energy transition away from fossil fuels isn't going to happen overnight, of course, even in the middle of a pandemic and negative oil prices. The world's infrastructure is set up to run on oil, the global economy is organized around it, and petro-nations and oil autocrats in countries like Saudi Arabia, Russia, and Iran will not go quietly into that goodnight. This crisis has shown, however, that the current system has serious vulnerabilities and diversifying the energy economy will be in the best interest of everyone. "Threats to the infrastructure from extreme weather events, the increasing risk of cyber-attacks, and the disruption to supply-and-demand balance from external shocks such as COVID-19 expose vulnerabilities in the system. This can be detrimental to society at large," continues the World Economic Forum report. "Lasting and systemic outcomes can only come from a balanced approach, which values economic growth, security and reliability along with sustainability, and promotes stability in energy markets." "We all knew that the end of oil was coming. Even Saudi Aramco admitted that they expect peak oil by midcentury. But the pathway to achieving an energy transition before reaching the tipping point toward catastrophic climate change has always been murky at best, with the private sector often dominating the decision-making. If there were ever a time to change that tune, it's now.

“The LNG Market Is ‘Imploding

While everyone is understandably watching the meltdown in the crude oil market, the global market for natural gas is also cratering. At least 20 cargoes of U.S. liquefied natural gas (LNG) have been cancelled by buyers in Asia and Europe, according to Reuters. The global pandemic and the unfolding economic crisis have slashed demand for gas worldwide. Cheniere Energy, one of the main exporters of U.S. LNG, has seen an estimated 10 cargoes cancelled by buyers halfway around the world, Reuters said. The price for LNG in Asia was already crashing before the pandemic, owing to a substantial increase in supply last year.

Prices for LNG in Asia for June delivery have recently traded at \$2/MMBtu, only slightly higher than Henry Hub prices in the U.S. As recently as October, LNG prices in Asia traded at just under \$7/MMBtu. The problem for American gas exporters is that after factoring in the cost of liquefaction and transportation, gas breakeven prices for delivering to Asia are around \$5.56/MMBtu, according to Reuters. But prices are trading at less than half of those levels. Gas exports tend to be conducted under rigid contracts, but cargoes are now facing cancellation. “The financial prospects for [LNG] once one of the globe’s hottest energy com-

modities – seem to be imploding before our eyes,” Clark Williams-Derry wrote in a new report for the Institute for Energy Economics and Financial Analysis (IEEFA). He noted that LNG prices in the fall of 2018 were at around \$12/MMBtu. The oil majors have made large bets on LNG in recent years. Royal Dutch Shell spent more than \$50 billion to buy BG Group in 2015. The move back then was made with an eye on surging demand for natural gas. “We will now be able to shape a simpler, leaner, more competitive company, focusing on our core expertise in deep water and LNG,” Shell’s CEO Ben van Beurden said after closing on the acquisition of BG Group more than four years ago. The deal remade Shell into one of the largest traders of LNG on the planet. Several other oil majors – Total SA, ExxonMobil and Chevron, for instance – have also made massive bets on LNG. LNG is now arguably getting

hit just as hard as crude oil from the pandemic and the global slowdown. A series of high-profile investment delays or cancellations have occurred in the past month. ExxonMobil, for instance, delayed a final investment decision on a large LNG export project in Mozambique in early April. However, the industry faced troubled economics even before the current crisis. “Companies pinned the delays on the novel coronavirus, while ignoring the fact that LNG prices were already deflating long before the worst impacts of the pandemic were being felt,” Clark Williams-Derry wrote in the IEEFA report. He wrote that what was striking was the fact that companies of varying sizes and corporate structures were cancelling decisions – speculative startups, but also state-owned giants and publicly-traded supermajors.

Delayed and cancelled cargoes could ripple back up to the upstream sector. The U.S. natural gas industry was also facing problems heading into 2020 because of oversupply. Exports may not provide the demand pull that it once did for gas drillers. Henry Hub prices are stuck at \$1.80/MMBtu. Ironically, however, the share prices of gas drillers have rebounded in recent weeks. Pittsburgh-based EQT has seen its share price double since March, for example. There are a few reasons for this. The Federal Reserve has funneled trillions of dollars into the financial sector, which has re-inflated financial assets of all types. Investors also seem to be trying to “buy the dip.” But industry analysts are also predicting that a huge shortfall in gas production in the Permian will boost prices by next year. Goldman Sachs says that gas will jump to \$3.25/MMBtu in 2021. For now though, the economics for LNG are pretty dismal. “The LNG industry entered today’s crisis on shaky footing. And now that the economic slowdown is in full swing, all previous LNG supply and demand projections have been rendered moot, and all crystal balls remain cloudy,” Williams-Derry concluded. “In that context, delay is a smart decision.”



Goldman: Don't Expect U.S Oil Prices To Recover Soon

The recovery in U.S. oil prices is still weeks away, Goldman Sachs' head of commodities Jeffrey Currie told CNBC's Power Lunch.

The reason for the note of caution is because cutting oil production is not a simple matter. It takes time and costs money, and, perhaps more importantly, it could damage the well, Currie said. "Shutting down a well is extremely expensive, and sometimes you damage the well forever," he told CNBC, adding that, "We don't think this is the end of it. You're likely to see this continue to go on at least through the middle of May." West Texas Intermediate slumped to more than minus \$38 a barrel yesterday. The slump into negative territory—the first in history—was, in large part, driven by traders exiting their positions in the futures market to avoid physical delivery of the crude that they had bought earlier. However, there has been no change yet in demand for crude oil globally, and U.S. producers are running out of storage space for their product. The shortage of storage space also con-

tributed to WTI's 300-percent dive from yesterday. In this environment, Goldman's Currie is far from alone in expecting more pain. "This will cause a lot of people to shut in (their wells). At these prices, there's no way," the Houston Chronicle quoted a Texas oil and gas investor as saying in comments on the news about WTI's dive into negative territory. "It reminds me of the '80s in a way, but this thing is worse. Incredible, absolutely incredible." Reuters reported this week that oil in floating storage had reached a record high at 160 million barrels last week, according to sources from the shipping industry. That was a 100-percent increase over the previous week as traders scrambled to store their unsold and currently unsellable oil. In the United States, the federal government was reportedly in talks with nine companies to lease storage space from the Strategic Petroleum Reserve. The SPR has a capacity of 713 million barrels of crude, with the current level of occupancy at 635 million barrels.

Marathon Oil Lays Off 200 Employees



Marathon Oil has laid off 200 employees in response to persistently low oil prices and oil demand devastation. "Marathon Oil confirms that it has made the strategic decision to reduce its organizational footprint in response to extremely low commodity prices and much lower oil demand due to COVID-19," the company said, as quoted by the Houston Chronicle's Sergio Chapa. "As a company, we've dramatically cut our 2020 capital program, reduced activity across our U.S. operations, and completed other necessary cost-cutting measures." This is just a snapshot of a job loss trend that will be gaining speed in the coming weeks. In just the ten days to April 23, 2,500 people in the Texas oil industry lost their jobs, Chapa wrote, from a total 13 companies. With rigs getting idled and wells getting shut in, thousands of jobs are at risk. And the loss may be permanent. Earlier this month, Norway's Rystad Energy warned that as many as 533 U.S. oil companies could go bankrupt if oil stays at around \$20 a barrel. At the time of writing, West Texas Intermediate was trading at \$19.33 a barrel but there is serious downward pressure on the benchmark from oil storage space, which is fill-

ing up fast, with analysts expecting Cushing to reach its limit before this month's end. More pain is coming for the industry. According to Rystad Energy, oil production in the Permian, Eagle Ford, and Bakken will shed 900,000 bpd, 250,000 bpd, and 400,000 bpd, respectively, during this quarter alone. That's a total 1.55 million bpd, hundreds of shut-in wells that may never produce again, and many more jobs lost as the demand for drilling, servicing, and maintaining these wells vanishes. Earlier this week, media reported that Washington was mulling over a lifeline for the industry that could include taking stakes in companies. However, an Energy Department spokesperson told the Washington Examiner a day later that there will be no stake-taking. "The Trump Administration is not taking equity positions in or nationalizing energy companies," Shaylyn Hynes said. "Media reports to the contrary are categorically false." This leaves loans under different financial support programs as the only way the federal government can help the struggling industry and mitigate the impact of the crisis on jobs.



Why Shell Slashed Its Dividends

Royal Dutch Shell cut its dividend for the first time since 1945, cutting its payout by two-thirds. While U.S. shale drillers face the prospect of near-term bankruptcy, the oil majors are also getting hit on all fronts. Upstream profits are down because of the collapse of oil prices. Downstream units are getting killed because of the evaporation of gasoline and jet fuel demand. The LNG trade was also cyclically down heading into the pandemic; now it is deteriorating to even lower levels. All the while Big Oil was dishing out dividends at an unsustainable rate – they were borrowing to cover dividends even before the pandemic. That makes Shell’s decision understandable and somewhat inevitable – and something that even the company admitted. “It is of course a difficult day, but on the other hand, it is also an inevitable moment,” Shell CEO Ben van Beurden said on Bloomberg TV. “We basically have a crisis of uncertainty. Uncertainty about demand, about prices.” “Maybe even uncertainty about the viability of some of our assets given all of the logistical issues we have,” he said. Shell has way more debt than its peers, and maintaining hefty dividends would only exacerbate that pressure. “The problems have been building for a while,” Alastair Syme, oil analyst at Citigroup Inc., told Bloomberg. “All roads lead back to the high price paid for BG and the burden that this acquisition put on the company’s financial structure.” Shell spent more than \$50 billion five years ago to purchase BG Group, making Shell one of the largest LNG exporters in the world. Shell’s total oil and gas production is also expected to fall sharply in the second quarter, down to between 1.75 million and 2.25 million barrels of oil equivalent per day (boe/d) from 2.7 million boe/d in the first quarter. A big chunk of that is because Shell will have to shoulder some cuts as part of the OPEC+ cuts; Shell operates in some member countries, such as Nigeria. Even the massive capex cuts that Shell has already taken were

not enough. As a result, the dividend needed to be reduced. The new, smaller shareholder payout, is “affordable,” van Beurden said. “It’s also not wise or prudent or even responsible to pay out a dividend if you know for sure that you have to borrow for it, deplete your liquidity and, at the same time of course, also reduce the resilience in a world that is going to be totally unpredictable for some time to come,” he said. Shell’s decision was not received well by Wall Street. Its stock was slammed after the announcement, down 12 percent during midday trading. Meanwhile, BP’s and ExxonMobil’s stocks were only down 6 percent and 2.5 percent, respectively. But the move will increase scrutiny on some of the other oil majors. Most of them also have dividends that they cannot afford, at least over the long run. ExxonMobil maintained its dividend but froze it, ending years of steady increases. ConocoPhillips also maintained its dividend, even as it said it would cut production even deeper, slashing output by 420,000 bpd in June. Shell’s dividend reduction came a week after Equinor slashed its dividend. The divide between how European and American oil companies approach the dividend is stark. Beyond the initial disappointment from investors, Shell’s decision is arguably the more prudent course of action. RBC Capital Markets argued that the dividend cut will allow Shell “to pivot more easily through the energy transition.” Most importantly, Shell’s Ben van Beurden argued that the oil market may not return to “normal.” Lifestyles will probably “be altered for some time to come, whether that is because of the economic bandwidth that people will have or businesses will have, or whether it is because of attitudes,” he said on Bloomberg TV. “We do not expect a recovery of oil prices or demand for our products in the medium term.” “Will demand ever go back to where it was? That is hard to say,” van Beurden said, admitting that the odds of peak demand arriving this decade “has indeed gone up.”



How Trump Convinced Saudi Arabia

U.S. President Donald Trump was so intent on saving the American oil industry that he told the Saudi crown prince that unless the Kingdom stopped the oil price war and got OPEC+ together for a new round of cuts, the Trump Administration may not be able to prevent legislation to pull American troops out of Saudi Arabia, Reuters reported citing four sources with knowledge of the matter. President Trump spoke on the phone with Saudi Crown Prince Mohammed bin Salman on April 2, as the president himself said on Twitter that day, sending oil prices surging by 25 percent after saying that he hoped Saudi Arabia and Russia would cut 10 million bpd, or probably even 15 million bpd, to prop oil prices. According to sources with knowledge of the entire phone conversation between President Trump and the Saudi Crown Prince, President Trump threatened to shake up the strategic – including military – alliance between the United States and Saudi Arabia if the Saudis were to continue pursuing their oil price war for market share that had severely depressed oil prices, on top of the crashing demand. The message of the U.S. Administration to Saudi Arabia, through

various channels, was basically “We are defending your industry while you’re destroying ours,” a senior U.S. official told Reuters. In early April, just hours after the diplomatic push from President Trump and his hint at a massive production cut, Saudi Arabia scrambled to put out a statement, via its official Saudi Press Agency, calling for an emergency meeting of the OPEC+ nations and all other major producers not part of the format, in order to discuss ways to support the crumbling oil prices amid crashing demand. “This invitation comes within framework of the Kingdom’s constant efforts to support the global economy in this exceptional circumstance, and in appreciation of the US President’s request and the US friends’ request,” Saudi Arabia said. The rest, they say, is history. Ten days later, after four days of wrangling over quotas, baselines, and why Mexico should be spared most of its share of the cuts, the OPEC+ group came up with a new deal to remove 9.7 million bpd from the market in May and June, then ease the cuts to 7.7 million bpd for July to December 2020, and then further to 5.8 million bpd until the end of April 2022.

beyond
the best
KUMHO POLYCHEM

تمایز یافته رسمی
افزایش دهنده های ویسکوزیته
شرکت Kumho Polychem کره



تمایز یافته رسمی روغن های پایه
هیوندای شل

گن

شرکت گونش شیمی صنعت

شرکت گونش شیمی صنعت

وارد کننده و تامین کننده

مولد افزودنی

روغن موتور و روان کننده های صنعتی



| | | |
|-----|----------------|-------------------|
| Tel | ۰۲۶ ۹۵۰۰۴۲۲۳-۶ | +98 26 95004223-6 |
| | ۰۲۶ ۳۴۲۳۹۶۸۶ | +98 26 34239686-9 |
| | ۰۲۶ ۳۴۲۳۹۶۸۸-۹ | +98 26 34239693 |
| Fax | ۰۲۶ ۳۴۲۳۹۶۹۳ | +98 21 43859461 |
| | ۰۲۱ ۴۳۸۵۹۴۶۱ | |

www.gunashchem.com
info@gunashchem.com

نشانی: کرج، مهرشهر، منطقه ویژه اقتصادی پیام، بلوار شهید بابایی، خیابان هشتم
Head Office: 8th Street, Babaei Blvd, Payam Special Economic Zone, Alborz province